

وَمِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ صَلَّيْ عَلَى اللَّهِ وَهُوَ مِنْهُ

الْإِنْشَاء

مَكْتُوبٌ فِي رِجَالِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا فِي رَجَبِ سَنَةِ ١٢٨٣

اختلافات در ورطه شکوک و شبهات افتاده اند نجات یافته از محدود
 سجده و اربعه مجتهدین رحمهم الله تعالی تجاوز نه نمایند و از افراط و تفریط
 باز آیند اگر چه جناب مولانا صاحب کلمه به سبب تعصبات قیامین
 اکثر عوام و خواص به تحریر جوابها اراذه نمی داشتند لیکن غریب تا کید و فرط
 رنجت صاحبزادگان و الاثبار و با ستم عای خساران دیگر موجود حدیث
 شریف من دَلَّ عَلَى خَيْرٍ فَلَهُ مِثْلُ الْجَزَاءِ عَلَيْهِ این معنی بدرجه اجابت
 مقبول گردید و جوابهای سوالات مبسوطه از کتب صحیح مستداوله تحریر
 فرموده جزا که الله خیرا فی الدارین عَنی وَعَنْ سَائِرِ الْمُسْلِمِیْنَ
 پس از آن خواستم که این نود سوالات را بصورت تکمله نمایم لهذا سوالات
 عشره معاجزه جناب مولانا صاحب معصوف بانها الحاقی نموده بمکاتبه
 الْمَسَائِلِ فِي تَحْصِيلِ الْفَضَائِلِ بِالْاَدِلَّةِ الشَّرْعِيَّةِ وَتَرْكِ
 الْأُمُورِ الْمُتَمَيِّزَةِ مَوْسُومِ سَاخْتَمِ اکاه شوید و بدیندای طالبان صدق
 و صفا که این رساله نافعه عجمیه در سن پنجاه و دو صد و چهل و پنج هجری بمو
 صلی الله علیه وسلم صورت تمذیب و انتظام یافت و تو صبیح منیر به تحریر
 ضرورتیست که از خواندن و شنیدن ظاهر و باهر خواهد شد بقول مشهور
 آنست که خود موبدینه که عطار بگوید لیکن ابتداء برای ترغیب و تحریص طالبان
 باین جمله متنبیه میسازم که برای صدق و یقین که تابع دین متین خاتم النبیین اند

لکه که راه نموده
 برای انیک پس
 برای او مثل
 ثواب کننده
 آن امر است
 ۲۲
 در این حدیث
 جزای نیکو
 و جهان از
 من و از جمیع
 مسلمانان ۱۲
 ۳۰
 باین مسائل
 در تحصیل
 فضیلتها بدلیل
 ترک عیبت و
 ترک امور مذموم
 کرده شده

از جمله کتب

۲

بسیار مفید واقع است و یقیناً اتفاق از درگاه موثر حقیقی و موافق
تحقیقی آنست که هر کس علی العموم اگر راه مجادله و مبارزه بگذارد و بطریق
مناظره سلوک نماید یعنی اطاعتاً للصواب الحق درین رساله نافعه نه بر
و تامل نماید بی ریب و رین از شکوک هواویه و شبهات خلافیه نجات
یابد و اتباع طریقۀ انحصرت علیه الصلوٰۃ و السلام بطور صحابه کرام و اولاد
عظام و تابعین و تبع تابعین و ائمه مجتهدین و علمای صاحبین و اولیای
متقدمین و متاخرین رحمهم الله تعالی اجمعین درین سائل مسطور
اگر دو اللههم و فقئنا لما تحب و ترضی و اجعل الخیرة اخيراً
من الاولی فانضنا علی القوم الکفرین و امتناعاً علی
ذین سبیلہ المرسلین امین و حسبنا الله و نعم الوکیل
نعم النولی و نعم المصلین کاحول و لا قوۃ الا بالله العلی
العظیم و نشهد ان لا اله الا الله و حده لا شریک له و
نشهد ان سیدنا و مولانا محمداً عبده و رسوله
بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

۱۲۹۱

[illegible]

10

چهارم از کتاب و السنه والاجماع و القياس و كذا في التوضيح والمنهاج
 و الحسامي و الشاشي و المسلم و البرزوي و غيرهم ككتاب اصول الفقهه لكن
 قياس آن قياس حجت است كه مفرون بشرط باشد موافق شرط مذكوره
 كه در اصول فقهه مسطور اند و استحسان و استصحاب مغیره داخل در
 قياس نه و امده علم **سوال پنجم** كذا في التوضيح و المنهاج و الحسامي
 الا الله محمد رسول الله شده باشد و منافي آن از وصا و نذره
 يعني انكار از ضروريات دين مثل بعثت و رسالت و معجزات انبيا و كرامات
 اوليا و امانت ایشان و غيره از موجبات ترك بر این چنین شخص در شرع
 شريف چه حكم است مومن است يا كافر يا مشكك جواب مومن است نه
 كافر نه مشكك ليكن اگر ترك بگناه كبريه ترك فرض از فريضه شده باشد
 و توبه نكرده باشد پس اين شخص مومن فاسق است آخر اميد نجات است اگر
 چه بعد عذاب باشد و اميد عفو هم است كه بشفاعت عبيد خدا
 صلى الله عليه وسلم بدون عذاب مغفرت كنمان او شود
 قال رسول الله صلى الله عليه وسلم من مات وهو يعلم
 انه لا اله الا الله دخل الجنة رواه مسلم كذا في المشكوك
 قال الشيخ عبد الحق في شرح الغرر و از كتاب بعد العذاب
 اوقبله يشفاعه النبي صلى الله عليه وسلم انتهى

[illegible]

وَأَمَّا الْفِرْعَوْنُ فَأَنزَلْنَاهُ سُلَاطِنًا فَجَاء بِآيَاتِنَا فَكَفَرَ
وَأَمَّا الْفِرْعَوْنُ فَأَنزَلْنَاهُ سُلَاطِنًا فَجَاء بِآيَاتِنَا فَكَفَرَ

متواتره باشد پس منکر آن کافرست و هر فیضیکه ثبوت آن باخبار متواتره
باشد پس منکر آن نزدیک شد کافرست و نزد بعضی کافرست بلکه
ضال است و هو الصحيح و هر فیضیکه ثبوت آن بخبر واحد باشد پس منکر
آن کافر نیست کین سبب است قبول گنه کار خواهد شد بشرطیکه ثبوت
آن بطریق صحیح یا بطریق حسن خواهد شد و اگر ازین هر سه یکی بهم نماند
نباشد پس اگر از حکم مکلف نیاید کرد و لیکن شرط در ثبوت اخبار متواتره
مشهور و احاد نیست که در امور دین باشد و اگر در امور دین نباشد
مثلا انکار وجود قائم و شجاعت حضرت علی رضی الله تعالی عنه پس از انکار
آن کافر نمیشود و فی رساله الفاظ الکفر لایلا علی القاری چنینست
قَالَ وَفِي الْحَيْثُ مِنْ أَنْكَرَ الْأَخْبَارِ الْمُتَوَاتِرَةِ فِي الشَّرْعِ كَقَوْلِهِ
لَيْسَ لِحُرِّ بْنِ عَلِيٍّ الرَّجَالُ وَمِنْ أَنْكَرَ أَصْلَ الْوَقْدِ وَأَصْلَ
الْأَصْحِيَّةِ كَقَوْلِهِ وَلَا يَخْفَى إِمَّا قِيْلَهُ يَقُولُهُ
فِي الشَّرْعِ لِأَنَّهُ إِنْ أَنْكَرَ مُتَوَاتِرًا فِي غَيْرِ
الشَّرْعِ كَأَنْكَارِ جَوْحَانٍ وَشَجَاعَةِ عَلِيٍّ وَغَيْرِهَا لَا يَكْفُرُ تَمَّا أَصْلَهُ
أَنَّهُ أَرَادَ بِالْمُتَوَاتِرِ التَّوَاتُرَ الْمَعْنَى لَا اللَّفْظِي بَعْدَ ثَبُوتِ تَحْرِيمِ لَيْسَ
الْحُرِّ وَأَصْلَ الْوَقْدِ وَالْأَصْحِيَّةِ بِالتَّوَاتُرِ الْمُسْتَطْلَحِ فَإِنَّ
الْأَخْبَارَ الْمُتَوَاتِرَةَ عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى ثَلَاثٍ

متواتره که در حدیث صحیح زنی
و در رساله الفاظ الکفر لایلا علی القاری
فای قاری است متواتر است بان طور
لغة و در خط است که انکار کرد
اخبار متواتره را که در شریعت انکار کرد
شد مانند حرام بودن پوشیدن عورت
و در اصل و کسب انکار کرد اصل
نبوت حرام نبوت را که انکار کرد و ثبوت
صاحب خط آن نیست که انکار کرده است
در شریعت برای انکار انکار کرد
۱۲
متواتره که در حدیث صحیح زنی
و در رساله الفاظ الکفر لایلا علی القاری
فای قاری است متواتر است بان طور
لغة و در خط است که انکار کرد
اخبار متواتره را که در شریعت انکار کرد
شد مانند حرام بودن پوشیدن عورت
و در اصل و کسب انکار کرد اصل
نبوت حرام نبوت را که انکار کرد و ثبوت
صاحب خط آن نیست که انکار کرده است
در شریعت برای انکار انکار کرد
۱۲

مَرَاتِبَ مُتَوَاتِرٍ وَهُوَ مَارِءُ الْأَجْمَاعَةِ عَنْ جَمَاعَةٍ لَا

يَبْصُرُوا تَوَاطُّهُمْ عَلَى الْكَذِبِ فَهُمْ أَنْكَرُ كُفْرٍ وَمَشْهُورٌ

وَهُوَ هَارَوَاهُ وَاحِدٌ عَنْ وَاحِدٍ ثُمَّ جَمَعَ عَنْ جَمْعٍ كَيْتَوُ

تَوَافَقُ مَعَ الْحَالِ الْكَذِبِ وَمَنْ أَنْكَرَهُ كَفَرَ عِنْدَ الْكُلِّ الْأَعْيَاسِ

ابن اسحاق فان عندك يضل او لا يكرم وهو الصحيح

وَحَبِيبُ الْوَحِيدِ وَهُوَ أَنْ يَنْ وَيَهُ وَاحِدٌ عَنْ وَاحِدٍ

فَلَا يَكْفُرُ بِجَاحِدِهِ غَيْرَ أَنَّهُ يَا شُمَيْتُكَ الْقَبُولُ إِذَا

كَانَ صَحِيحًا أَوْ حَسَنًا انْتَهَى سَوَالُ نَهْمٍ كَيْفَ تَنْدَرُ

باشد از کرامت دینی مطلق عموماً حکم او چیت کافریست که یا فاسق

جواب منکر گرامت ولی مطلق عموماً از جمیع مقوله و مبتدع است

ریرا کہ بر خلاف عقیدہ اہل سنت است چنانچہ در کتب عقاید اہل سنت

نقل عقاید نسفی و غیره مرقوم و بطورست که امتیاز اولیاء حقینی

شرح فقه الأکبر للاعلى قارى والکرامات الاولیاء

مَا أَثْبَتَ بِالْكِتَابِ وَالسُّنَنِ وَلَا عِبْرَةَ يَخْلِفُهُ الْعَرَبُ

وَأَهْلُ الْبَيْدَةِ فِي إِتْقَانِ الْكِرَامَةِ انْتَهَى وَرَاجِعًا بَابُ دَرْجَاتِ

که گرامت از وی که ولایت او مستحق ثابت شده باشد اگر از و خرق

عادت صادر خواهند نمود برادر است خواهند نمود و اگر ولایت او باشد.

باراده آنکه چشم کور او صحیح شود پس چشم صحیح او کور شد پس شخص از هر دو چشم کور شد کذا فی انجیالیته پس ازین تقریر واضح شد که بر خرق عادت از کسیکه ولایت او ثابت شده باشد مثل حضرت غوث الاعظم و حضرت مجدد الف ثانی قدس سرهما پس انرا اگر امت نخواهند گفت و اگر نه بولایت او ثابت نشده و حال او مجهول است و از و خرق عادت صادر شده انرا اگر امت نخواهند گفت و معنی ولی این است که عارف باشد به خدای تعالی و صفات او و سبب امکان مواظبت و مداومت کننده باشد بر طاعتها و محبت باشد از معصیتها و اعراض کننده باشد از آنها که لذات و شهوات کما فی تشریح العقاید الشفی الولی هو العارف بالله و صفایه حسب ما یمكن المواظب علی الطاعات المحبب عن المعاصی المعرض عن الانیماک فی لذات و الشهوات سوال دهم شخصی که منکر باشد از کرامت ولی خصوصاً مثل محبوب سبحانی حضرت شیخ عبدالقادر جیلانی و اولیای ائمه که در سلسله حجت اند و قادریه و نقشبندیه و سهروردیه و مداریه و اولیای دیگر کتب معبره مثل اخبار الاخیار و تذکره الاولیا و سفینه الاولیا و فواید القواد و دیگر کتب که بران اجماع علماء سلف منعقد گشته بر اینکه ولایت ایشان ثابت و محقق حکم او هست **جواب** هر ولی که ولایت

[illegible]

و نه بخران ۱۲۱ محمد قطب الدین ۱۲۱
چنانچه در شرح عقاید نقی است و لی
عارف محمد اوصاف اوست بقدری
عمیق گفته است بر طاعت پروردگار
است از گنایان رد گردانده است از
عقوب شدن و بداد نمودن در لذت
شبهات نفسانی تمام شده و چون
عقاید ۱۲۱

او خصوصاً از نصوص قطعیّه ثابت باشد مثل ولایت حضرت ابوبکر صدیق و حضرت
 عمر فاروق و حضرت عثمان و حضرت علی رضی الله عنهم و کتب غیر باخبار متواتره
 یا مشهوره ثابت باشد پس سران کافرت و اگر ولایت او بخصوص ثابت باشد
 و کرامت او باخبار ثابت نشده یا ولایت و کرامت او هر دو از روی اخبار و تصور
 ثابت شده پس سران کافریست و ولایت و کرامت حضرت غوث الاعظم قدس
 الله سره اگر چه ثبوت آن از ادله قطعیّه شرعیّه نیست لیکن ثبوت ولایت و
 کرامت ایشان بساری از علما و اولیا که احصاء آن ممکن نیست فیه اند پس سران
 باید که خاطی باشد زیرا که در بخار کرامت ایشان ^{اعلیه السلام} تخطئه و تضلیل بسیار از علامات
 و بعد علم و اجماع علی سلف که در سوال مرقوم است بطور جماع شرعی و در
 ولی انقاد و غیر مسلم پس این حکم در غیر ایشان نخواهد بود و بعد علم سوال
 یا زدهم زیارت بوال اسلام از قول فیصل رسول الله صلی الله علیه و سلم
 ثابت است یا نه جواب زیارت بوال اسلام یعنی رفتن بسوی بوال
 اسلام و عبرت گرفتن برای ایشان دعا نمودن و یاد کردن آخرت و بی غیبت
 شدن از دنیا و مقرون ببدعت نشدن چون سجده و طواف و غیره از قول
 و فصل غیر خدا صلی الله علیه و سلم ثابت است ^{عنه} عَنْ بُرَيْدَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَبْ تَكُمُ عَنِ بَيَادِ
 الْقُبُورِ فَهَرُوهَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ وَعَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

این کتاب در بیان ولایت ائمه است و در بیان کرامت ایشان و در بیان علامات و علامات
 ایشان و در بیان کرامت ایشان و در بیان علامات و علامات ایشان و در بیان کرامت ایشان
 و در بیان علامات و علامات ایشان و در بیان کرامت ایشان و در بیان علامات و علامات ایشان
 و در بیان کرامت ایشان و در بیان علامات و علامات ایشان و در بیان کرامت ایشان و در بیان علامات و علامات ایشان

این کتاب در بیان ولایت ائمه است و در بیان کرامت ایشان و در بیان علامات و علامات ایشان و در بیان کرامت ایشان و در بیان علامات و علامات ایشان

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ كُنْتُ
 هَيْتَكُمْ عَنِ يَارَةِ الْقُبُورِ فَذُرُّوْهَا فَإِنَّهَا تَشْرِي هَذَا
 فِي الدُّنْيَا وَتُدْخِلُكُمْ فِي الْآخِرَةِ رَوَاهُ ابْنُ مَاجَهَ وَعَنْ
 ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقْبُورُ الْمَرْيُتَةِ فَأَقْبَلَ عَلَيْهِ ثُمَّ بَوَّاهُ
 فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ يَغْفِرُ اللَّهُ لَنَا
 وَلَكُمْ وَأَنْتُمْ سَلَفْنَا وَتَحْنُ بِالْآخِرِ رَوَاهُ الدِّمِثْقِيُّ
 وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فِي مَرَضِهِ الَّذِي لَمْ يَقُمْ مِنْهُ لَعَنَ
 اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ
 مَسَاجِدَ مُتَّبِعِينَ عَلَيْهِ وَفِي النِّهَايَةِ كُنْتُ هَيْتَكُمْ عَنْ
 زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَذُرُّوْهَا وَلَا تَقُولُوا هَجْرًا لِنَبِيِّ
 سَوَالِد وَازِد هَمَز زيارت مذكوره انرا افعال صحابه و تابعين و
 تبع تابعين و دیگر علماء و صلحا هر چه عزت و ثبات است يانه جواب از افعال
 صحابه و تابعين و تبع تابعين و دیگر علماء و صلحا زيارت مذكوره ثابت بخانه
 از عبد المدين عمر و حضرت عمر و حضرت علي و دیگر صحابه و صلحا ان بعد تعالى عنهم امير
 بابت است كما في شرح بعد و تحقيق علماء و صلحا ي هر عصر از كتب تواريخ و ريات

[illegible][illegible]

الحمد لله رب العالمين

باید کرد زیرا که برگاه از قول و فعل آنحضرت علیه الصلوٰة و السلام و صحابه و ائمه
علیهم السلام جمیع ثبوت شد پس تحقیق نمودن قول و فعل علماء بر عصر اعتبار
نماید لیکن بایست قبور بطوریکه از حضرت صلی الله علیه و سلم و صحابه ثابت
شده زیارت شرعی و سنون است و آنچه درین زمانه اکثر مردمان بر آن
زیارت میروند و انجابتها نمی نمایند این زیارت شرعی نیست از آن
اختیار باید نمود و تفصیل زیارت شرعی و بعضی در جوابات سوالات آینده
معلوم خواهد شد **سوال** میزد هم رفتن صد نامردم بر آن
زیارت قبور مسطوره در شرع چه حکم دارد جایز است یا کما که ام گناه صغیره
یا کبیره یا مکروه یا حرام یا شرک یا کفر جواب رفتن صد نامردم بر آن
زیارت بقدر جهت صورت و مورد جائز نیست و مکروه است و حرام
نست و شرک کفر نیست تفصیل این است که اگر بطوریکه پیغمبر
خدا صلی الله علیه و سلم فرموده اند یا کرده اند بان طور و در جائز است
بلکه مستحب و سنون است هر قدر که شود برای زیارت بان طور رفته باشد
و ان طور این است که نزد قبر رسیده السلام علیکم و آراکم و مؤمنین
بگوید و برای اسوات دعای مغفرت و بخشش کنان آنرا از حق تعالی
طلب نماید و عیادت کرد و از دار دنیا بی رغبتی کند و آخرت را یاد کند و تر
و پسران انجام قیام کند برای همین قسم غرض آنحضرت صلی الله علیه و سلم

[illegible]

اجازت زیارت قبور فرموده اند بعد از آنکه نمی فرموده بودند قَالَ
 هَتَمْتُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ فَذُرُّوْهَا فَإِنَّهَا تَنْزِيْهَا
 فِي الدُّنْيَا وَتَذَكِّرُ الْآخِرَةَ رَوَاهُ ابْنُ قَلْبَةَ كَذَا فِي
 الْمَشْكُوتِ این قسم فواید از زیارت قبور حاصل می شود و درین قسم
 زیارت کردن قبر ولی و غیر ولی و شهید و غیر شهید و صالح و فاسق و
 غنی و فقیر برابر است بلکه از زیارت قبور غنیها و ملوک باده تر عبرت
 حاصل میگیرد و دویم آنکه برای زیارت قبور روند و بجز آنکه در حدیث
 شریف نزد قبر وارد نشده و در غیر قبور جائز و مباح اند عمل نمایند
 مثل بوسه دادن و مس کردن قبر و انجاء نمودن و ضحک و قهقهه
 و نوم و نرد بعضی خواندن قرآن بجز و غنائم و دوازده آلات لهو و کلام
 دنیا بی فایده و دیگر افعال و کلام مالا یعنی نمودن و خوردن و آشامیدن
 این قسم افعال نزد قبر نمودن مکروه است پس هر که زیارت قبر
 باین طور خواهد نمود در حق او این افعال مکروه خوانند شد و بیکره
 عِنْدَ الْقَبْرِ كَمَا لَمْ يَعْهَدْ مِنَ السُّنَّةِ وَالْمَعْمُوكَ مِنْهَا لَيْسَ
 إِلَّا زِيَارَتُهَا أَوِ الدُّعَاءُ عِنْدَهَا فَإِنَّمَا كَانَ يَفْعَلُ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْخُرُوجِ إِلَى الْبَقِيعِ كَذَا فِي الْحَجْرِ
 وَالْخَرَوَ فَيَعِ الْقَدِيرَ وَمِثْلَهُ فِي تَنَاقُصِ الْعَلَكِيَّةِ وَغَيْرِهَا

۱۰
 از زیارت قبور
 در دنیا و آخرت
 فواید بسیار
 حاصل میگردد
 و درین قسم
 زیارت کردن
 قبر ولی و غیر
 ولی و شهید و
 غیر شهید و
 صالح و فاسق و
 غنی و فقیر
 برابر است
 بلکه از زیارت
 قبور غنیها و
 ملوک باده تر
 عبرت حاصل
 میگیرد
 دویم آنکه
 برای زیارت
 قبور روند و
 بجز آنکه در
 حدیث شریف
 نزد قبر وارد
 نشده و در غیر
 قبور جائز و
 مباح اند
 عمل نمایند
 مثل بوسه دادن
 و مس کردن
 قبر و انجاء
 نمودن و ضحک
 و قهقهه و نوم
 و نرد بعضی
 خواندن قرآن
 بجز و غنائم
 و دوازده آلات
 لهو و کلام
 دنیا بی فایده
 و دیگر افعال
 و کلام مالا
 یعنی نمودن
 و خوردن و
 آشامیدن
 این قسم
 افعال نزد
 قبر نمودن
 مکروه است
 پس هر که
 زیارت قبر
 باین طور
 خواهد نمود
 در حق او
 این افعال
 مکروه
 خوانند شد
 و بیکره
 عِنْدَ الْقَبْرِ
 كَمَا لَمْ يَعْهَدْ
 مِنَ السُّنَّةِ
 وَالْمَعْمُوكَ
 مِنْهَا لَيْسَ
 إِلَّا زِيَارَتُهَا
 أَوِ الدُّعَاءُ
 عِنْدَهَا
 فَإِنَّمَا كَانَ
 يَفْعَلُ صَلَّى
 اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَسَلَّمَ فِي
 الْخُرُوجِ إِلَى
 الْبَقِيعِ كَذَا
 فِي الْحَجْرِ
 وَالْخَرَوَ
 فَيَعِ الْقَدِيرَ
 وَمِثْلَهُ فِي
 تَنَاقُصِ
 الْعَلَكِيَّةِ
 وَغَيْرِهَا

فَإِنَّ الْحَرَمَ فِي ظِلِّ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَيَتَعَزَّزُ كُلُّ خَيْرٍ
 عَنْ أَبِي ذَرٍّ أَنْتَهَى قَالَ الْمَنَؤُورِيُّ فِي شَرْحِهِ الْمُخْتَصَرِ
 فِيهِ نَذْبُ زِيَارَةِ الْقُبْرِ أَيْ لِلرَّجَالِ وَتَغْسِيلُ الْمَوْتَى
 لَكِنْ لَا يَحْتَسِبُ الْقُبْرَ وَلَا يُقْبِلُهُ فَإِنَّهُ عَادَةُ النَّصَائِي
 أَنْتَهَى وَقَالَ الْمَنَؤُورِيُّ فِي شَرْحِهِ فِي مَوْضِعٍ آخَرَ شَرَّ
 حَدِيثٍ كُنْتُ هَمَيْتُ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ قُرُوءَهَا
 أَيْ لِيَشْرَطَ أَنْ لَا يَقْتَرِنَ بِذَلِكَ تَمَسُّحٌ بِالْقُبْرِ وَتَقْبِيلُهُ
 فَإِنَّهُ كَمَا قَالَ السُّبْكِيُّ بِدَعَا مُنْكَرَةٍ أَنْتَهَى وَفِي كِتَابِ
 شَجَرَةِ الْإِيمَانِ جَرْنُ كَسِيٍّ رُغُورِ سْتَانِ جَرِيٍّ مِخْوَرِ دِيَمِيٍّ أَشَاهِدُ بِالْمَجْهَبِ
 قَبْرِ بَابُوسَهْ وَهَذَا سَجْدَه كَنْدِيَادَرِ أَنْجَا أَنْشُ سَوْزِ لَنْدَانِ بِمَكْرُوهِ تَحْرِيمِيٍّ اسْتِ
 أَنْتَهَى وَدَرْ تَرْجُمَهْ شَكُوَهْ شَيْخِ عَبْدِ الْحَيِّ دِهْلَوِيِّ مُحَدَّثِ نَكُورِشْتِ وَمَسْجِدِ كَنْدِ قَبْرِ بَابُوسَهْ
 وَبُوسَهْ هَذَا سَرَاوِ مَخْنِي فَسُوْدُ رُويِ بَنَاجِ كَالِدِ كِهْ اَيْنِ عَادَةُ نِصَارِيٍّ اسْتِ
 وَقَرَاتِ قُرْآنِ نَزْدِ قَبْرِ كَرُوَهْ اسْتِ نَزْدِ اَبِ حَيْثِفَهْ بِمِ وَنَزْدِ مُحَمَّدِ كَرُوَهْ نِسْتِ وَصَدِّ
 شَهِيدِ كِهْ كِي اَوْشِيَاخِ حَقِيقَتِ بِمَقُولِ مُحَمَّدِ اسْتِ كَرُوَهْ وَفَسْخُومِ بَرِينِ اسْتِ
 وَشَيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ بَعْضِلِ كَفْتِهْ كِهْ كَرُوَهْ قَرَاتِ سَرَانِ بِجَبِ اسْتِ اَلَا فَا حَقِيقَتِ
 اَلَا بَابُ اسْتِ اَكْرَحِ جَنِّمِ كَنْدِيَادِي آخِرَهْ اَقَالِ مِيُوَهْ اَنَكِهْ نَزْدِ قَبْرِ رَفْتِهْ قَبْرِ اَسْجَدِهْ
 نَائِدِ يَا كَرْدِ قَبْرِ طَوَافِ سَارُوْ يَانَزْدِ قَبْرِ قَصْرِ ضَرْبَاتِ هُوسَلِ دِلِ وَدِلِكِ سَارِكِي

این حدیث در کتاب
 شجره ایمان
 جرن کسیر
 رگورستان
 جری میخورد
 دیمیشاهد
 بالمذهب
 قبر بابوسه
 و این سجده
 کند یادر
 آنجا آنش
 سوزاندان
 بمکروده
 تحریمی است
 انتی و در ترجمه
 شکوه شیخ
 عبدالحی دهلوی
 محدث نکورشت
 و مسجد کند
 قبر بابوسه
 و بوسه
 هذا سراو
 مخنی فسود
 روی بناج
 کالد که این
 عاده نصاری
 است و قرات
 قرآن نزد
 قبر کروه
 است نزد
 ابی حنیفه
 بم و نزد
 محمد کروه
 نیست و صد
 شهید که کی
 اوشیاخ حقیقت
 بمقول محمد
 است کروه و
 فسخوم برین
 است و شیخ
 محمد بن بعضل
 کفته که کروه
 قرات سران
 بجب است
 الا فاحقیقت
 الا باب است
 اگر چه جیم
 کندالی آخره
 اقال میوه
 انکه نزد
 قبر رفته
 قبر اسجده
 ناید یا کرد
 قبر طواف
 سارو یانزد
 قبر قصر
 ضربات
 هوسل دل
 و دلیک
 ساری

وَسَارِيبَ وَجَمِيعَ مَزَامِيرَ وَمَعَارِفَ وَنُوبَتِ نَوَازِي وَغُلَافِ قُبُورِ حَبِيبَتِ
تَعْلِيمِ بُوْشَانِدَن بَايِن طُورِ رَفْتَنِ بَسُوْی قُبُورِ حَرَامِ سَتَرِ کِه اَلْکَرَنِ خِزِرِ
فِي نَفْسِهِ دَر غَیْرِ مَقَابِرِ حَرَامِ اَنَد و دَر مَقَامِ مَتَبَرِ کِه مَقَابِرِ اَنَد زَبَادَه تَر حَرَامِ خُوْ
سَد وَفِي مَقَاتَوِی الْحَمْدِ وَبِهِ قَالَ الْفَقِيْهُ الْيَوْجَعْقُ مِنْ قَبْلِ الْاَرْضِ
بَيْنَ يَدَي سُلْطَانٍ اَوْ اَمِيْنٍ اَوْ سَجَدَ لَهُ فَاِنْ كَانَ عَلَى وَجْهِ
الشَّجِيَةِ لَا يَكْفُرُ وَلَكِنْ يَصِيْرُ مِنْ تَكْبَرٍ لِلْكِبَرِيَّاتِ
چهارم آنکه نزد قبر رفته سجده عبادت نماید و از صاحب بر حاجت خود
طلب کند و طلب سفار مریض و طلب حق و کشف مصائب و بلا و دیگر حاجات خود
بالاستقلال یا بطریق شراکت دسته یا متصرف در عالم نبشته نماید این قسم
رفتن موجب رک و کفرست و فی شرح المناسک میلا علی قاری
وَلَا يَطُوْرُ اَيُّ وَلَا يَلِدُ رُحُوْلُ الْمَيِّتَةِ الشَّرِيْفَةِ لِاَنَّ الطَّوْفَ
مِنْ مُخَصَّصَاتِ الْكُتُبَةِ الْمَيِّتَةِ فَكَيْفَ رُحُوْلُ بُنُوِّ الْاَنْبِيَاءِ وَ
الْاَوْلِيَاءِ وَلَا عِبَادَةً بِمَا يَفْعَلُهُ الْجَنَّةُ وَلَوْ كَانُوْا فِيْ صُوْرَةِ الْمُسْلِمِ
وَالْعُلَمَاءِ وَلَا يَخْفَى وَلَا يَقْبَلُ الْاَرْضُ فَاِنَّهُ اَيُّ كُلِّ حِدٍ يَلْقَاهُ
اَيُّ عَبْدٍ مُسْتَحْسِنَةٍ فَيَكُوْنُ مُكْرَمًا اَمَّا السَّجْدَةُ فَلَا تَسْكُ لَهَا
مُكْرَمَةٌ فَلَا يَغْبِرُ الزَّكْرُ بِمَا يَرَى مِنْ فِعْلِ الْجَاهِلِيْنَ بَلْ يَلْعَنُ
الْعُلَمَاءُ الْعَامِلِيْنَ وَلَا يُصَلُّ اِلَيْهِ اَيُّ الْجَانِبِ قَبْرُهُ فَاِنَّهُ حَرَامٌ

[illegible]

۳۰ حضرت نظام الدین و ملاقات روز چارای زاری است قطعه صلوات علی بنی العقیقہ کی رفیق کیمت ۱۲

[illegible]

١٠٠٠

[illegible]

یا اباحه است که آموختن طبایفه و رای معتزله هم همین است که گفته اند
 فی الدرر پس ازین روایات معلوم شد که اصل در شیاء یا حرمت است
 یا توقف یا اباحه اگر ندیدیم بر مت یا توقف و نه شبهه شود پس مقرر کردن بوم
 عرس از طرف خود نباید ساخت که در حرمت خوابیدن و یاد امری حرام
 افتاد که حال او معلوم نیست و اگر لحاظ اباحت در اصل اشیا کرده شود پس
 بظاهر معلوم میشود که مقرر کردن بوم عرس جایز باشد لیکن این امر مردود است
 بدو جهت یکی آنکه حدیث صحیح و مشکوٰۃ المصابیح بروایت نسائی مرویست که
 داروبریکه بهیئت حبا عین نزد قبر مثل عید جماع نباید کرد و عن ابن
 هشره رضى الله عنه قال سمعت رسول الله صلى الله عليه
 وسلم يقول لا تجتمعوا أبویکم فبؤا ولا تجتمعوا قبری عیدا
 وصلوا علی فان صلوتکم تبلغنی حیث کنتم رواه النسائی
 فی مشکوٰۃ قال فی مجمع البحار فی شرح هذا الخبر یبغی
 لا تجتمعوا قبری عیدا انی لا تجتمعوا لزيارة قبری عیدا أو قبری
 مطهر عید انی لا تجتمعوا لزيارة ائمتی اجتماعکم للعیة قاله
 یوم همی و سرور و حال الزیارة بخلافه و کان داب هبل
 الکتاب فأورنهم القسوة أو من هجر عیدة الا وثان
 حتی عید و الا موابت لیکن این وجه مخصوص است بعرس

۲۷
 محفل طوفان در مجلسی اطفال
 تکیه بند و جمع التواضع
 زیارت قریه تانوس
 تکیه ای در تانوس
 عید اوزار و کوفتی
 دعال زیارت قریه طوفان
 سینه ای محفل طوفان
 کردن آن حضرت و یاد
 حال آنکس در آن
 این در آنکس
 عادت و
 ایام

نزد قبر خلف دوم وجه که عام است که عرس نزد قبر باشد یا غیر قبر دوم آنکه در شرع
تشریف ناکید نموده شد با آنکه شعار اسلام اهتمام باید کرد چنانچه باقامت
جمعیه و جماعت و اقامت اعیاد و جهاد و باقامت امور حج مثل طواف خانه
کعبه و سعی بین الصفا و المروة و وقوف عرفه و مزدلفه و اقامت در منادی
حاج و رواج دایا و کتیرات تشریق و صلی و غیره پس غیر شعار اسلام را اهتمام نمودن
مبتل است تمام این امور در شرع مقصود نیست و فی زماننا ظاهر و هوید است
که اهتمام اعراس مشایخ این قدر نمی کنند که در شعار اسلام اصلا کرده نمی شود
مثلا برای اقامت جمعیه خروج اکثر سلاطین و امرا و مشایخ عظام هرگز نمی شود
و در اعراس بیرون و هم تمام نمودن هرگز فوت نمی شود بلکه بعضی بر
ادای فريض صوم این قدر اهتمام ندارند که برای کردن اعراس اهتمام
دارند اگر فرض فوت شود هیچ باک ندارند و اگر فرض فوت شود موجب
بغی کار نمی کنند و روز عرس و تمام شهر شور و شغب مثل یوم عید
می شود و تزئین لباس فاخره باستمال طیب بائی نموده می میر و در چنانکه
برای رفتن باشد و جای که عرس میکند آنجا رفته سجده عادت شنیده و
منکرات قبیحه بعمل می آرند که ذکر آن نشاید بیاوریم این مختصر علی
الله عکرم در آخر مرض خود معتذری فرموده اند که لعن الله علی
الیهود و النصارى اتخذوا قبور انبيائهم مساجدا

در اعراس عظام

بسیار از اعراس عظام

در اعراس عظام

لِحَدِّثُ مَا صَغَوْا كَذَا فِي الْبُخَارِيِّ بِسَبْقِ تَبَايُحِهِ مِنْ طَرَفِ شَارِعِ
 اِتِّهَامِ بَاشِدِ بِرَاقَاتِهِ شُعَارِ اسْلَامِ وَبِرَاقَاتِ غَيْرِ شُعَارِ اِتِّهَامِ نَبَاشِدِ
 وَغَيْرِ مَتَّهَمِ اِتِّهَامِ نَمُودَنِ خِلَافِ مَقْصُودِ شَارِعِ كَرْدَنِ هَسْتِ بَسِ
 بِنَابَرِ اِيْنِ اَمُوْرَ ذَكُوْرِهِ اِتِّهَامِ مَقْرَّرِ كَرْدَنِ يَوْمِ عَرَسِ حَايِزِ نَحْوَابِدِ وَبَعْضِ
 مَرْدَمِ كِهْ بَجَوَازِ اَعْرَاسِ دَلِيْلِ مِي آرَنْدَكِهْ اَنْخَضَرْتِ صَلِي اَمْدِ عَلِيْهِ وَسَلَمِ بِرَسَالِ
 بَرَايِ زِيَارَتِ قَبُوْرِ شَهِيْدَا رَفْتِهْ اَنْدَكِهْ يَآئِي قُبُوْرِ الشَّهِيْدَا عَلِيْ رَاسِ
 كُلِّ حَوْلٍ بِسِ جَوَاشِ اِيْنِ هَسْتِ كِهْ اَوَّلِ اِيْنِ حَدِيْثِ اَزْ صَحَاحِ نَسِيْتِ كِهْ
 مَحَلِّ سَخْنِ نَبَاشِدِ بَلَكِهْ اَزْ اَنْ كَتَبِ هَسْتِ كِهْ دَرِ اَنْ كَتَبِ حَدِيْثِ بِرْ قِسْمِ صَحِيْحِ
 وَحَسَنِ ضَعِيْفِ بَلَكِهْ مَوْضُوعِ هِمِ يَافْتِهْ مِي شُوْدِ كَمَا نَقَلَ السَّيُوْطِي عَنْ
 اِبْنِ جَرِيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ اِبْرَاهِيْمَ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَأْتِي قُبُوْرَ الشَّهِيْدَا عَلِي رَاسِ كُلِّ حَوْلٍ فَيَقُوْلُ
 سَلَامٌ عَلَيْكُمْ يَا صَبِيْرًا فَنُغَمِّعُكَ الدَّارَ اِيْمَنِي وَكِتَابَ اِبْنِ جَرِيْرٍ
 اَحَادِيْثِ بِرْ قِسْمِ مَوْجُوْدِ اَنْدِ مَعْنِي اِنْزِدْ مُحَمَّدِيْنِ اِيْنِ حَدِيْثِ مُتَّصِلِ اِلَا شَاوِدِ مَرْفُوعِ
 نَسِيْتِ بَسِ اِيْشَانِ صَحِيْحِ نَبَاشِدِ وَفِيْنَكِهْ تَقْيِيْنِ صَحِيْحِ اَنْ نَشُدْ دَرِ مَقَامِ سَهْلَالِ بِرْ جَوَازِ
 وَعَدَمِ اَنْ وَرْدَنِ نَبَايِزِ اِيْرَ كِهْ صَحِيْحِ دَرِ سَهْلَالِ ضَرْوْرَتِ اِيْزِيْدِ رِيْضِ صَحِيْحِ اِيْنِ حَدِيْثِ
 مَحَلِّ هَسْتِ بَايْزِ مَعْنِ يَآئِي قُبُوْرِ الشَّهِيْدَا عَلِي رَاسِ كُلِّ حَوْلٍ دُوْ مَعْنِي وَارِدِ
 عَلَي رَاسِ كُلِّ حَوْلٍ مِنْ اَوَّلِي السَّنَةِ اَتَى اَوَّلِي الْحَرَمِ

19

[illegible]

برای فرحت و سرور که خالی از منکرات و دعات باشد آمده و برای اجتماع
 حزن و شکر و ثابت نشده و فی الواقع فرحت مثل فرحت و ملاوت
 انحضرت صلی الله علیه و سلم در دیگر امر نیست پس دیگر امر برین قیاس
 جمیع نخواهد شد و معهود او در مولا و سبط خاندان است زیرا که در قرون
 گذشته که مشهور است این امر معمول نبود بعد از قرون گذشته این
 امر جاد شده بنابرین علای و رجواز و عدم جواز آن مختلف شده اند
 چنانچه به تفصیل و بسط در کتاب سیرت شامی مذکور است من شأن فلینظر
 فی سوال شانند هم مقرر کردن روز برای فاتحه چهلم
 حکم دارد و جایز آنگاه که ام کناه جواب مقرر کردن روز برای
 فاتحه چهلم از شرع ثابت نشده و معین نمودن روز برای فاتحه چهلم
 با اعتقاد آنکه قبل از چهلم روز یا بعد از چهلم روز ثواب طعام مرده بخوابد
 رسید یا در روز چهلم زیاده تر ثواب بخوابد رسید غیر جائز است و غیر جائز نمودن
 کناه است و اضر آن بر آن کبیره است و طریق فاتحه که در مردمان سواج دارد
 که ایصال ثواب طعام بدون قرات سوره فاتحه و غیره مرده نمی سید این هم از
 کتابی نیست بلکه در چهلم و غیره طعام ختن اعتباری ندارد و چنانچه در کتاب جامع الکرامات
 و کشف الغطاء مرقوم است و آنچه بعد سالی یا شش ماه یا چهلم روزین یا طعام بخوابد
 کند از اباجی گویند چیزی از خلعت بسیار نیست بهتر نیست که نخورند استی

وَفِي فَتْحِ الْقَدِيرِ يُكْرَهُ اخْتِذَا الضِّيَافَةِ مِنَ الطَّعَامِ
مِنْ أَهْلِ الْمَيْتِ لِأَنَّهُ تَشَرُّعٌ فِي الشَّرِّ وَرَكَاعِي الشَّرِّ وَهُوَ
يُذَعِّلُهُ مُسْتَقْبَحَةٌ رَوَى الْأَمَامُ أَحْمَدُ وَابْنُ مَاجَةَ
بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ عَنْ جَبْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ كُنَّا نَعْبُدُ
الْاجْتِمَاعَ إِلَى أَهْلِ الْمَيْتِ وَصَنَعِهِمُ الطَّعَامَ مِنَ النَّبَاخَةِ
وَأَزْوَاجِ رَوَايَتِ فَتْحِ الْقَدِيرِ مَعْلُومٌ أَنَّ اخْتِذَا طَعَامِ أَهْلِ مَيْتٍ رَأْسُ مَكْرِهِ وَهُوَ تَجَلُّمٌ
بِأَنَّهُ يَأْتِيهِمْ بِأَهْلِهِمْ وَغَيْرِهِمْ وَزَمْعُهُمْ يَمْنَعُهُمْ مِنْ بَرِّهِمْ أَيْ مِنْ مَكْرِهِمْ وَكَرَاهَتِهِمْ
شَدِيدٌ وَتَصَدَّقَ طَعَامُهُمْ وَتُؤَابَّكَ بِمَيْتٍ رَسَانِيْنٌ جَائِزٌ هَسْت
مَوْقُوفٌ بِرُوزِي نَيْسْت وَتَعْنِي كَرْزَن رُوزِ بَرِّهِ اِيصَالِ ثَوَابِ بِمُرو
كَلَامُ التَّخْفِيفِ عَمَّنْ رُوزِ خَوَاهِدِ سِيدِ وَدِيْكَرُ رُوزِ تَحْوَاهِدِ سِيدِ نَطَاسْتِ وَ
اَعْلَمُ سَوَالِ هَفْهَمٌ بَرِّهِ زِيَارَتِ قُبُورِ اَوْلِيَاءِ اَعْدَاكَ اَنْ اَز
كَامِلِ مَبْدُوسْتَانِ وَازِ اِيْنِ اَتَا بِاَسْجَاحِهِ حَكْمٌ اَرْدُو جَائِزِ اِيْكَانِ هَكَامِ گَنَاهُ *
جَوَابِ دَرِیْنِ سَلْكَ اَعْلَمَا اَخْتِلَافِ هَسْتِ بَعْضِي جَائِزِ اَشْتَهَ وَبَعْضِي حُرْمِ
نُوشْتَه جَانِجِهٍ دَرِ قُسْطَلَانِ اَشْرَحِ صَحِيحِ نَجَارِي وَتَرْجِمَه شُكُوْهَ نَيْسِ عِبْدِ الْحَقِّ
مَحْدَثِ اَهْلُو قَوْمِ مَسْطُورِ هَسْتِ وَفِي تَرْجِمَه لِلشَّيْخِ الْمَوْصُوفِ بِكَذَا اَلْمَاسْفُورِ بَرِّهِ
زِيَارَتِ قُبُورِ صَاحِبِيْنِ سَيِّدِيْنِ مَوَاضِعِ مَبْرُكَةٍ خِلَافِ بَعْضِي مَبَاحِ وَازْدُو
بَعْضِي حَرَامِ كُوْنِدِ اَنْتَهِي وَفِي الْقُسْطَلَانِ وَخِلَافِ فِي شَدِّ الرِّجَالِ

[illegible]

إِلَى غَيْرِهَا كَالدِّهَابِ إِلَى زِيَارَةِ الصَّالِحِينَ أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا
وَالْمَوَاضِعِ الْفَاضِلَةِ لِلصَّلَاةِ وَفِيهَا التَّسْبِيحُ بِهَا فَقَالَ
أَبُو مُحَمَّدٍ بْنُ الْجَوْنِيِّ يَحْمُرُ عَمَلًا يَظَاهِرُ الْحَدِيثَ وَلَمَّا
قَاضَى حُسَيْنٌ وَقَالَ بِهِ الْقَاضِي عِيَاضٌ وَطَائِفَةٌ
وَالصَّحِيحُ عِنْدَ إِمَامِ الْحَرَمَيْنِ وَغَيْرِهِ مِنَ الشَّافِعِيَّةِ
الْحُجُوزُ أَيْتُهُ فِي شَرْحِ الشُّكُوفَةِ لِمَلَا عَلَى قَارِي ذَهَبَ بَعْضُ
الْعُلَمَاءِ إِلَى الْأَسْنَدِ كَالِ بِهِ عَلَى الْمَنْعِ مِنَ الرِّجَالِ لِرِزَاةِ
السَّاهِدِ وَمَقُورِ الْعُلَمَاءِ وَالصَّالِحِينَ أَيْتُهُ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ
رَضِيَ قَالَ لَقِيتُ بَصْرَةَ بْنَ أَبِي بَصْرَةَ الْعِفَارِيَّ
فَقَالَ مِنْ أَيْنَ أَقْبَلْتَ فَقُلْتُ مِنَ الطُّورِ فَقَالَ لَوْ أَذْرَكَكَ قَبْلَ
أَنْ تَخْرُجَ إِلَيْهِ مَا حَرَجْتَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَسَلَّمَ يَقُولُ لَا تَقْبَلُ الطَّيِّبَ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ
الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْمَسْجِدِ فِي هَذَا أَوْ إِلَى مَسْجِدِ أَيْلِيَا أَوْ
بَنِي الْمَقْدَسِ يُشَاكُّ رَوَاهُ مَالِكٌ فِي الْمَوْحَاوِي
مُحَمَّدُ بْنُ الْبَالِغَةِ قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَشْدُ
الرِّجَالَ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
وَالْمَسْجِدِ الْأَقْصَى وَمَسْجِدِي هَذَا أَوْ كَانَ هَلْ

سوزی و در
 بهت افروخته و
 سجایای بی شکر
 طریقت این
 که در پیشگاه
 سرورین نظام
 کرده است
 "فایض عیاض
 نوزاد اسم
 شمای جان
 شمع و شعله
 سوزن و
 که بعضی
 ۳۳
 غلام مستغن
 مدد است
 لافاکت
 بصره از
 اگر عیاض
 بسوی دی
 اندک و
 بت الله
 مسجد نبوی
 شکر که

الحاكم عليه يقصدون مواضع معظمة من غيرهم من وروها
ويتبين كونها وفيه من التحريف والفساد مما لا يخفى
فسد النبي صلى الله عليه وسلم الفساد لئلا يلحق غير
الشعائر بالشعائر لئلا يصير ذريعة لعبادة غير
الله والخبر عندي أن القبر محل عبادة ولي من
أولياء الله والطور كل ذلك سوام في النهي سؤال
هيجاهم السلام عليكم يا أهل مقابر المسلمين
كفتن جازت به جواب جازت وكفتن السلام عليكم
بجند صنفه وارودته جناحه در مشكوة شريف در باب زيارت
تسور مر قوم و مسطور است سوال نوزدهم سماعت موتى سلام
زاير و شرح آمد به جواب سماعت موتى سلام زيارت و شرح مشكوة
طاعلى قارى ارسى طوى نقل نموده هكذا عبارته قال السيوطى
اخرج العقيلي عن ابي هريرة رض قال قال ابو ذر
بارسول الله ان طريفي على الموتى فكل من كلام
اتكلم به اذا امرت عليهم فقال قل السلام عليكم يا أهل القبور
من المسلمين والمؤمنين انتم لنا سلف ونحن لكم تبع وانما
انشاء الله بكم لا حقوق قال ابو ذر زين يسمعون قال يسمعون

[illegible]

که بارسول آمد در جناب آئی از طرف این کس عرض کنید که حاجت من برید
یا ولی آمد تو از طرف این کس بجناب آئی بگو که حاجت من برید جائز است یا نه
که ام کناه **جواب** این صورتها که در سوال مرقوم است صورت استمداد
چنانچه از کتاب کشف العطا تفسیر شیخ الاسلام وضع می شود پس این سده مختلف
فیه است و آن این است که استمداد نرو قبر از غیر انبیا منکر شده اند فقها و میگویند
که نیست زیارت مکر برای رسانیدن نفع باموات ^{البته} بدعا و استغفار برای ایشان ^{استمداد}
نمودن از غیر انبیا نزد قبر ولی یا شهید ممنوع ^{استمداد} مخطوبست مگر بعضی فقها
که قلیل اند بطوریکه در سوال مرقوم جائز داشته اند چنانچه این تفصیل
در کتاب کشف العطا و ترجمه شکوه از شیخ عبدالحی دلموی و شرح عربی ایشان
مرقوم است **فَمَنْ شَاءَ فَلْيَنْظُرْ فِي تَرْجَمَةِ الشَّيْخِ** اما عبارت کشف
العطا مکنذا و اما استمداد بابل قبور در غیر نبی یا در غیر انبیا صلوات الله علیهم منکرند
از بسیاری از فقها گویند نیست زیارت مکر برای رسانیدن نفع باموات بدعا
و استغفار و قائل گشته اند بدان بعضی از ایشان فطاهرت که از فقها
انانکه قائل مسمع و ادراک میت اند قائل سحر و زاند و انانکه منکر اند آنرا این نیز
انکار کنند و نیست صورت استمداد مگر همین که محتاج خلعتند حاجت خود
جناب آکی تو بسل برو حاجت بنده مقرب درگاه والا و گوید خداوند این
برکت این بنده که تو رحمت و اکرام کرده او را برآورده گردان حاجت مرا

نظر در این حکایات است

یازد کند ان بنده مقرب کرم را که ای بنده خدا و ولی وی شفاعت کند
و بخواه از خدای تعالی مطلوب مرا تا قضا کند حاجت مرا پس نیست نذر
در میان مکر و سید و قادر و معطی رسول پروردگارش تعالی ثناء اینهی
و فی شرح مشکوٰۃ العربی للشیخ عبدالحق رح و اما الاستعداد
بأهل القبور فی غیار النبوی صلی الله علیه وسلم او اکاتبنا
علینهم السلام فقد آنکه کنیز من الفقهاء وقالوا
لیر الزیارة الا الدعاء للموتی والاستغفار لهم و
انصال النفع الیهیم بالدعاء وتلاوة القرآن وانبتة
السائج الصوفية قدس الله أسرارهم ونعص الفقهاء
رحمة الله علیهم انتهى و در رساله بالا بد که تصنیف قاضی ثناء السید باب
بنی است مرقوم است سجده کردن برای قبور انبیاء و اولیا و طواف
نمودن و دعا از آنها خواستن و نذر برای ایشان قبول کردن حرام است
بلکه چیزی از آنها بکفر می رساند انهی و در کتاب شجرة الايمان مرقوم است و
یکبار سجده کردن و یکبار دادن و برودست مالیدن و طواف کردن و از
صاحب برج طلبیدن و در قبرستان جراحها افروختن همه کرده تحریری است
لبست و سیلو اعمال عباد از غیر و شر با قربا و معارف ایشان
پانه و اوشان در حق احیات خود دعائی کنند یا نمی کنند

[illegible]

و بعض فقہان
احمد کتبہ المدح
برائے امام شافعی
شیخ مسکوتہ ۱۱۰

جواب عرض اعمال مردمان بر اقا رب و عسائیر ایشان که اموات

از دعای ایشان هم از بعضی روایات معلوم می شود چنانچه
در کتاب شرح اعتقاد در فی احوال الموتی و نقبر مرقوم است

عِبَارَتُهُ هَكَذَا أَخْرَجَ أَحْمَدُ عَنِ النَّسْرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ

اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ نَعْرُضُ عَلَى آقَارِكُمْ

وَعَسَائِرُ كَمْ مِنْ الْأَمْوَاتِ فَإِنْ كَانَ خَيْرًا سَتَشِيرُوا وَإِنْ

هَٰذَا غَيْرُكَ لَا تُلَوِّحْ لَهُمْ ذِكْرَهُمْ فَهُمْ لَا يَهْتَمُّوا بِهِ

ما رسول ہند ما اولیاء ہند و اگر اہل مغرب کہیں ہمارے رسول ہیں تو رہنا نہ ہے

چشم فراموشک یا کافراکیه مغیره یا کبریا یکرده یا حوض

دند کردن غایب میان منی و غیر منی فرق است اگر منی را ندانند خود را

ایضاً صلوة یا سلام ظاهر است بدو جهت بی آنکه در حدیث شریف

و ارد است که ملائکه از طرف حق تعالی مقرر اند هر که بر نبی صلی الله علیه و سلم

صلوة یا سلام می فرستد بلکه نزد پیغمبر صلی الله علیه وسلم می رساند

دوم آنکه در احاطه خطاب رسالت اسلام وارد شده بنابرین

دیگر اشخاص سوائی از این قسم وارد نشده پس ندارد و خبری ممنوع است

[illegible]

42

بسیار شکر شخص را در روزی طایفه در کمال و کمال

۱۲۰۰

و بمخطوط خواهد بود بدلیل عموم آیات مخصوص قرانی که تلاوت نموده خواهد شد
و اگر غیر خدا را باین اعتقاد میگوید که هر وقت که من ندای کنم او می شنود و اینست
در انجام حاجات می داند و در عالم متصرف است یا شریک تدبیر در کارها
آری می داند پس برین صورت شریک گردانیدن است بخدا برای دفع این
امر غیب خدا صلی الله علیه و سلم معجوت شده هیچکس او در علم غیب قدرت
مطلقة و تصرف را موعود عالم شریک با خدا متعالی نباید ساخت پس
این قسمند اگر و غیر خدا را موجد شرک و کفر است چنانچه آیات قرانی
و احادیث رسول الله صلی الله علیه و سلم و روایات فقهای را بنیاد و ال اند
قال الله تعالى قل لا يعلم من في السموات والارض
الغيب الا الله وما تشعرون ايان يبعثون ايضا قال
الله تبارك وتعالى ومن اجل من يدعون من دون
الله من لا يستجيب اليهم القيمة وهم عن عاينهم
غافلون وقال الله تعالى ولا تدع من دون الله مالا
ينفعك ولا يضرك فان فعلت فانك اذ امين
الظالمين قال الله تعالى قل ادعوا الذين زعمتم من دوني
الله لا يملكون مثقال ذرة في السموات ولا في الارض
وما لهم فيها من شرك وما هم فيها من ظهيد

[illegible]

اللَّهُ وَاعْتَقَدَ بِهِ ذَلِكَ كَقَرْدَانِي الْخَيْرِ الرَّائِقِ سَوْءُ الْمَلِ
 بَسْتِ وَيَجِي ثَوَابُ قُرْآنٍ شَرِيفٍ وَوَكِيلِ أَعْمَالٍ صَالِحٍ بِأَمْوَاتٍ مَيِّسَةٍ
 يَأْنِي جَوَابُ دُرِّ سَيِّدِينَ ثَوَابٍ وَعَدَمِ سَيِّدِينَ ثَوَابِ أَعْمَالٍ سَنَدِيبِ
 أَنْزَلِي نَذِيبٍ مَعْتَزَلِهِ وَأَنْ يَأْنِي أَسْتَكْ ثَوَابِ أَعْمَالٍ بَدَنِي بَاشِدِ يَأْنِي مَالِي بَلْكَهْ دَعَا
 نَزِيرِ مَرْدَةٍ نَزِيرِ سَيِّدَاتِينَ نَذِيبٍ مَرْدَةٍ دَعَا ثَوَابِ أَعْمَالٍ نِي يَأْنِي مَالِي
 بِأَمْوَاتٍ مَيِّسَةٍ سَيِّدَاتِينَ نَذِيبِ أَعْمَالٍ مَرْدَةٍ وَوَكِيلِ أَعْمَالٍ صَالِحٍ بِأَمْوَاتٍ مَيِّسَةٍ
 أَعْمَالٍ مَالِي مَيِّسَةٍ ثَوَابِ أَعْمَالٍ بَدَنِي مَثَلِ ثَوَابِ قُرْآنٍ بِأَمْوَاتٍ نَزِيرِ
 أَيْنِ نَذِيبِ مَرْدَةٍ شَافِي نَذِيبِ أَعْمَالٍ مَالِكِ أَسْتَكْ ثَوَابِ أَعْمَالٍ نِي يَأْنِي مَالِي
 دُرِّ وَوَصُولِ ثَوَابِ أَعْمَالٍ بَدَنِي وَعَدَمِ وَوَصُولِ أَيْنِ لَيْكِنْ قَوِي مَقْصِدِي نَذِيبِ
 هَمِينَ أَسْتَكْ ثَوَابِ أَعْمَالٍ بَدَنِي بَاشِدِ يَأْنِي مَالِي بِأَمْوَاتٍ مَيِّسَةٍ وَوَكِيلِ أَعْمَالٍ
 عَالِمِي دُرِّ وَوَكِيلِ أَعْمَالٍ نَذِيبِ أَعْمَالٍ مَالِكِ أَسْتَكْ ثَوَابِ أَعْمَالٍ نِي يَأْنِي مَالِي
 وَبَعْدَ الرُّبْعِيِّ هَكَذَا الْأَصْلُ فِي هَذَا الْبَابِ أَنَّ الْإِنْسَانَ لَهُ أَنْ
 يَجْعَلَ ثَوَابَ عَمَلِهِ لِعَيْنٍ عِنْدَ أَهْلِ السُّنَّةِ وَالْجَمَاعَةِ صَلَوَةً
 كَانَ أَوْ صَوْمًا أَوْ حَجًّا أَوْ زَكَاةً أَوْ قِرَاءَةً الْقُرْآنِ وَكَذَا كَأَنَّ إِلَى
 عَيْنِ ذَلِكَ مِنْ جَمِيعِ أَنْوَاعِ الدُّنْيَا وَيَصِلُ ذَلِكَ إِلَى
 الْمَيِّتِ وَيَنْفَعُهُ وَقَالَتِ الْمُعْتَنُ لَهُ لَيْسَ لَهُ ذَلِكَ وَلَا يَصِيرُ
 إِلَيْهِ وَلَا يَنْفَعُهُ يَقُولُهُ تَعَالَى وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى

[illegible][illegible]

فَقِيلَ يَحْيَىٰ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ قَالَ نَعَمْ إِنَّهُ لَيَصِلُ إِلَيْكُمْ وَيُفَرِّجُ
كَمَا يُفَرِّجُ أَحَدَكُمْ بِالطَّبَقِ إِذَا أَهْدَىٰ إِلَيْهِ رَوَاهُ أَبُو
حَفْصٍ الْعَسْكَرِيُّ وَعَنْ مُعْقِلِ بْنِ نَسَائٍ أَنَّهُ قَالَ قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَرِئُوا عَلَىٰ مَوَاطِنِ
سُنَّةِ بَيْتِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَعَنْهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
أَنَّهُ صَلَّى بَكْبَشَيْنِ أَمْلَحَيْنِ أَحَدَهُمَا عَنْ نَفْسِهِ وَالْآخَرَ عَنْ
أُمِّهِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِمَا أَيْ جَعَلَ تَوَابَهُ لَأُمِّهِ وَهَذَا فِعْلٌ نَبِيٌّ
عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ أَنَّ الْإِنْسَانَ يَنْفَعُهُ عَمَلُ
غَيْرِهِ وَالْأَقْدَاءُ بِهِ هُوَ الْأَسْتِمْسَاكُ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى
وَرَوَى عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ يَمُوتُ الرَّجُلُ وَيَدْعُ وَلَدَهُ
فَيَنْفَعُ لَهُ دَرَجَةً فَيَقُولُ مَا هَذَا يَا رَبِّ فَيَقُولُ سُبْحَانَهُ وَكَلِمَاتُ
الْإِسْتِغْفَارِ وَلِذَلِكَ قَالَتْ تَعَالَى وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ
وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَمَا أَمَرَ لَنَا اللَّهُ بِهِ مِنَ الدُّعَاءِ
لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْإِسْتِغْفَارِ لَهُمْ وَمَا ذَكَرَهُ فِي كِتَابِهِ الْغُرَى
مِنْ إِسْتِغْفَارِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمَلَائِكَةِ لَهُمْ حُجَّةٌ عَلَيْهِمْ
لَئِنْ كُلُّ ذَلِكَ عَمَلُ الْغَنِيِّ مَا مَقُولُهُ تَعَالَى وَإِنْ لَيْسَ
لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى فَقَدْ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ هَذَا

[illegible]

74

مَنْسُوحَةً يَقُولُهُ تَعَالَى وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمُ الْآيَةُ قِيلَ
هِيَ خَاصَّةٌ يَقُومُ مُوسَى وَإِبْرَاهِيمُ لَا تَنَاقُ وَفَعْلٌ حِكَايَةً عَمَّا فِي حُجَّتَيْهَا
عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُهُ تَعَالَى أَمْرٌ مُتَّبَعٌ بِمَا فِي حُجْفِ مُوسَى وَإِبْرَاهِيمَ
الَّذِي وَفَى وَقِيلَ إِنَّكَ بِالْإِنْسَانِ الْكَافِرِ وَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَلَهُ مَا سَعَى
لِحَوْهْ وَقِيلَ لَيْسَ لَهُ مِنْ طَرَفِ الْعَدْلِ وَلَهُ مِنْ طَرَفِ الْفَضْلِ قِيلَ
الْأَمْرُ فِي الْإِنْسَانِ بِمَعْنَى عَلَى الْقَوْلِ تَعَالَى فَإِنْ أَسَاءَ ثُمَّ فَلَها أَى فَعْلُهَا
وَقَوْلُهُ تَعَالَى لَهُمُ اللَّعْنَةُ أَى فَعْلُهُمْ وَقِيلَ لَيْسَ لَهُ الْأَسْبَعَةُ
لَكِنْ سَعْيُهُ قَدْ يُكُونُ بِمَبَازِيرَةِ أَسْبَابِهِ بِتَكْنِيذِ الْإِخْوَانِ وَتَحْمِيلِ
الْإِيمَانِ حَتَّى صَارَ مِنْ شَيْفَعَتِهِ شَفَاعَةُ الشَّاوِعِينَ وَأَمَّا قَوْلُهُ
عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ الْآمَنُ ثَلَاثَةً فَلَا
يُكْدَلُ عَلَى انْقِطَاعِ عَمَلٍ عَلَيْهِ وَالْكَلامُ فِيهِ وَلَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ بِمَا
يُسْتَبَعُ عَمَلًا لَا تَنَاقُ لَيْسَ فِيهِ إِلَّا جَعَلَ مَالَهُ مِنَ الْآخِرِ يُغْنِي
وَاللَّهُ تَعَالَى هُوَ الْمُوَصَّلُ إِلَيْهِ وَهُوَ قَادِرٌ عَلَيْهِ وَلَا يَخْتَصُّ
ذَلِكَ بِعَمَلٍ دُونَ عَمَلٍ نَهَى وَحِمَاةُ الْعَالَمِ الْكَبِيرَةِ هَكَذَا الْأَصْلُ
فِي هَذَا الْبَابِ أَنَّ الْإِنْسَانَ لَهُ أَنْ يَجْعَلَ تَوَاقِبَ عَمَلِهِ لِيُغْنِي
صَلْوَةً كَانَ أَوْ صَوْمًا أَوْ صَدَقَةً أَوْ غَيْرَهَا كَالْحَجِّ وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ
وَالْأَذْكَارِ وَزِيَارَةِ قُبُورِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَالصَّلَاةُ وَالصَّلَامُ

[illegible]

وَالْقَتْلَ وَعَيْنَ ذَلِكَ رَجُلٌ قَالَ إِنْ ضَرَبْتُكَ أَوْ كَسَرْتُكَ
أَوْ كَلَّمْتُكَ أَوْ دَخَلْتُ عَلَيْكَ أَوْ قَالَ لِأَمْرٍ بِهِ أَوْ وَطَيْتُكَ
أَوْ قَبَّلْتُكَ فَعَبْدُهُ حُرٌّ بِقِيْلَةٍ بِالْحَيَوَةِ حَتَّى لَوْ فَعَلَ هَذَا
الْأَشْيَاءَ بَعْدَ الْمَوْتِ لَا يَحْتَسِبُ لِأَنَّ الضَّرْبَ إِسْمٌ لِفِعْلٍ
مَوْلٍ وَالْمَيِّتَ لَا يَتَأَلَّمُ يُضْرَبُ بَنَى آدَمَ وَإِنَّمَا ذَلِكَ مِمَّا
يَنْفَرُ بِهِ اللَّهُ تَعَالَى كَمَا فِي عِلَالِ الْعَبْدِ فَإِنَّهُ نَابِتٌ عِنْدَ أَهْلِ
السُّنَّةِ وَإِنْ لَخُلِقُوا فِي مَائِيَّةٍ ثُمَّ فَقَالَ بَعْضُهُمْ نَوْءٌ مِنْ
يَأْخُضِلُ الْعِلَالَ وَكَشَكَّتْ عَنِ الْكَيْفِيَّةِ أَنَّ الْوَاجِبَ عَلَيْنَا
تَضَدُّيَوْمًا وَرَدَّ بِهِ السُّنَّةُ الْمُسْتَفِيدَةُ وَهِيَ التَّعْدِيْبُ
بَعْدَ الْمَوْتِ فَمَنْ مِنْ يَدِهِ وَلَا تَشْغَلُ بِكَيْفِيَّتِهِ وَغِنَا الْعَامَّةُ
يُوضَعُ فِيهِ الْحَيَوَةُ بِقَدَرِ مَا يَتَأَلَّمُ لَا الْحَيَوَةُ الْمَطْلُوقَةُ وَ
فَيْلٌ يُوضَعُ فِيهِ الْحَيَوَةُ مِنْ كُلِّ وَجْهِ وَمَعْنَى كَسَوْتُكَ
مَلَكَتُكَ عِنْدَ الْأَطْلَاقِ يَقَالُ كَسَى الْأُمَامُ فَلَمَّا رَأَى
مَلَكَهُ وَهُوَ الْمَرَادُ يَقُولُ لَهُ تَعَالَى أَوْ كَسَوْتُكُمْ وَالْمَلَائِكَةُ
مِنْ الْمَيِّتِ لَا يَحْتَقِرُ لِأَنَّ الْمَوْتَ يُبَانِي الْمَلَكَ وَلَئِنْ يَمَّا
أَبْتَدَاءُ أَوَّلًا أَنْ يُبَيِّنَ السَّانِ حَيْثُ يُضَدُّ لِيَكُنْ فِيهِ
تَشْدِيدٌ أَوْ فَيْلٌ أَوْ كَسَى أَنْتَ يَمِينُهُ بِالْفَارِسِيَّةِ يَحْتَسِبُ كَلَامُهُ

الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم من أجل أن يبين لنا ما كنا نجهل من أمور ديننا وأحكامنا وما كنا نختلف في فهمها من قبل. والحمد لله الذي جعل القرآن الكريم من أجل أن يبين لنا ما كنا نختلف في فهمها من قبل.

بِرَأْيِهِ الْأَلْبَاسُ وَالْمَقْصُودُ مِنَ الْكَلَامِ لَا فَهَامٌ وَذَلِكَ
 بِالِاسْتِمَاعِ وَذَلِكَ لِأَيِّحَقِّقَ بَعْدَ الْمَوْتِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّكَ لَا
 تَسْمَعُ الْمَوْتَى فَإِنْ قِيلَ رَوَى أَنَّ قَتْلَ بَدْرٍ مِنَ الْمَشْرِكِينَ لَمَّا الْقَوْمُ
 فِي الْقَلْبِ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى رَأْسِ
 الْقَلْبِ وَقَالَ هَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا فَقَالَ عُمَرُ
 رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَتُكَلِّمُ الْجَنَّةَ فَقَالَ مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعٍ مِنْ هُوَ لَا
 قُلْنَا عَيْدٌ نَأْتِيهِ فَإِنَّهُ لَمَّا بَلَغَ هَذَا الْحَدِيثَ عَاشِيَةً رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَذَبْتُمْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 قَالَ اللَّهُ إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ
 مَنْ فِي الْقُبُورِ عَلَى أَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالسَّلَامُ كَانَ مَحْضُوصًا
 بِهِ وَالْعَرْضُ مِنَ الدُّخُولِ عَلَيْهِ أَكْرَامُهُ لِعَظِيمِهِ أَوْهَا
 بِتَجْقِدِهِ أَوْ زِيَارَتِهِ وَلَا يَحْقُقُ الْكُلُّ بَعْدَ الْمَوْتِ لِأَنَّهُ لَا
 يَرَى الْمَيِّتَ وَآمَنَ أَنْ أَرْقُبَهُ قَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
 كُنْتُ هُنَاكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ إِلَّا فَرُّوْهُ هَا وَلَا تَنْ
 الْمَيِّتَ كَالْغَائِبِ مَنْ طَافَ بِبَابِ رَجُلٍ لَمْ يَعِدْ زَائِرًا لَهُ فَهُوَ
 أَوْلَى وَالْعَرْضُ مِنَ الْوُطْنِ وَالْقَبِيلِ قَضَاءُ السَّهْوَةِ وَذَلِكَ لِأَنَّ
 يَحْقُقُ بَعْدَ الْمَوْتِ أَنْتَهَى وَفِي فَتَا الْقَدِيرِ مِنْ

[illegible]

مشهوره از آنکه در قیود آن
 علاوه بر یک رکعت الصلوة و سلام بود
 و بعد از آن عرض از داخل سخن بردی
 یعنی در لفظ خلعتی که در پیشتر گفتیم
 و است براتی که است از آن است
 کردن دی اما از آن که از زیاده کرده
 این هر چه را بعد از آن که از زیاده کرده
 می تواند و در این نیست از زیاده
 کرده می تواند و در این نیست از زیاده
 الصلوة و سلام بود و سلام بود
 کرد شد از زیاده و سلام بود
 این است که قیود
 نیز این است
 است

بَابُ الْيَمِينِ فِي الصَّرْبِ وَالْقَتْلِ وَعَزِيدُكَ قَوْلُهُ وَكَذَلِكَ
الْكَلَامُ يُعْنِي إِذَا حَلَفَ لَا يَكْمِلُهُ اقْضَرَ عَلَى الْحَيَوةِ فَلَوْ كَلِمَةً
بَعْدَ مَوْتِهِ لَا حِجَّتْ لِأَنَّ الْمَقْصُودَ مِنْهُ الْإِفْهَامُ وَالْمَوْتُ بَيِّنَةٌ
لِأَنَّهُ لَا يُسْمَعُ فَلَا يَفْهَمُ وَأُورِدَ أَنَّهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ قَالَ
لَا هِلَ الْقَلْبُ قَلْبِي بَدْرٍ هَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا
فَقَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ
وَالسَّلَامُ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعُ مِنْ هُوَ كَلَامًا
أَقُولُ مِنْهُمْ وَبِحُجُبِ بَأَنَّهُ غَيْرُ تَابِتٍ يُعْنِي مِنْ جِهَةِ الْمَعْنَى وَالْأَلَا
فَهُوَ فِي الصَّحِيحِ وَذَلِكَ لِسَبَبِ أَنَّ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا
رَدَّتْهُ بِقَوْلِهِ تَعَالَى وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَ
أَنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى وَبَيَّنَّهُ إِنَّمَا قَالَ عَلَى وَجْهِ الْمُعْظَمِ
لِلْإِفْهَامِ لَا الْإِفْهَامِ الْمَوْتَى كَمَا رَوَى عَنْ عِيسَى رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارِ قَوْمٍ
مُؤْمِنِينَ آمَنَ نِسَاءُكُمْ فَهَكَذَا وَأَمَّا أَمْوَالُكُمْ فَتَقَسَّمَتْ
وَأَمَّا دُورُكُمْ فَقَدْ سَكَنْتَ فَيُحَادِثُكُمْ عَنْدَنَا فَمَا
خَبَرًا عَنْكُمْ وَبَيَّنَّهُ مُخْصُوصٌ بِأُولَئِكَ تَضَعِيفًا
لِلْحُسْرَةِ عَلَيْهِمْ لَكِنْ بَقِيَ أَنَّهُ رَوَى عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

بَابُ الْيَمِينِ فِي الصَّرْبِ وَالْقَتْلِ وَعَزِيدُكَ قَوْلُهُ وَكَذَلِكَ
الْكَلَامُ يُعْنِي إِذَا حَلَفَ لَا يَكْمِلُهُ اقْضَرَ عَلَى الْحَيَوةِ فَلَوْ كَلِمَةً
بَعْدَ مَوْتِهِ لَا حِجَّتْ لِأَنَّ الْمَقْصُودَ مِنْهُ الْإِفْهَامُ وَالْمَوْتُ بَيِّنَةٌ
لِأَنَّهُ لَا يُسْمَعُ فَلَا يَفْهَمُ وَأُورِدَ أَنَّهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ قَالَ
لَا هِلَ الْقَلْبُ قَلْبِي بَدْرٍ هَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا
فَقَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ
وَالسَّلَامُ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعُ مِنْ هُوَ كَلَامًا
أَقُولُ مِنْهُمْ وَبِحُجُبِ بَأَنَّهُ غَيْرُ تَابِتٍ يُعْنِي مِنْ جِهَةِ الْمَعْنَى وَالْأَلَا
فَهُوَ فِي الصَّحِيحِ وَذَلِكَ لِسَبَبِ أَنَّ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا
رَدَّتْهُ بِقَوْلِهِ تَعَالَى وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَ
أَنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى وَبَيَّنَّهُ إِنَّمَا قَالَ عَلَى وَجْهِ الْمُعْظَمِ
لِلْإِفْهَامِ لَا الْإِفْهَامِ الْمَوْتَى كَمَا رَوَى عَنْ عِيسَى رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارِ قَوْمٍ
مُؤْمِنِينَ آمَنَ نِسَاءُكُمْ فَهَكَذَا وَأَمَّا أَمْوَالُكُمْ فَتَقَسَّمَتْ
وَأَمَّا دُورُكُمْ فَقَدْ سَكَنْتَ فَيُحَادِثُكُمْ عَنْدَنَا فَمَا
خَبَرًا عَنْكُمْ وَبَيَّنَّهُ مُخْصُوصٌ بِأُولَئِكَ تَضَعِيفًا
لِلْحُسْرَةِ عَلَيْهِمْ لَكِنْ بَقِيَ أَنَّهُ رَوَى عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

٢٩

بَابُ الْيَمِينِ فِي الصَّرْبِ وَالْقَتْلِ وَعَزِيدُكَ قَوْلُهُ وَكَذَلِكَ
الْكَلَامُ يُعْنِي إِذَا حَلَفَ لَا يَكْمِلُهُ اقْضَرَ عَلَى الْحَيَوةِ فَلَوْ كَلِمَةً
بَعْدَ مَوْتِهِ لَا حِجَّتْ لِأَنَّ الْمَقْصُودَ مِنْهُ الْإِفْهَامُ وَالْمَوْتُ بَيِّنَةٌ
لِأَنَّهُ لَا يُسْمَعُ فَلَا يَفْهَمُ وَأُورِدَ أَنَّهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ قَالَ
لَا هِلَ الْقَلْبُ قَلْبِي بَدْرٍ هَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا
فَقَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ
وَالسَّلَامُ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعُ مِنْ هُوَ كَلَامًا
أَقُولُ مِنْهُمْ وَبِحُجُبِ بَأَنَّهُ غَيْرُ تَابِتٍ يُعْنِي مِنْ جِهَةِ الْمَعْنَى وَالْأَلَا
فَهُوَ فِي الصَّحِيحِ وَذَلِكَ لِسَبَبِ أَنَّ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا
رَدَّتْهُ بِقَوْلِهِ تَعَالَى وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَ
أَنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى وَبَيَّنَّهُ إِنَّمَا قَالَ عَلَى وَجْهِ الْمُعْظَمِ
لِلْإِفْهَامِ لَا الْإِفْهَامِ الْمَوْتَى كَمَا رَوَى عَنْ عِيسَى رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارِ قَوْمٍ
مُؤْمِنِينَ آمَنَ نِسَاءُكُمْ فَهَكَذَا وَأَمَّا أَمْوَالُكُمْ فَتَقَسَّمَتْ
وَأَمَّا دُورُكُمْ فَقَدْ سَكَنْتَ فَيُحَادِثُكُمْ عَنْدَنَا فَمَا
خَبَرًا عَنْكُمْ وَبَيَّنَّهُ مُخْصُوصٌ بِأُولَئِكَ تَضَعِيفًا
لِلْحُسْرَةِ عَلَيْهِمْ لَكِنْ بَقِيَ أَنَّهُ رَوَى عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

قَالَ إِنَّ الْمَيِّتَ يَسْمَعُ خَفَقَ نَفْسِهِ إِذَا الضَّرْفُ وَأَلْيَضْرَفُ فِي كِتَابِ
 السَّيِّئِينَ مِنْ هَذَا الشَّرْحِ أَنْتَ وَالضَّرْفُ فِي فَتْحِ الْقَدِيدِ فِي كِتَابِ
 الْجَنَائِنِ هَذَا عِنْدَ أَكْثَرِ مَسَائِلِنَا وَهُوَ أَنَّ الْمَيِّتَ لَا يَسْمَعُ
 عِنْدَهُ هُوَ عَلَى مَا صَرَّحُوا فِي كِتَابِ الْإِيمَانِ فِي لَبِ
 الْيَمِينِ بِالضَّرْبِ لَوْ خَلَفَ لَا يَكْلِمُ فِكَلَمَهُ مَيِّتًا لَا
 يَحْتَسِبُ لَهَا مَا يَقَعِدُ عَلَى مَا حَيْثُ يُفْهَمُ وَالْمَيِّتُ لَشَيْءٍ لَا
 يَعْلَمُ السَّمْعَ وَوَرَدَ قَوْلُهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ فِي
 أَهْلِ الْقُلُوبِ مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعٍ مَا أَقُولُ مِنْهُمْ وَلَجَابُوا تَأْلِيلًا
 بِأَنَّهُ قُرْءُودٌ مِنْ عَالَمَةٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَيْفَ يَقُولُ
 عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ ذَلِكَ وَاللَّهُ تَعَالَى يَقُولُ وَمَا أَنْتَ
 بِسَمْعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَأَنْتَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتُ وَتَأْتِي بَأَنَّكَ
 مَخْصُوصِيَّةٌ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ مُعْجَزَةٌ وَزِيَادَةٌ حَسْرَةً
 وَتَأْدِيرًا بِأَنَّهُ مُضْرِبُ الْمَثَلِ كَمَا قَالَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 وَلَيْسَ كُلُّ عَلَيْهِ مَا فِي مُسْلِمٍ إِنَّ الْمَيِّتَ لَا يَسْمَعُ فَرَحٍ عَمَّ
 إِذَا الضَّرْفُ اللَّهُمَّ إِلَّا أَنْ يَخْصُودَ ذَلِكَ بِأَوَّلِ الْوَضْعِ
 فِي الْقَبْرِ مُقَدَّمَةٌ لِلشُّوَالِ جَمْعًا بَيِّنَةً وَبَيِّنِ الْإِيمَانِ
 فَلَمْ يَقْنِدْ أَنْ يَحْقِيقَ عَدَمَ سَمَاعِهِمْ فَإِنَّهُ تَعَالَى

الضَّرْفُ وَالضَّرْفُ فِي كِتَابِ السَّيِّئِينَ مِنْ هَذَا الشَّرْحِ أَنْتَ وَالضَّرْفُ فِي فَتْحِ الْقَدِيدِ فِي كِتَابِ
 الْجَنَائِنِ هَذَا عِنْدَ أَكْثَرِ مَسَائِلِنَا وَهُوَ أَنَّ الْمَيِّتَ لَا يَسْمَعُ
 عِنْدَهُ هُوَ عَلَى مَا صَرَّحُوا فِي كِتَابِ الْإِيمَانِ فِي لَبِ
 الْيَمِينِ بِالضَّرْبِ لَوْ خَلَفَ لَا يَكْلِمُ فِكَلَمَهُ مَيِّتًا لَا
 يَحْتَسِبُ لَهَا مَا يَقَعِدُ عَلَى مَا حَيْثُ يُفْهَمُ وَالْمَيِّتُ لَشَيْءٍ لَا
 يَعْلَمُ السَّمْعَ وَوَرَدَ قَوْلُهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ فِي
 أَهْلِ الْقُلُوبِ مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعٍ مَا أَقُولُ مِنْهُمْ وَلَجَابُوا تَأْلِيلًا
 بِأَنَّهُ قُرْءُودٌ مِنْ عَالَمَةٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ كَيْفَ يَقُولُ
 عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ ذَلِكَ وَاللَّهُ تَعَالَى يَقُولُ وَمَا أَنْتَ
 بِسَمْعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَأَنْتَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتُ وَتَأْتِي بَأَنَّكَ
 مَخْصُوصِيَّةٌ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ مُعْجَزَةٌ وَزِيَادَةٌ حَسْرَةً
 وَتَأْدِيرًا بِأَنَّهُ مُضْرِبُ الْمَثَلِ كَمَا قَالَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
 وَلَيْسَ كُلُّ عَلَيْهِ مَا فِي مُسْلِمٍ إِنَّ الْمَيِّتَ لَا يَسْمَعُ فَرَحٍ عَمَّ
 إِذَا الضَّرْفُ اللَّهُمَّ إِلَّا أَنْ يَخْصُودَ ذَلِكَ بِأَوَّلِ الْوَضْعِ
 فِي الْقَبْرِ مُقَدَّمَةٌ لِلشُّوَالِ جَمْعًا بَيِّنَةً وَبَيِّنِ الْإِيمَانِ
 فَلَمْ يَقْنِدْ أَنْ يَحْقِيقَ عَدَمَ سَمَاعِهِمْ فَإِنَّهُ تَعَالَى

فَعَبَّرَ بِحَرْفِ تَكْمَلَةٍ بَعْدَ مَوْتِهِ لَا يَحْتُكِلُ لِأَنَّهُ الْمَقْصُودُ مِنَ
الْكَلَامِ الْإِفْهَامُ وَذَلِكَ لَا يَحْتَقِقُ فِي الْمَيِّتِ فَإِنْ قِيلَ قَدْ رَوَى
إِنَّ النَّبِيَّ قَدْ كَلَّمَ أَصْحَابَ الْقَلْبِ مِنْ أَهْلِ الْبَدْرِ مِنَ الْكُفَّارِ
حِينَ الْقَاهِمِ فِي الْقَلْبِ مَعْلَى رَأْسِ الْقَلْبِ وَقَالَ عَلَيْهِ
الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ هَلْ جَعَلْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا فَقَالَ عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
بِالْمَيِّتِ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ مَا أَنْتُمْ
بِاسْمِعَ مِنْ هُوَ لَا فُلْنَا هَذَا غَيْرَ نَابِتٍ بِقَوْلِهِ تَعَالَى إِنَّكَ لَا
تَسْمِعُ الْمَوْتَى وَقَوْلُهُ تَعَالَى وَمَا أَنْتَ بِمَسْمُوعٍ مِنْ فِي الْقُبُورِ وَإِنْ ثَبَّتَ
فَهُوَ مُعْجَزَةٌ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقِيلَ بِلِ
الْمَقْصُودِ مِنْ ذَلِكَ وَغُطَّ الْأَحْيَاءُ لَا إِفْهَامُ الْمَوْتَى إِنَّمَا وَفَى
الْكَفَايَةِ شَرَحَ لِهَدَايَةِ قَوْلِهِ وَلَكَ الْكَلَامُ بِأَنْ حَلَفَ
لَا يَكَلِّمُ فَلَانَا وَلَا يَدْخُلُ دَارَ فُلَانٍ لِأَنَّهُ الْمَقْصُودُ مِنَ
الْكَلَامِ الْإِفْهَامُ وَذَلِكَ لَا يَسْتَمَاعُ وَذَلِكَ لَا يَحْتَقِقُ بَعْدَ
الْمَوْتِ فَإِنْ قِيلَ رَوَى أَنَّ قَتْلَ بَدْرٍ مِنَ الْمَشْرُكِينَ ثَلَاثًا
الْقَوْلُ فِي الْقَلْبِ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
رَأْسَ الْقَلْبِ وَقَالَ هَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا وَقَالَ عُمَرُ
تَكَلَّمَ الْمَيِّتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ مَا أَنْتُمْ بِاسْمِعَ مِنْ هُوَ لَا

[illegible]

الْزَّائِقِ وَالنَّهْزِ الْفَاقِقِ وَالْفَتَاوَى الْعَالَمَكِيَّةَ بِبُرْزِ
روایات واضح شد که میت اذان بر قبر کسی که برین امر اصرار کند
داوراستندش و در حق او کرامت شایسته خواهد شد **سوال**
پست و نفهم نماز که اردن بر طرف قبر یا بمن گناه
که ارم گناه **جواب** نماز که اردن در مقبره ممنوع و مکروه است
بموجب حدیث و روایات کتب فقه و اما الإحادیث فیه و رَأَى عُمَرُ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مَا لَكَ بِصَلَى عِنْدَ قَبْرِ نَعَالِ قَبْرِ الْقَبْرِ لَمْ يَأْمُرْ بِهِ كَعَادَةِ
لَا فِي النَّجَارِي فِي الْمَشْكُوعَةِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ النَّعْمِيَّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَجْلِسُوا عَلَى الْقُبُورِ وَلَا تَضَلُّوا إِلَيْهَا رَوَاهُ مُسْلِمٌ
وَعَنْ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ لَا تَصَلُّوا
سَبْعَ مَوَاطِنَ فِي الْمَرْبِ وَالْجِدَّةِ وَالْمَقْبَرَةِ وَفَارَعَةَ الطَّرِيقِ وَفِي الْحِمَامِ
وَفِي مَعَاظِنِ الْأَيْلِ وَقَدْ ظَهَرَ بَيِّنَاتُ اللَّهِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَابْنُ مَاجَةَ
وَعَنْ أَبِي سَعِيدٍ مَرْقَالٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَصَلُّوا
كُلَّهَا مَعَ الْجِدَّةِ وَالْمَقْبَرَةِ وَالْحِمَامِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ وَالْإِسْنَدُ
انتهی و فی جامع الاصول قال علی رضا رضی اللہ عنہ رسول اللہ
صلی اللہ علیہ وسلم ہائی ان اصل فی المقبرۃ اخرجہ ابوا
داود انتہی اما الروایات الفقهیۃ نفی عالم کثیر و

[illegible][illegible]

[illegible]

54

فارسى و سنڌي ۾ ڪتاب جي ترجمو
ڪيو ويو آهي ۽ ان جي
ڪري هن ڪتاب جي
ڪري هن ڪتاب جي
ڪري هن ڪتاب جي

تَكْرَهُ الصَّلَاةَ فِي سِتِّ مَوَاطِنَ مِنْهَا الْمَقْبَرَةُ وَفِي الرَّسْلِ
وَتَكْرَهُ أَنْ يَصِلَ إِلَى الْقَبْرِ وَيَصِلَ بَيْنَ الْقُبُورِ لِتَهْتِكُ بِرِ
سُورِ قَبْرًا كَذَا وَحَرَامٌ هَتْ بَلْكَه فَنَوَى بِكُفْرٍ أَوْ سَتِ الرَّادِ عَلَيْهِ يَعْظُمُ
قُبُورُهُمْ وَفِي شَرْحِ الْمَنَاسِكِ لِلْمَلَا عَلِي الْقَارِي وَلَا يَصِلُ إِلَيْهِ
أَيَّ إِلَى جَانِبَيْهِ فَإِنَّهُ حَرَامٌ بَلْ يُغْنِي بِكُفْرِهِ إِنْ أَرَادَ عِبَادَتَهُ
أَوْ تَعْظِيمَهُ قَبْرٍ مِنْ قَبْرِ كَسَى خِلَافَ حَدِيثٍ وَرَوَايَاتٍ كَتَبَ فَهْمَهُ
تَوَاهِيَهُمْ وَبَلْتَهُ كَهَذَا خَوَافُهُ وَوَكَرِهَ نَعْلَ الْمَرْغُوبِ نَوَافِلُهُ كَبِيرُ خَوَافِهِ شَيْخِ
وَرَكْبَةٍ وَكَلَّمَ كُورِ الْأَصْرَارِ عَلَى الصَّغِيرَةِ كَبِيرَةُ سَوَالِ
سِتِّيَامِ مَسْجِدِ بِنَا كُرْدُونَ وَكُورِ سَنَانِ بَرِي نَازِدِ مَكَانِ وَكَلَّمَ رَاسِ شَيْخِ
وَنَازِدُونَ وَرَاحَتِ يَافِغِ دَمَانِ اَنْزَكَرَا وَسَرَا وَبَارِشَ جَابِرِ يَافِغَاهُ كَدَامِ كَنَاهُ
جَوَابِ مَسْجِدِ بِنَا كُرْدُونَ وَرِيقَارِ وَرِيقَارِ حَرَامِ وَسُتُوجِبَ لَعْنَتِ هَتْ
حَضَرَتِ يَغْمَبِ حَضَرِ أَصْلَى الدِّعْلِيَةِ وَسَلَّمَ بِكَ نِيكَ بِرِيقَارِهَا
مَسْجِدِ بِنَا كُنْدَ لَعْنَتِ فَرْوَدَه وَهَلْدِ جَابِجِ وَرَشْكُوتِ شَرِيفِ بِرَوَايَتِ
أَبُو دَاوُدَ وَتَرْذِي وَنَسَائِي حَدِيثِ نَذُورِ هَتْ لَعْنَتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ
اللَّهُ عَلَيْكَ يَا كَرَامَ زَائِنَاتِ الْقُبُورِ وَالْمُتَحِيزِينَ عَلَيْهَا الْمَسْجِدِ
وَالشَّرْحِ إِنْهَى وَقَالَ الْمَلَا عَلِي الْقَارِي فِي شَرْحِهِ عَلَ الْمَسْكُوتِ
إِنَّمَا حَرَمَ اتِّخَاذُ الْمَسْجِدِ عَلَيْهَا كَهَيِّ الصَّلَاةِ فِيهَا

والتاريخ المذكور في سنة ١٢٠٠ هـ

[illegible]

و روایات کتب فقه معلومند که بنا کردن بر سر برشته‌ای غنیمت است پس اگر کسی جویند
ان بنویسد اعتبار او نخواهد شد زیرا که مخالف احادیث کتب فقه معتبره است
و اگر خارج حد مقبره مکانی برای رحلت کردن از گاو و سگ و بارش محفوظ ماندن بماند
لا باس بق آنست **سوال سی و یکم** اگر در کورستان شخصی اتان کند و
پیش روی او قبر نباشد و اگر باشد ستره کرده باشد و پیش روی مقتدران قبر
باشد نماز همه کسان روا باشد یا کره است یا نه **جواب** نماز همه کسان روا
باشد بکرامت زیرا که سابق گذشت بموجب احادیث و کتب فقه معتبره که نماز
در مقابر مکروه است و اینکه اگر ستره باشد نماز بلا کر انچه روست و اگر ستره نباشد
نماز مکروه است در کتب فقه تفصیل نمی کنند بلکه مطلقاً نمی نویسند که نماز
در مقبره مکروه است پس عام است که ستره رو بروی او باشد یا نباشد
و در شریعت نهادن ستره برای مرد و مردمان مقرر شده برای دفع کرامت
نماز و مقبره مکران قدر است که اگر دیوار در میان مصلیان و در میان
قبر خاکی باشد الوقت نماز بلا کر است و رست خواهد شد چنانچه در کتاب
شرح مناسک ملا علی قاری مرقوم است **حَاصِلُ الْعِبَارَةِ هَكَذَا إِنَّكَ**
بِئِذَا الْمَصْلُ وَبِئِذَا الْقَبْرِ حِجَابٌ مِنْ جِدَارٍ فَلَا يَكْرَهُ الصَّلَاةُ
سوال سی و دوم اگر شخصی پیش روی خود قبر
میدارد و نماز بسوی قبر می خواند نماز او فاسد می شود یا مکروه **جواب**

۵۱

اگر مصلی نماز اراده عبادت یا تعظیم قبر در پیش ستوی بکفر است و اگر اراده عبادت و تعظیم نماید و پیش نمازش مکروه است و فاسد نمیشود و در شرح بیان می نویسد وَلَا يَصِلُ إِلَيْهِ أَىٰ إِلَى الْجَانِبِ مِنْهَا فَإِنَّهُ حَرَامٌ بَلْ يَقْتَضِي يَكْفُرُهُ إِنْ أَرَادَ عِبَادَتَهُ أَوْ تَعْظِيمَ قَبْرِهِ انتهى در روایات که همه صلوٰة در مقبره سابق گذشت سوال سی سیوم سجده کردن قبر برای تعظیم مقبور در شرح حرام است یا کفر یا شرک یا کبیره **جواب** سجده کردن غیر خدا را قبر باشد یا غیر قبر حرام و کبیره است و اگر بجهت عبادت غیر خدا را سجده کند موجب کفر و شرک است و اگر غیر خدا را قبر باشد یا غیر قبر سجده بدون حضور میت کند آن هم موجب کفر است چنانچه از کتب فقهیه معلوم می شود و سجده تحیه که در زمان سابق بود و در سیر محمد علیه الصلوٰة و السلام منسوخ شده چنانچه کتب تفسیر و حدیث و فقه و تالافت دارند بر آن فِی نِصَابِ الْأَحْتِسَابِ إِذَا اسْجَدَ لِعَیْرِ اللَّهِ یُکْفَرُ لَا یَنْصَحُ الْجَهَنَّةَ عَلَى الْأَرْضِ لَا یُجَوِّزُ إِلَّا لِلَّهِ تَعَالَى لِإِسْرَادِیَّ أَنْ أَعْدَا بِنَا جَاءَ إِلَى النَّبِیِّ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ یَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ النَّاسَ قَدْ آمَنُوا بِكَ وَأَمَّا أَنَا فَلَا أُوْمِنُ بِكَ حَتَّى تُرِیَنِیْ بِرُهْنَانَا خَالِصًا فَقَالَ النَّبِیُّ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

09

[illegible]

١٤٠ الموعظة الخامسة

إِذْ هَبَ إِلَىٰ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَقُلْ لَهَا إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَدْعُوكَ فَذْهَبَ الْأَعْرَابُ إِلَىٰ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَ
 وَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَدْعُوكَ
 فَمَا لَيْتَ الشَّجَرَةُ مِنْ أَطْرَافِهَا الْأَرْبَعِ حَتَّى تَقْلَعْتَ عَنْ
 الْأَرْضِ وَجَاءَتْ مَعَهُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَسَلَّمَ فَقَالَ لَهَا عُدِّي إِلَى مَكَانِكَ فَعَادَتْ إِلَى مَكَانِهَا
 وَقَامَ كُلُّ عَرَفٍ مِنْهَا إِلَى مَوْضِعِهِ كَمَا كَانَ فَقَالَ الْأَعْرَابُ
 أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ ثُمَّ
 قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَمَا أَتَيْتُ سَأَلْتُ مِنْكَ بَرَّهَا تَاخَلِصْنَا
 فَأَذِنَ لِي حَتَّى أَصِلَ لَكَ الصَّلَواتِ الْحَسَنَ وَأَسْجُدَ
 لَكَ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ جَارَتْ الشَّجَرَةُ
 لَغَيَّرَ اللَّهُ لَامِرَتُ الْمُرَاةُ أَنْ تَسْجُدَ لِي وَجِهَاً وَالْمَعْنَى
 فِي ذَلِكَ هُوَ أَنَّ هَذِهِ عِبَادَةٌ خَاصَّةٌ لِلَّهِ تَعَالَى
 فَمَنْ آتَاهَا لِغَيْرِ اللَّهِ يَكْفُرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَتَيْتُ
 وَفِي فِتْنَةٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ مَا يَفْعَلُهُ كَثِيرٌ مِنَ الْجَهْلَةِ مِنَ
 السُّجُودِ بَيْنَ يَدَيِ الْمَشَايخِ فَإِنَّ ذَلِكَ حَرَامٌ قَطْعًا بِكُلِّ حَالٍ
 سَاءَ مَا كَانَتْ رَأَى الْفِعْلَةَ أَوْ إِلَى غَيْرِهَا وَسَوَاءٌ

[illegible]

تَضَعُ السُّجُودَ لِلَّهِ تَعَالَى أَوْ عَقَلَ عَنْهُ مِنْ تَفْسِيرِ الدَّرِ
فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَلَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ
قَالَ عِكْرِمَةُ هُوَ سُجُودُ بَعْضِهِمْ لِبَعْضٍ انْتَهَى وَالْأُصَارِيُّ
الْكَمَادِيَّةُ إِذَا سَجَدَ لِعَبِيدِ اللَّهِ يَكْفُرُ لَكُمْ وَضَعَ الْجَبْهَةَ عَلَى
الْأَرْضِ لَا يُحِبُّ إِلَّا لِلَّهِ تَعَالَى مِنْ رَوْضَةِ الْعُلَمَاءِ أَنَّ
السَّجْدَةَ لَا تَحْتَطُّ إِلَّا لِلَّهِ تَعَالَى انْتَهَى

تَضَدُّ السُّجُودَ لِلَّهِ تَعَالَى أَوْ غَفَلَ عَنْهُ مِنْ تَفْسِيرِ اللَّهِ
فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَلَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ
قَالَ عَمْرٍو هُوَ سُجُودُ بَعْضِهِمْ لِبَعْضٍ أَيْ هِيَ وَآيَاتُهَا
الْحَمْدُ لِذِيهِ إِذَا سَجَدَ لِغَيْرِ اللَّهِ تَكْفُرٌ لَكَ وَضَعُ الْجَمْعِ عَلَى
الْأَرْضِ لَا يَحْتَلِ إِلَّا لِلَّهِ تَعَالَى مِنْ رُوضَةِ الْعُلَمَاءِ أَنَّ
السَّجْدَةَ لَا يَحْتَلِ إِلَّا لِلَّهِ تَعَالَى أَيْ هِيَ

وسر نزديك آوردن بر زمین مانند آنکه سجد کرده در تعظیم
مخلوق را از رسوم جاہلیت دانی انتم و آیتها فی التَّحْدِثِ
التَّوَضُّعِ لِغَيْرِ اللَّهِ حَرَامٌ وَإِذَا سَجَدَ لِغَيْرِ اللَّهِ مُعْتَقَدٌ
حَقِيقَتُهُ کُفْرٌ قَالَ الْفَقِيهَةُ أَبُو جَعْفَرٍ مِنْ قَبْلِ الْأَرْضِ بَيْنَ
يَدَي سُلْطَانٍ أَوْ أَمِيرٍ أَوْ سَجْدَةٍ فَإِنْ كَانَ عَلَى وَجْهِ الْحَيْثُ
لَا يَكْفُرُ وَلَكِنْ يَصِيبُ مُرْتَكِبًا الْكِبِيرَةَ وَأَمَّا إِذَا سَجَدَ لِلْغُلَامِ
الْجَبَّارَةِ فَهُوَ كِبِيرَةٌ مِنَ الْكِبَائِرِ وَهَلْ يَكْفُرُ
مُطْلَقًا قَالَ بَعْضُهُمْ هَذَا عَلَى وَجْهِهِ إِنْ أَرَادَ بِهِ
الْعِبَادَةَ كُفْرٌ وَإِنْ أَرَادَ بِهِ الْحَيْثُ كَمْ يَكْفُرُ وَحَرَمُ
عَلَيْهِ ذَلِكَ وَإِنْ كَمْ يَكُنْ لَهُ نِيَّةٌ كُفْرٌ عِنْدَ أَكْثَرِ أَهْلِ
الْعِلْمِ فَأَمَّا تَقْبِيلُ الْأَرْضِ فَهُوَ قَرِيبٌ مِنَ السُّجُودِ أَيْ هِيَ

الَّذِي لَا يَحُومُ حَوْلَهُ حِجَابَةُ التَّغْيِيرِ وَالْفَنَاءِ وَالزَّوَالِ
انتهى وهذا الحديث يعنى لو كنت امرأ لحداء أن يسجد
لغير الله لا مرت المرمة أن تسجد لزوجها حديث مشهور
رواه عدة من الصحابة كما رواه أحمد وابن ماجه وابن حبان
والبيهقي عن عبد الله بن أبي أوفى واه الطبراني عن
زيد بن أرفم ورواه أبو داود والطبراني والحاكم
والبيهقي عن قيس بن سعد والزيمردى عن أبي هريرة
والدارقطني والحاكم عن عبد بن بريدة وأحمد عن معاذ و
الطبراني عن سراق بن مالك وصهيب وعقبة
بن مالك وغيلان بن مسلم ورواه ابن أبي شيبة
عن عائشة رضي والبيهقي أيضا عن أبي هريرة كذا في جمع
الجامع للسيوطي قال في المدارك وإذ قلنا للملائكة
اسجدوا لإدَمَ اى اُخضعوا له وأقرُّوا بالفضل له عن أبي
نقيب وأعن ابن عباس رضي كان ذلك انخفاء ولم يكن
خروا على الذنوب والجمعة يورد على أن المأمورية
وضع الوجه على الأرض وكان السجدة
تحيته لإدَمَ عليه السلام وهو الصحيح

[illegible]

[illegible]

أَذْكَرَ كَانَ لِلَّهِ تَعَالَى مَا أَمْتَنَعَ عَنْهُ الْبَلِيسُ كَانَ سَجُودَ الْحَيَّةِ
جَازِئًا مَضَى ثُمَّ نَسَخَ لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِسَلَامَانَ
رَضِي حِينَ أَرَادَ أَنْ يَسْجُدَ لَهُ لَا يَتَّبِعُنِي لِخَلْقٍ أَنْ يَسْجُدَ
لَا حِدَ إِلَّا لِلَّهِ تَعَالَى أَنْتَ سَوَالِ سِي وَجْهَامِ
از طواف کردن قبر سه بار کافر می شود یا شرک یا فاسق
جواب طواف کردن قبر سه بار باشد یا غیر سه بار شرعاً غیر
جایز و حرام است و ترکیب سلام که اصرار بر آن سازد فاسق می شود و اگر
جایز و مستحب است طواف نموده باشد موجب برکت است فی شرح
الْمَنَاسِكِ لِلْقَارِي وَلَا يَطُوفُ أَحَدٌ وَلَا يُدْرِكُ رُوحَ الْكَبَةِ الْبَقْعَةِ
الشَّرِيفَةِ لِأَنَّ الطَّوْفَ مِنْ مَخَصَّاتِ الْكِبَةِ الْبَقْعَةِ
فَيَحْرُمُ خَوْلُ قُبُورِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْلِيَاءِ وَلَا عِدَّةَ بِنَا
تَعْمَلُهُ الْعَامَّةُ الْجَهْلَاءُ وَلَوْ كَانُوا فِي صُورَةِ الْمُسْلِمِينَ
وَالْعُلَمَاءِ أَنْتَهَى فِي بَعْضِ الرَّاوِيِّ وَالْتَعْرِيفُ كَثِيرٌ لَسَدِ
لِأَنَّ الْوُقُوفَ لَمَّا كَانَ عِبَادَةً فَصَوْنَهُ بِمَكَانٍ لَمْ يَحْرُ
فِعْلُهُ إِلَّا فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ كَالطَّوْفِ وَغَيْرِهِ الْأَمْرُ
أَلَّا لَا يَحْجُزُ الطَّوْفُ خَوْلَ سَائِرِ الْمَسَاجِدِ كَسَائِرِ الْبَاطِنِ
خَوْلَ الْكَبَةِ أَنْتَهَى فِي الْمَقَالَةِ الْتَعْرِيفُ كَثِيرٌ لَسَدِ

لَا تَلْقَ الْوُفُوفَ لَمَّا كَانَ عِبَادَةً مُخْتَصَّةً بِمَكَانٍ لَمْ يَحْزَرْ فَعَلُهُ
 إِلَّا فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ كَالطَّوْفِ وَغَيْرِهِ أَهْلَتْنِي أَنَّهُ لَا يَجُوزُ
 الطَّوْفُ حَوْلَ سَائِرِ الْبُيُوتِ تَشْبِيهًا لَكَذَانِي غَايَةِ الْبَيِّنَاتِ
 وَهَذَا ظَاهِرٌ فِي أَنَّهُ يُكْرَهُ كَثْرَتُهُمَا وَصَحَّ فِي الْمَعْرَاجِ بَلَّغُ لَوْ
 طَافَ حَوْلَ مَسْجِدٍ يُجَنَّبُ عَلَيْهِ الْكُفْرَانِيُّ وَهَكَذَا
 فِي الْكَلَامَةِ حَاشِيَةِ الْهَدَايَةِ وَفِي شَرْحِ عَقَائِدِ الشَّيْخِ
 وَغَيْرِهِ اسْتِحْلَاحُ الْمَعْصِيَةِ صَغِيرَةً كَانَتْ أَوْ كَبِيرَةً كَثْرَتُهُ
 أَنْتَهَى بِهَذَا مِنْ رَوَايَاتِ كُتُبٍ مَعْتَبَرَةٍ مَعْلُومٌ أَنَّ طَوَافَ غَيْرِ كَعْبِ
 قَبْرِ بَاشَدِ يَافِغِرُ قَبْرِ حَرَامٍ وَغَيْرِ جَائِزٌ هَسْتُ بَلَّغُ بَعْضِي تَجْوِيزُهُمْ بَارِئُ شَيْئَةٍ
 اذْهَبَ رَوَايَاتٍ غَيْرِ مَعْتَبَرَةٍ هَسْتُ زِيرُكَ قَاعِدَةٌ فَهِيَ هَسْتُ كَمَا رَوَايَاتُ مَوْنِ
 مَعْتَبَرَةٍ بَاشَدَ رَوَايَاتٍ شَرْحِ وَرَوَايَاتٍ شَرْحِ مَعْتَبَرَةٍ بَاشَدَ اَزْهَوَاوِي
 بَلَّغُ رَوَايَاتٍ كَثِيرَةٍ مَنَعَ طَوَافَ اَزْهَوَاوِي كَمَا بَنَزَلَهُ مَوْنِ هَسْتُ مَوْجُودٌ
 رَوَايَاتٍ تَجْوِيزِ فِي بَعْضِ قَوَاوِي هَسْتُ دَهْرُكَ رَوَايَاتٍ قَوَاوِي وَشَرْحِ
 مَسْتَعَارِضٍ يَتَوَضَعُ رَجِيحُ بَرَزَايَاتٍ شَرْحِ هَسْتُ وَمَقْصُودُ شَارِحِ
 اَزْطَوَافِ خَانَةِ كَعْبِ مَعْظَمُهُ تَعْظِيمُ مَنْهُوَ هَسْتُ كَمَا دِكْرُ اَزْهَوَاوِي
 مَسْ تَعْظِيمُ نَاشَدِ بَلَّغُ غَيْرِ كَعْبِ طَوَافِ مَقْرَرُ كَرْدَةُ شَوْ دَهْرُكَ
 غَيْرِ كَعْبِ كَعْبِ بَاشَدَ اَزْهَوَاوِي مَقْصُودُ شَارِحِ هَسْتُ بَلَّغُ دَايِكَةُ خَلَا

۴۰
 اینست در طواف کعبه
 و در شرح عقاید شیخی
 نگاه صغیره باشد بکعبه
 است نامش مضمون
 عقاید شیخی و غیره ۱۲

مقصود شارع باشد و او را بر کز قبول نباید کرد سوال سو
پنجم قبر پوش را در شرع چه حکم است جایز یا گناه کدام جواب قبر پوش
در شرع غیر مشروع و منسئ عنه است و ادنی غیر مشروع کرده است
فِي نِصَابِ الْأَخْطِابِ وَ تَسْجِيَةِ الْقَبْرِ غَيْرُ مَشْرُوعٍ
أَصْلًا فِي حَقِّ الرِّجَالِ وَ بَعْدَ تَسْوِيَةِ اللَّيْلِ فِي
حَقِّ النِّسَاءِ وَ مَرَّ عَلَى بَقْرِ رَجُلٍ قَدْ سَجَّى فَمَهَا
أَنْتَى وَ هَكَذَا فِي قِتَاوَى مَطَالِبِ الْمُؤْمِنِينَ
عِبَارَتُهُ هَذَا تَسْجِيَةُ الْقَبْرِ غَيْرُ مَشْرُوعٍ
فِي الرِّجَالِ وَ بَعْدَ تَسْوِيَةِ اللَّيْلِ فِي حَقِّ النِّسَاءِ
وَ مَرَّ عَلَى رِضٍ بِقَبْرِ رَجُلٍ قَدْ سَجَّى عَلَيْهِ فَمَهَا
سوال سی و ششم شایانه و خیمه استاده کردن
بر قبر چه حکم دارد جایز یا گناه کدام جواب شایانه
و خیمه استاده کردن بر قبر مکروه است و ممنوع گما یظهر
مِنَ الرِّوَايَاتِ وَ فِي الْبُخَارِيِّ وَ رَأَى ابْنُ عُمَرَ فُسْطَاطًا
عَلَى قَبْرِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ فَقَالَ ائْتِئْهُ بِأَغْلَامٍ
فَلَمَّا يَطْلُهُ عَمَلَهُ أَنْتَى وَ فِي شَرْعِهِ
الْإِسْلَامِ وَ يُكْرَهُ أَنْ يُسْقَى عَلَى الْقَبْرِ مَسْجِدٌ

[illegible]

در نهیم ۱۱۱
در مذهب پیر

این عبارت است که لا یجوز استی و ادنی لا یجوز گناه صغیره و احرار
بر آن کبیره است که تقدم سوال سی و هشتم
معافه کردن از قبر چه حکم دارد. جائز یا گناه کدام گناه جواب
در شرح عین العلم ملا علی قاری رحم و دیگر کتب فقهیه مرفوم است که مس
قبر کند زیر که نبی وارد شده از مثل آن و عباد الله هكذا ولا یتمس
أنى القبر ولا الثأبوت ولا الجدار قود الله عن مثل
ذلك یغفر علیه السلام فکیف یقبول سائر الانعام
ولا یقبل فانه زیاده على المسفهو اولی بالهنی والتقیید
مختص بالحق الا سود و یا یدی الا کنیاء والصالحاء
انتهی پس وقتی که مس قبیل قبر منهنی عنه باشد معافه
قبر البسته منهنی عنه خواهد شد و اصل النبی للتحريم كما
تقدم و ادنی التحريم الصغیره و الاصرار علی
الصغیره کبیره كما تقدم سوال سی و
هفتم روشنی کردن برای تعظیم میت جائز یا گناه کدام گناه
جواب غیر جائز بلکه مستوجب لعن است كما هو مذكور
في الحديث فی مشکوٰۃ عن ابن عباس لعن رسول الله
صلی الله علیه و سلم زائرات القبور و المتخذین

و صحیح است که لا یجوز استی و ادنی لا یجوز گناه صغیره و احرار
بر آن کبیره است که تقدم سوال سی و هشتم
معافه کردن از قبر چه حکم دارد. جائز یا گناه کدام گناه جواب
در شرح عین العلم ملا علی قاری رحم و دیگر کتب فقهیه مرفوم است که مس
قبر کند زیر که نبی وارد شده از مثل آن و عباد الله هكذا ولا یتمس
أنى القبر ولا الثأبوت ولا الجدار قود الله عن مثل
ذلك یغفر علیه السلام فکیف یقبول سائر الانعام
ولا یقبل فانه زیاده على المسفهو اولی بالهنی والتقیید
مختص بالحق الا سود و یا یدی الا کنیاء والصالحاء
انتهی پس وقتی که مس قبیل قبر منهنی عنه باشد معافه
قبر البسته منهنی عنه خواهد شد و اصل النبی للتحريم كما
تقدم و ادنی التحريم الصغیره و الاصرار علی
الصغیره کبیره كما تقدم سوال سی و
هفتم روشنی کردن برای تعظیم میت جائز یا گناه کدام گناه
جواب غیر جائز بلکه مستوجب لعن است كما هو مذكور
في الحديث فی مشکوٰۃ عن ابن عباس لعن رسول الله
صلی الله علیه و سلم زائرات القبور و المتخذین

عَلَيْهَا الْمَسَاجِدَ وَالشُّرُجَ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالنَّسَائِيُّ وَالزَّيْلَعِيُّ
 إِنْ شَاءَ قَالَ الْمَلَأَ عَلَى الْقَارِئِ فِي شَرْحِهِ وَاللَّهُ عَنْ إِتْحَادِ
 الشُّرُجِ أَمَّا مَا فِيهِ مِنْ تَضْيِيعِ الْمَالِ لِأَنَّهُ لَا يَنْفَعُ أَحَدًا مِنَ
 الشُّرُجِ وَغَيْرِهِ وَلَا نَفَا مِنْ أَنْ يَجْعَلَ وَأَمَّا لِلْإِحْتِرَافِ
 عَنْ تَعْظِيمِ الْقُبُورِ كَاللَّهِ عَنْ إِتْحَادِ الْقُبُورِ مَسْلُوكِ
 أَنْتَهَى در ترجمه شیخ عبدالحق تحت این حدیث مرقوم است و لغت کرده است
 رسول خدا صلی الله علیه و سلم کسانی را که میگردند قبور را مسجد یعنی سجده بر رویه
 بجانب قبور بقصد تعظیم جایگاه گذشت و کسانی که میگردند چراغها را بر قبور بقصد تعظیم و نزد بعضی
 مسخرات اگر چه بقصد تعظیم باشد از جهت اسراف و تضییع مال و بعضی گویند که اگر بر روی رکبه مرقوم شد
 و یا چراغ کاری میکرده باشند جایز است و درین صورت چراغ گرفتن
 سبب قبر نیست بلکه سببت کاری دیگر است که قبر از آن منظور نیست انتهى
 پس این روایات معلوم شد که روشنی کردن بر قبور غیر جایز است و معروف
 بلفظ شدن فعلی دلیل گناه است و نزد بعضی علامت کبر است گماذ کفر
 الشَّيْخُ عَبْدُ الْحَقِّ فِي شَرْحِ الْعَرَبِيِّ عَلَى الْمَشْكُوتِ
سوال چهل و یکم اگر روشنی کند برای اجتماع مردمان و
 برای حفظ قبر پوشش و رعایت ادب زیارت تا از اراد اعتبار امتیاز
 شود و با ادب زیارت کند چه حکم دارد جایز یا گناه کدام گناه

این حدیث در کتاب
 مسکن در حدیث روایت کرده
 این حدیث را ابو داود و
 نسائی و ترمذی
 و زایلعی
 و غیره
 نقل کرده اند
 و در این حدیث
 از تعظیم
 قبور
 و از
 روشنی
 کردن
 بر
 قبور
 و از
 جمع
 مردمان
 برای
 زیارت
 و از
 اعتبار
 امتیاز
 و از
 گناه
 و از
 حکم
 آن

۶۹

روایت از امام
 بیاضی
 است
 این حدیث
 در کتاب
 مسکن
 در حدیث
 روایت
 کرده
 این حدیث
 را ابو داود
 و ترمذی
 و زایلعی
 و غیره
 نقل کرده
 اند
 و در این حدیث
 از تعظیم
 قبور
 و از
 روشنی
 کردن
 بر
 قبور
 و از
 جمع
 مردمان
 برای
 زیارت
 و از
 اعتبار
 امتیاز
 و از
 گناه
 و از
 حکم
 آن

جواب روشنی کردن نزد قبر برای کاری نه برای قصد تطهیر
 قبر و نه بطور سراف ظاهراً از معلوم می شود لیکن آن فصل را
 باید دید که آن فصل که برای آن روشنی کنند فی نفسه جایز
 است یا غیر جایز اگر جائز باشد روشنی کردن هم بقدر کفایت جایز
 خواهد شد و اگر آن فعل غیر جائز است پس وسایل آن فعل هم غیر
 جائز خواهد شد سابقاً از روایات معلوم شد که اجتماع کردن مردم نزد
 قبور غیر جائز است همچنین قبر پوش نار و ابس برائے ماستم
 امر غیر جائز روشنی نمودن هم درست نخواهد شد در عایت ادب قبر
 که بر و پانهند و فعل بر و ندارند و بر بول و غایط نکنند و بران جلوس نمایند
 روشنی هم مقصور است پس حاجت روشنی بر این امور نمی باشد
 و اگر علت منع اثر نار است پس بهیچوجه درست نخواهد شد مگر بنا بر
 ضرورت که دفن کردن بوقت شب باشد **سوال چهارم**
یکم چادر گل انداختن بر قبر چه حکم دارد و جایز یا گناه کدام گناه
جواب اگر برای تقرب میت می اندازند غیر جائز است و حرام
 تَمَيُّزُهُمْ مِنَ الدِّمِ الْخَتَّارِ وَغَيْرِهِ عِبَادَتُهُ هَلَاكٌ أَعْلَمُ أَنَّ
 النَّذْرَ الَّذِي يَقَعُ لِلْأَمْوَالِ وَمَا يَوْحَدُ مِنَ الدِّمِ وَ
 الشَّيْءِ وَالنَّيْتِ وَنَحْوِهَا إِلَى صُرَاحِ الْأَوْلِيَاءِ الْكِرَامِ

می شود و در حدیث
 و غیره عبارت در حدیث
 محتاج به توضیح است
 بدانکه حدیثی است
 واقع می شود برای
 اسوات و اینها در حدیث
 می شود و در حدیث
 و شمع در حدیث
 و مانند اینها است

فی حدیث
 و در حدیث

تَقْرَبُ إِلَيْهِمْ هَؤُلَاءِ بِالْإِجْمَاعِ بَاطِلٌ وَحَرَامٌ مَا لَمْ يَقْصُدُوا
صَرَفَهَا لِفُقَرَاءِ الْأَنَامِ وَابْتَدَى النَّاسُ بِذَلِكَ وَلَا
سَيِّئًا فِي هَذِهِ الْأَعْصَارِ انْتَهَى و اگر برای تزیین قبر تجمل
آن باشد آن هم مکروه است زیرا که قبر محل زینت و تجمل نیست بلکه
نزد قبر فعلی باید کرد که تذکر آخرت شود که در حدیث شریف وارد است و گویند
الْقُبُورُ فَإِنَّهَا تَهْتَدُ فِي الدُّنْيَا وَتَذَكِّرُ الْآخِرَةَ پس امری
که خلاف مد و تذکر آخرت باشد مطلوب زیارت قبور نیست پس زینت
و تجمل قبر خلاف مقصود شارع خواهد شد و گسائیکه انداختن بنبره و کل بر
قبر جائز و دشمنه اند تسک کرده اند بجهت تسکین در شکوه و غیره است
مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِقَبْرَيْنِ فَقَالَ إِنَّهُمَا لِعِبْدَانِ
وَمَا يَعْدَبَانِ فِي كَبِيرٍ مَا أَحَدُهُمَا فُكِّنَ لَا يَسْتَنْزِلُ مِنَ
النُّوْلِ وَفِي رِوَايَةٍ مُسْلِمٍ لَا يَسْتَنْزِلُ مِنَ الْبُؤْلِ وَآمَّا الْأُخْرَى
وَكَانَ يَمْشِي بِالْيَمِيمَةِ ثُمَّ أَخَذَ حَبْلَهُ رَطَبَةً
فَتَشَمَّهَا بِمِصْرَفَيْنِ ثُمَّ عَرَفَ كُلَّ قَبْرٍ وَاحِدَةً قَالُوا
يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَا صَنَعْتَ هَذَا فَقَالَ لَعَلَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ
عَنْهَا مَا لَمْ يَنْسِيَ شَيْخُ عَبْدِ الْحَقِّ تَحْتَ يَدِ بْنِ حَشِيْمٍ نَوَيْدُ تَسْكِينِ
کند جامعه این حدیث در انداختن بنبره و کل و ریجیان بر قبور و خطابه

از راه تقرب به ایشان
پس این اجماع باطل و حرام است
و اگر کسی قصد کند که این
بجای خود بگذارد و بگوید
این قبر مرا تزیین کند
و این کار را برای تزیین
نکرد و دنیا و آخرت را
نزد قبر فعلی باید کرد
و گویند که در حدیث شریف
وارد است و گویند که
القبور فانها تهتد في الدنيا
وتذكر الآخرة پس امری
که خلاف مد و تذکر آخرت
باشد مطلوب زیارت قبور
نیست پس زینت و تجمل
قبر خلاف مقصود شارع
خواهد شد و گسائیکه
انداختن بنبره و کل بر
قبر جائز و دشمنه اند
تسک کرده اند بجهت تسکین
در شکوه و غیره است
مر النبي صلى الله عليه
وسلم بقبرين فقال انهما
لعبدان وما يعدبان في
كبير ما احدهما فكن لا
يستنزل من النول وفي
رواية مسلم لا يستنزل
من البؤل واما الاخرى
وكان يمشي باليميمه
ثم اخذ حبله رطبة فتشمها
بمصرفين ثم عرف كل
قبر واحد قالوا يا رسول
الله لما صنعت هذا فقال
لعله ان يخفف عنها ما
لم ينس شيخي عبد الحق
تحت يدي بن حشيم نويد
تسكين کند جامعه این
حدیث در انداختن بنبره
و کل و ریجیان بر قبور
و خطابه

یعنی از
خداوند
از اندام
صالحین
و عابدین
که در این
جهنم
کنند پس
این با لاف
کفر و شرک
است چنانچه
بیشتر از
آن در این
کتاب

که از ائمه اهل علم و قدوه تشریح حدیث این قول را رد کرده است
و انداختن سبزه و گل را بر قبور متمسک باین حدیث انکار نموده و
گفت که این سخن اصلی ندارد و در صدر اول نبوده و بعضی گفته اند بنابر
تحدید و توقیت بدان است که آنحضرت شفاعت خوشت در تخفیف عذاب
پس قبول کرده شد از وی تا مدت خشک شدن آن شاخ و کلمه لعل ناظر
است درین معنی و کرمانی گفته که در جریده خاصیتی نیست در رفع عذاب و نه
بود آن مگر ببرکت دست مبارک سیدنا نبی صلی الله علیه و سلم انتهی

سوال چهل و دوم و میر صدقه دادن از نقد و جنس و از

طعام مرخادمان را خواه در کولک خواه دست بدست چه حکم دارد جائز
است یا گناه کدام گناه **جواب** صدقه دادن از نقد و جنس و طعام
خادمان را بطریق دست بدست اگر فقیر و محتاج باشند جائز است بشرطیکه
تقرب الی غیر الله نباشد و آنچه در کولک می اندازند اگر بطریق نذر صاحب
قبر یا بطریق تقرب می اندازند پس آن جایز نیست حرام و گناه است چنانچه

از کتاب در مختار در جواب سابق گذشت سوال چهل

و سوم وکیل ساختن خادمان را تا دعا بکنند چه حکم دارد
جائز یا گناه کدام گناه **جواب** وکیل ساختن خادمان را تا دعا
بکنند از حضرت صلی الله علیه و سلم و نه از صحابه و نه از مجتهدین +

ثابت شده و در کتب فقهیه مذکور است **سوال چهل و چهارم**

تعظیم میت در شرع چه قدر آمده است بطوریکه در حیات ایشان تعظیم نماید
رو ابو و مثل قدم بوسی و بوسه دادن دست و معافه نمودن طوری
مات شان رواست یا گناه که ام گناه **جواب** تعظیم میت بمومن
طوریست چنانکه در حیات او بود لیکن در نجاسه و جثه است یکی تعظیم است
دوم تعظیم قبر تعظیم میت بمومن طوریست که در حیات او بود و اما میکه
دفن کرده باشند چو مکه دفن نموند میت مدفون شد پس آنچه معامله
با میت می نمودند موقوف شد پس بعد از آن باقی ماند معامله با قبر
و آن معامله دیگر است این قدر تعظیم قبر در شرع آمده که بر آن جلو نکشند
و پانهند و نقل بر آن ندارند و از غایط و بول بر آن احتراز سازند و
تعظیم قبر بوسه دادن و دست مالیدن و سجده و طواف و تقبیل نمودن
و سخن شنیدن و بر و بنجاک مالیدن در سنت چنانچه روایات این
امور در جوابات سابقه گذشته و از آن جمله در کتاب کشف الغطا
شیخ الاسلام مذکور است دست نهند بر قبر و مسح کنند و بوسه نهند
و منحنی نشود و در بنجاک مالده این عبارت نص است شیخ در منع
آن تشدید بسیار دارند و آنچه عوام مردم الآن کنند از بدعتهای منکر
است شرعاً و باطله شک نیست چه بودن مثل این امور بدعت

تان اگر مشهور در حدیثی و روایتی از مجتهدین ثابت نموده و تخصیص
 کردن و اصرار نمودن بر امر مباح یا مندوب بوضعی که آنرا موقوف دانسته و بر
 رخصت عمل کردن پس ضلال از شیطان است ^و کما یقینهم هذا المعنی
 من عبارة شرح المشكوك ^و لا على قاري والطيني والسيم
 که در شرح این حدیث مرقوم است عن عبد الله بن مسعود رض
 قال لا يجعل أحدكم الشيطان في ضلوه يرى أن حقاً عليه
 ألا يتصرف إلا بحسب ما ^و لقد رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم
 كثيراً يتصرف بحسب ما ^و متفق عليه قال في الشرح
 فيه أن من أصر على أمر مندوب وجعله غمماً ولم يعمل
 للخمسة فقد أصاب منه الشيطان من الضلال فكيف
 من أصر على بدعة ومنك انتهى **سوال چهل و**
هشتم برای فاتحه تفرط عام از قسم شیرینی و غیره چه حکم دارد جایز است یا
 کدام گناه **جواب** تصدق طعام از قسم شیرینی و غیره و ثواب آن بمو
 رسانیدن جایز است چنانچه در کتب فقہ و عقاید مسطور است لیکن فاتحه مسوم
 و مشهور اصلی دارد زیرا که خضر علیه السلام و صحابه و تابعین این طور که
 فیما بین الناس است منقول نیست پس امریکه منقول نباشد از آنحضرت و صحابه
 و تابعین غیر مشهور و چنانچه صاحب این چند جامع نقل را از آنحضرت ^{صلی}

کردن و اصرار نمودن بر امر مباح یا نسیئیه بوضع می که آنرا موهکما دانسته و بر

رضعت عمل نکردن پس ضلال از شیطان است که ایفهم هذا المعنى

مِنْ عِبَارَةِ شَرْحِ الْمَشْكُوفَةِ لِلْأَعْلَى قَارِي وَالطَّبِيبِ وَالسَّيِّدِ

که در شرح این حدیث مرقوم است عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِ

قَالَ لَا يَجْعَلُ اللَّهُ لَكُمْ الشَّيْطَانَ مِرْصَدًا يُرِيحَ أَفْئِدَتَكُمْ

الْأَبْصَارِ إِلَّا عَنْ مَنِينٍ لَمَّا رَأَيْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَخِيَابُ الْجَنَّةِ كَالْمُحِيطِ
فِيهِ أَزْوَاجٌ مُّتَّكِئِينَ عَلَى سُرُجٍ مَّكَرَّمٍ مَّذْخَرَةٍ لَهُ
الْمَلَكُ الْمَكِينُ

لِلْخُصْمَةِ فَقَدْ أَصَابَ مِنْهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْإِضْطِرَارِ فَكَيْفَ

مَنْ أَصْرَعَ عَلَى بَيْدَعَةٍ وَمَنْ كَلِمَتِي سَوَالِ جَمَلٍ وَ

هشتم برای فاسحه تقرر طعام از قسم شیرینی و غیره چه حکم دارد جائز است یا نه

لدام گناہ جواب تصدق طعام از قسم شیرینی وغیرہ و ثواب ان بمو

رسانیدن جایزه است بخانه پدر لقبه و عقاید مسطور است تا این محرم و سومه

و سبب اصلی دارد زیرا که حضرت علی (ع) علیه و سلم وصی با بعین این امر که نمود

وَمَا يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَكُونَ مِثْلَ الْأَكْثَرِينَ

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

السعيد وسلم وصحابة نسي الله تعالى عنهم اير طوييل كراست كرفهت
منها في كتاب الصلوة في فصل الاوقات التي تكر فيها
الصلوة قال تكرر ان يتنقل بعد طلوع الفجر باكثر من
ركعتي الفجر لانه عليه السلام لم يزد عليها مع حرجه على الصلوة
ومنها ما قال في باب العيد لا تنقل في المصلي قبل العيد لانه
عليه السلام لم يفعل مع حرجه على الصلوة ومنها ما
قال في كتاب الحج من احرم وفي بيته او في قفص معه صبي
فليس عليه ان يسلكه وقال الشافعي عليه ان يسلكه لانه
متعرض للصبي يا مساكين في ملكه فصار كما اذا كان في
يده ولنا ان الصحابة رضوان الله عليهم كانوا يخرجون
وفي بؤنهم صيود ودواجن ولم ينقل عنهم ارسالها و
بذلك جرت العادة الفاشية وهي من اجدل الحج انتهى
كلامه ونزد فادى بالمكبري ونصاب الاحتساب استدلال
بعدم نقل اصحابه ونابعين كروه انما قالوا في العالم الكبير
قراءة الكافرون الى الحديث مع الجميع كروها
لانها بدعة لم ينقل ذلك عن الصحابة والتابعين
لذا في المحيط وقال في نصاب الاحتساب في باب الاحتساب

[illegible][illegible]

السعدية وسلم وصحابة نهي الله تعالى عنهم أي طويروا ليس كراستك وفيت
 منها في كتاب الصلوة في فصل الأوقات التي تكره فيها
 الصلوة قال تكره أن يتنقل بعد طلوع الفجر أبدا من
 ركعتي الفجر لأنه عليه السلام لم يزد عليها مع حرصه على الصلوة
 ومنها ما قال في باب العبد لا يفتل في المصلي قبل العبد لأنه
 عليه السلام لم يفعل مع حرصه على الصلوة ومنها ما
 قال في كتاب الحج ممن سحره وفي بنية أو في قصر معه صبي
 فليس عليه أن يسلكه وقال الشافعي عليه أن يسلكه لأنه
 متعرض للصبي بإمساكه في ملكه فصار كما إذا كان في
 يده ولنا أن الصحابة رضوان الله عليهم كانوا يخرجون
 في بؤبؤهم صيود ودواجن ولم ينقل عنهم إرسالها و
 بذلك جرت العادة الفاسية وهي من أجد الخبيثات
 كلامه ونزولها في ما ليكري ونصاب الاحتساب
 بعد من نقل أصحابنا وما بين كرده انه قالوا في العالمين
 قراءة الكافرون إلى الخبيث مع الجميع مكرهه
 لأنها بدعة لم ينقل ذلك عن الصحابة والتابعين
 كذا في المحيط وقال في نصاب الاحتساب في باب الاحتساب

[illegible][illegible]

من خدا برآرد بفقرا و خادمان و مزار فلانی بخورایم پس نذر صحیح خواهد شد
و وفاء و لازم لیکن تخصیص کردن فقره خادمان مزار ولی و در وفا
نذر لازم نیست هر فقیری که خواهد داد نذر او او نخواهد شد و اگر این طور
بگوید که اگر حاجت من برآید برای فلان ولی یا بنام فلان ولی این قدر
طعام یا این قدر نقد است پس این قسم نذر کردن باطل است
باجامع و خوردن طعام حرام است چنانچه از کتب معتبره مرقوم می
گردد از همین قسم است حال آنکه بگوید این بنام آن ولی و سید است
و فِي الْعَالَمِينَ وَالتَّذْرُ الَّذِي يَقَعُ مِنَ الْكُثْرِ الْعَوَامِ يَأْتِي
إِلَى قَابِلٍ بَعْضُ الصَّالِحِينَ وَرَفَعَ سُنْدَهُ قَالَا يَا سَيِّدُ فَلَا نَأْتِي
قَضَيْتَ حَاجَتِي فَلَا مَنِي مِنَ الذَّهَبِ مِثْلًا كَذَ أَبَاطِلُ لِمَا
نَعْمَ قَالَ يَا اللَّهُ نَذَرْتُ لَكَ إِنْ شَفِيتَ مِنِّي أَوْخُوهُ
أَنْ أَطْعِمَ الْفُقَرَاءَ الَّذِينَ بِيَابِ السَّيِّدَةِ نَفْسَةً
أَوْخُوهُ أَوْ اشْتَرِي حَصِيدًا مَسْكِينًا أَوْ زَيْلًا لِقُودِهَا أَوْ
دَرَاهِمَ لِمَنْ يَقُومُ لِسَعَابِهَا مِمَّا يَكُونُ فِيهِ نَفْعُ الْفُقَرَاءِ
وَالْتَذَرُ لِلَّهِ تَعَالَى وَذَكَرُ الشَّيْخِ أَمَّا هُوَ مَحَلُّ لِنَصْرِفِ الذَّهَبِ
لِمُسْتَحَقِّهِ بِجُودِ ذَلِكَ، لَكِنْ لَا يَحِلُّ صَرْفُهُ إِلَّا إِلَى
الْفُقَرَاءِ لَا إِلَى ذِي عِلْمٍ لِعِلْمِهِ وَلَا لِحَاضِرٍ الشَّيْخِ

کے لئے جو کہ ان کے لئے ہے۔

إِلَّا أَنْ يَكُونَ وَاحِدًا مِنَ الْفُقَرَاءِ وَإِذَا اشْرَفْتَ هَذَا يَوْحَا
مِنَ الدَّاهِمِ وَخَوَّهَا وَيُنْقِلُ إِلَى ضَرْحِ الْأَوْلِيَاءِ تَقَرُّبًا
لِيَنِيهِمْ فَحَرَامٌ بِالْإِجْمَاعِ مَا لَمْ يَقْضَ يَصْرِفُهَا الْفُقَرَاءُ الْأَجَا
فِي لَا وَاحِدًا وَقَدْ ابْتُلِيَ النَّاسُ بِذَلِكَ وَفِي الْجِبْرِ الرَّائِقِ
وَأَمَّا نَذْرُ اللَّهِ فَيُنْذِرُهُ الْكُفْرُ الْعَوَامُ عَلَى مَا هُوَ مُشَاهِدٌ
كَأَن يَكُونَ لَا نَسَانَ غَائِبٌ أَوْ مَرِيضٌ أَوْ لَهُ حَاجَةٌ ضَرُورِيَّةٌ
فَيَأْتِي فِي بَعْضِ مَرَاتِ الصُّلَحَاءِ فَيَجْعَلُ سِتْرَهُ عَلَى
رَأْسِهِ وَيَقُولُ يَا سَيِّدِي فَلَانْ إِنْ رُدَّ غَائِبِي أَوْ جُوفِي
مَرِيضِي أَوْ قُضِيَتْ حَاجَتِي فَلَاكَ مِنَ الذَّهَبِ كَذَا أَوْ
مِنَ الْفِضَّةِ كَذَا أَوْ مِنَ الطَّعَامِ كَذَا أَوْ مِنَ الْمَاءِ كَذَا أَوْ مِنَ
الشَّعْرِ كَذَا أَوْ مِنَ النَّبْتِ كَذَا فَهَذَا النَّذْرُ بَاطِلٌ بِالْإِجْمَاعِ لُجْجِي
مِنْهَا أَنَّهُ نَذْرٌ لِمَخْلُوقٍ وَالنَّذْرُ لِلْمَخْلُوقِ لَا لِلْخَلْقِ لِأَنَّهُ عِبَادَةٌ
وَالْعِبَادَةُ لَا يَكُونُ لِمَخْلُوقٍ وَمِنْهَا أَنَّ الْمَنْذُورَ لَهُ مِثْلُ
وَالْمِثْلُ لَا يَمْلِكُ وَمِنْهَا أَنْ الْمِثْلَ يَنْصَرِفُ
فِي الْأُمُورِ دُونَ اللَّهِ وَاعْتِقَادُهُ بِهِ ذَلِكَ كُفْرٌ
اللَّهُمَّ لَا أَنْ يَقَالَ يَا اللَّهُ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ أَنْ
سَقَيْتَ مَرِيضِي أَوْ رُدَّ دَتَّ غَائِبِي أَوْ قُضِيَتْ حَاجَتِي

[illegible]

از آن جمله که اینک
 این خلوق و ذراتی مخلوق است
 زیرا که عبادت است و عبادت جلالین
 می شود مخلوق را و از آن جمله این
 تحقیق می شود و نه یعنی آن بزرگ
 رده است فایده می شود و از آن جمله
 است اینکه اگر کمال کرد و فایده ای
 تحقیق کرده و تصرف میکند و از
 بجز خود او انشاء و او را پس از
 شد با ای ج و است نیست
 اینکه گفته می شود که برای تو اگر
 با ای تحقیق می شود که از آن غایب
 سفارشی می شود و از آن غایب
 و از آن غایب می شود

٢
 أَنْ أَطْعِمَ الْفُقَرَاءَ الَّذِينَ بَيَّابِ السَّيِّئَةِ نَفْسِهِ أَوْ الْفُقَرَاءَ
 الَّذِينَ بَيَّابِ الْأَمَامِ السَّافِي أَوْ الْأَمَامِ إِلَى اللَّيْلِ أَوْ أَسَدُ
 حَصِيرًا مَسْجِدِهِمْ أَوْ زَيْتًا لَوْ قُوْدَهَا أَوْ ذَرَاهِمَ مِنْ
 يَقُومُ لِسَعَائِرِهَا إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ سَمَا يَكُونُ فِيهِ النِّفْعُ لِلْفُقَرَاءِ
 وَالتَّذَرُّ لِدُوْغَرٍ وَجَلَّ وَذَكَرَ الشَّيْخُ أَيَّمَا هُوَ لِبَيَّانٍ مَحَلَّ تَصَرُّ
 التَّذَرُّ لِمُسْتَحَقِّيهِ الْقَاطِنِينَ بِرِ بَاطِلِهِ أَوْ مَسْجِدِهِ أَوْ جَمَاعَةٍ
 فَيَجُوزُ بِهَذَا الْأَعْتِبَارِ إِذَا مَصَرَفَ التَّذَرُّ لِفُقَرَاءٍ وَقَدْ
 هُجِدَ الْمَصْرَفُ وَلَا يَجُوزُ أَنْ تُصْرَفَ ذَلِكَ لِغَنِيِّ غَيْرِ

۶۱
 این تذکره یعنی از فزونی آن تذکرات می نمود
 و هر یک که آن بعضی جزو تذکرات می باشد
 که برای علل و علل تذکرات است
 است بلکه بعضی از آن تذکرات
 عدم بعضی از آن تذکرات
 در آن یکی از آن تذکرات
 عیال یکی از آن تذکرات
 پس اگر عیال را از آن تذکرات
 نیز از آن تذکرات
 سواضی از آن تذکرات

إِلَى الْفُقَرَاءِ وَيَقْطَعُ النَّذْرَ عَنْ نَذْرِ الشَّيْخِ فَإِذَا عَلِمْتَ هَذَا
فَمَا يُوْخَذُ مِنَ الدَّاهِيَةِ وَالشَّيْخِ وَالزَّيْتِ وَغَيْرِهَا وَيُقْلَى إِلَى
ضَرْبِ الْأَوْلِيَاءِ تَقَرُّبًا إِلَيْهِمْ فَحَرَامُ بِإِجْمَاعِ الْمُسْلِمِينَ مَا
لَمْ يَقْصُدُوا ابْتِغَاءَ الْفُقَرَاءِ الْأَحْيَاءِ قَوْلًا وَاحِدًا
إِنْ تَنَى وَهَكَذَا فِي التَّمَرِ وَاللِّبْنِ **سؤال پنجاهم**
اگر حاجت من خدای آر دین قدر طعام پنجه کنام و فقرا و اغنیاء و اقربا را
بخورام این کند یا طوری دیگر کند فقرا و بدو کسی دیگر راند و اگر بدو و فاقند ز شود
یا نشود **جواب** اگر این طوری گوید که اگر حاجت من خدای آر دین قدر طعام
پنجه کنام و فقرا و اقربا را بخورام این طوری درست است فقرا و اقارب و غیره
را بخوراند و اغنیاء جانب بپسند یا اقارب ایشان راند بدو زیرا که اغنیاء محل
مصرف صدقه نیستند و اگر فقرا و اقارب محتاجا را بخوراند از نذر او می شود
و اصول فروع و زوج و زوج را و زوج زوجه را هم میده و همچنین بپن
باشم هم صدقه و نذر او دین نیست چنانچه زکوة و اذن ایشان را
دین نیست چنانچه از کتاب بحواله و غیره معلوم می شود فی الجمله
بخورد دفع الزکوة إلى إبيه وجده وإن علا ولا إلى ولده و
ولده ولده وإن سفل لأن المنفعة لم ينقطع عن المالك
من كل وجه وفيه إشارة وإلى أن هذا الحكم لا

[illegible][illegible]

يُخْتَصُّ الزَّكَاةُ بِكُلِّ صَدَقَةٍ وَاجِبَةٍ لَا يَجُوزُ دَفْعُهَا لَهُمْ
إِنْتَهَى وَفِيهَا أَيْضًا وَقِيَّةٌ بِالزَّكَاةِ لِأَنَّ النَّقْلَ يَجُوزُ لِلْغَنِيِّ
كَأَلِهَا سَبِيٍّ وَالصَّدَقَاتُ الْمَقْرُوضَةُ وَالْوَلَجَةُ كَالْعُسْرِ
وَالْكِفَارَاتِ وَالنَّذُورِ وَصَدَقَةُ الْفِطْرِ لَا يَجُوزُ صَرْفُهَا
لِلْغَنِيِّ لِعُمُومِ قَوْلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تَحِلُّ الصَّدَقَةُ لِلْغَنِيِّ وَ
أَخْرَجَ النَّقْلَ مِنْهَا لِأَنَّ الصَّدَقَةَ عَلَى الْغَنِيِّ حَبْلَةٌ إِنَّهُ
وَهَكَذَا لِحَالِ الْمَاسِيحِيِّ فَإِنَّ الصَّدَقَةَ الْمَقْرُوضَةَ وَالْوَلَجَةَ
كَالزَّكَاةِ وَالنَّذُورِ وَالْكِفَارَاتِ لَا يَجُوزُ دَفْعُهَا إِلَيْهِمْ هَكَذَا
فِي الْبَحْثِ الرَّائِقِ سَوَالُ بِنِجَاهٍ وَيَكْمُ خُورُونِ طَعَامُ عُرْ

این طعام مرفصلا و علما و اکابر اکروده است انتہی و اگر برای نام و
تغایر بپزید پس خوردن آن طعام ہم ممنوع است کما جأ فی الحدیث
نهی عن طعام المتبایین کذا فی مشکوٰۃ و اگر محض برای اصال
ثواب بار و اح ایشان بخورند پس فقیر را باید خوراندن لیکن در خوردن
فقراء صاحبین ثواب زیاده تر خواهد شد و اگر بطریق ضیافت بزند
پس اغنیاء و فقراء و در اراد باشد چنانچه شیخ عبدالحق در جامع
البرکات می نویسد و طعامیکہ بہ نیت صدقہ بر فقراء از اموات
ببزند تا ثواب آن با ایشان برسد جز فقیر را رو این بود چه صدقہ
فقراء می باشد و هدیه مراغیاریا و آنچه بہ نیت ضیافت مسکین طلب
کنند هر کہ باشد خواه غنی باشد خواه فقیر چنانچه در اعراض مشایخ در
دیار ما متعارف است عام باشد مرفقرا و اعتبار او لابد آنچه فقراء و محتاجان
بخورند مورت ثواب خواهد بود و آنچه غیر فقراء خوردند نیز موجب رحمت
خواهد شد مگر آنچه ظالم بخوراند کہ بقولی کہ از ان طعام در بدن او
حاصل کرد و ستم بر مردم کنند انتہی **سوال پنجاه و دوم**
مفهوم بدعت چه است **جواب** مفهوم بدعت نوشتہ اند
فی البحر الزاخر و الا نذکر و الیدعاه ما للحدیث علی خلاف
الحق المتفق عن رسول الله من علم او عمل او حال یقوع

[illegible]

۱۲

شود و در غایت
 بهشت در آن
 برای وی ملک
 دانات کند و از
 سخن نبیند و در
 بهشت در غایت
 نبیند و در غایت
 سخن نبیند و در
 که عادت کند
 به غایت و در
 می شود و در
 است که در غایت
 و در غایت
 غایت از غایت
 ۱۲

[illegible]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَجَعَلَ دِينًا قَوْمًا صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا وَفِي
الْبَيْدَةِ كُنَّا كَانَتْ فَخْرًا عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ سَابِقٍ وَمِنْهُ بَدِيعُ
الْأَسْمَاءِ وَالْأَرْضِ أَيْ مُوَحِّدُهُمَا عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ سَابِقٍ
وَسَرَّ مَا أُحْدِثَ عَلَى خِلَافِ أَمْرِ الشَّارِعِ وَدَلِيلِهِ الْخَاصُّ
الْعَامِ أَيْ فِي شَرْحِ الْمَشْكُوتَةِ لِلْعَامِ نَاقِلًا عَنِ التَّوَوُّيِّ
الْبَيْدَةِ فِي الشَّرِّحِ لِحَدَّثَاتِ مَا لَمْ يَكُنْ فِي عَمْدِ رَسُولِ اللَّهِ
هَكَذَا فِي حَاشِيَةِ السَّيِّدِ عَلَى الْمَشْكُوتَةِ أَيْ فِي شَرْحِ
لِلْبَغَوِيِّ الْبَيْدَةِ مَا أُحْدِثَ عَلَى غَيْرِ قِيَاسٍ أَصْلٍ مِنْ أَصْلٍ

[illegible]

و تركب سيمه اگر بدعت بحد كفر رسیده چنانکه در ان احوال ضروریات
 دین باشد پس تركب آن كافست و اگر بحد كفر رسیده پس تركب آن كافست
 في العالم الذرية يجوز الصلوة خلف صاحب هوى و بدعة
 ولا يجوز خلف الرافضى و الجهمي و القدرى و المشبهة
 و من يقول بخلق القرآن و حاصلة ان كان هو لا
 يكفر به صاحب الجوز الصلوة خلفه مع الكراهة
 و الا فلا انتهى و في بحر الرائق و اطلع المنيص في المبتدع
 فتأمل كل مبتدع هو من اهل قبلتنا و قيد في المحيط
 و الخلاصة و الجمعي و غيرها يان لا يكون بدعة
 مكفرة فان كانت مكفرة فالصلوة خلفه لا يجوز
 عبارة الخلاصة هكذا و في الصلوة الاقدا باهل
 الاهواء الا الجهمي و القدرية و الرافض الغالى و من
 يقول بخلق القرآن و الخطابية و المشبهة و جعلته
 ان من كان من اهل قبلتنا لم يعمل في هواه حتى
 يحكم بكفره يجوز الصلوة خلفه و تكره انتهى
 سوال پنجاه و هفتم احاديثيكه در ان وعيد بر تركب سيمه
 واردهست كه نماز فرض و نفل مقبول نيست آن كدام بدعت

۸
 و تركب سيمه اگر بدعت بحد كفر رسیده چنانکه در ان احوال ضروریات
 دین باشد پس تركب آن كافست و اگر بحد كفر رسیده پس تركب آن كافست
 في العالم الذرية يجوز الصلوة خلف صاحب هوى و بدعة
 ولا يجوز خلف الرافضى و الجهمي و القدرى و المشبهة
 و من يقول بخلق القرآن و حاصلة ان كان هو لا
 يكفر به صاحب الجوز الصلوة خلفه مع الكراهة
 و الا فلا انتهى و في بحر الرائق و اطلع المنيص في المبتدع
 فتأمل كل مبتدع هو من اهل قبلتنا و قيد في المحيط
 و الخلاصة و الجمعي و غيرها يان لا يكون بدعة
 مكفرة فان كانت مكفرة فالصلوة خلفه لا يجوز
 عبارة الخلاصة هكذا و في الصلوة الاقدا باهل
 الاهواء الا الجهمي و القدرية و الرافض الغالى و من
 يقول بخلق القرآن و الخطابية و المشبهة و جعلته
 ان من كان من اهل قبلتنا لم يعمل في هواه حتى
 يحكم بكفره يجوز الصلوة خلفه و تكره انتهى
 سوال پنجاه و هفتم احاديثيكه در ان وعيد بر تركب سيمه
 واردهست كه نماز فرض و نفل مقبول نيست آن كدام بدعت

سینه است جواب آن بدعت سینه است که بحد کفر رسیده باشد
 زیرا که نزد اهل سنت حیط اعمال با کمال سوای کفر و ارتداد نمیشود
 چنانچه در کتب کلام مذکور است و در بعضی روایات که حیط اعمال از بعضی
 افعال مروی شده مراد از آن نقصان ثواب است نزد اهل سنت سوای
 پنجاه و هشتم مکتب بدعت سینه مذکور نماز فرض خوله خود را و
 کند یا نه جواب بعد توبه اعاده نکند اگر چه بدعت بحد کفر رسیده باشد
 زیرا که اعاده نماز حالت کفر لازم نمی آید و اگر بدعت بحد کفر رسیده است
 پیش از او در شش و قضا بر ولازم نیست سوال پنجاه و نهم
 بدعت نه محمد و دست بوقت من الاوقات یا غیر محمد و الی یوم
 الیقین جواب غیر محمد و دست ^{بوقت از اوقات} عنده القابل بتقسیمها ^{نزدیک قابل بتقسیم او} بحد
 من سنه سنه الی آخره سوال شصتم بدعت سینه
 محمد و دست یا غیر محمد و دست جواب غیر محمد و دست بحد
 سن سنه الی آخره سوال شصت و یکم مذاهب
 اربعه بدعت نه اندیاسیه که ام سینه جواب اتباع سایل مذاهب
 اربعه نیست نه سینه حسنه بلکه اتباع آنها سنت است زیرا که اختلاف در
 مذاهب بعد از اختلاف صحابه است و در قضا اختلاف صحابه حدیث ^{احکام}
 کالتحکم یا التیمم اقتدایتم ای تکیتم و اردست یا اختلاف مذاهب

اختلاف قیاس است و حجت قیاس مخصوص ثابت است پس اتباع نص است
 و نیز اختلاف دین مذاهب بجهت اختلاف ظاهر حدیث و اعتبار حدیث است بعضی
 بظاهر حدیث تمسک می کنند و بعضی عمل باستنباط حدیث چنانچه حدیث
 در صحیح بخاری و مسلم و غیره مذکور است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم وقتیکه مردان
 بسوی بنی قریظ فرستادند که لا یصلان احد صلوٰۃ العصر الا فی بنی
 قریظ ^{نخواته که نماز عصر مگر در بنی قریظ} بعضی مردان در طریق نماز عصر خواندند بنا بر آنکه آنحضرت صلی
 الله علیه و سلم را منظور بود که در رفتن تاخیر نکنند نه آنکه نماز را فوت از
 وقت کنند و بعضی بموجب ظاهر لفظ حدیث در طریق خواندند تا اینکه در
 بنی قریظ رسیدند و وقتیکه آنحضرت صلی الله علیه و سلم شنیدند بران انکار فرمود
 پس عمل مرد و طور جائز شد همین طور است اختلاف مذاهب اربعه پس
 چگونه بدعت خواهد بود **سوال شصت و دوم** مقلدان
 بدعتی گویند یا نه **جواب** هرگز مقلد ایشان را بدعتی نخواهند گفت زیرا که تقلید
 ایشان تقلید حدیث شریف است باعتبار الظاهر او الباطن پس تسبیح حدیث
 را بدعتی گفتن ضلال و موجب نکال است **سوال شصت و سوم**
 بر تقدیر بدعتی گفتن نماز و نقل ایشان مقبول شد یا نه **جواب**
 بدعتی گفتن زائل شد پس آنچه بران مرتب بوده ان هم مثل ما به منثور
 گردید **سوال شصت و چهارم** بر تقدیر عدم مقبول نماز

[illegible]

فرض فضل ایشان تعلید باید گذشت یا نه **جواب** نماز فرض و فضل چرا قبول نشود و تعلید چرا گذشته شود که تعلید ایشان تعلید سنت

است سوال شصت و پنجم تبیین که برای شمارید از عدد

حسبہ ایسی جواب اگر منظور ہے تب شیخ تہذیبیات و ادکار

است و ریاضت پس مشق آن لا باس است لا باس بلتجاده منجبه

بَعْدَ بَيِّنَاتٍ كَمَا فِي الدِّينِ الْمُخْتَارِ هَكَذَا فِي الْجَزْرِ الرَّابِعِ سَوَالٌ

شصت و هشتم سنت فجر وقت تکبیر و شروع امام در نماز اگر

ظن غالب باشد که در رکوع رکعت دوم مع امام شریکیم اهم شد بگذارد و جایز است

است یا گناه که آدم گناه یابد عیب نه بایستی جواب نرود حقیقت

فجر در صورت مذکور گذاردن جایز است لیکن بعد از نصف نزدیک

در وازه مسجد چنانچه در فتاوی عالمگیری و دیگر کتب مرقوم است و فی

الْعَالَمِ كَثِيرَةٌ وَمَنْ لَمْ يَأْتِ إِلَى الْإِمَامِ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ وَهُوَ لَمْ

يُصَلِّ رَكْعَتِي الْفَجْرِ إِنْ خَشِيَ أَنْ يَقُوتَهُ رَكْعَةٌ وَيَذُرْكَ

الأخرى يصلي ركعتي الفجر عند باب المسجد، يدخل و

خَشِيَ فَوَهِدَا دَخَلَ مَعَ الْأَمَامِ كَذَا فِي الْهَدَايَةِ أَنْتَى سَوَالِ

شصت و نهم سج کردن در وضو نماز یا غیره استحب است ایستادن

جواب سنجیدگی شما در متون تدریس مؤلف و فی الکلی و مستحب الله

[illegible]

است بدان فرم کتب نه
نخوه حضرت و معانی در بیان و تفسیر
تا آخر ۱۲ **ع** گفت از قضا
شما بخاری در بیان حال ای کاش
کاوه اول کسی است که تمام شود در حق
بعید می آیند ای طالب غم نشین
تسلطانی و در بضاعت گفت
رضی الله عنه لازم گرفتار و در
خود را که در تفسیر از حق خود
دیوانه مانده و فرمود شعر عاید
بزرگده دیدم

فِي كِتَابِ الْوَقْفِ وَالْإِبْدَاءِ وَأَبْنُ عَسَاكِرَ تَارِيخَهُ عَنْ ابْنِ ابْنِ
 مُلَيْكَةَ قَالَ أَمْرُ ابْنِ الْحَطَّابِ أَنْ لَا يُقَرَّ النَّاسُ إِلَّا عَالِمٌ
 بِاللُّغَةِ وَأَمْرُ الْأَسْوَدِ يَوْضِعُ الْحَقَّ سَوَالِ شَصْتِ
 وَهَمْزٌ عِلْمُ فِقْهٍ بِدَعْتِ نَهْ اسْتِثْنَاءُ جَوَابِ عِلْمِ فِقْهٍ
 ثَابِتٌ فِي حَدِيثِ أَصْرَاحَةٍ يَا اسْتِثْنَاءُ زِيرَكَ مَسْأَلُ فِقْهٍ بِمَنْصُوبِ
 أَنْزَلَ كِتَابَ يَدِ حَدِيثِ يَسْتِثْنَاءُ كِتَابِ الْمَدِيحَةِ رِسَالِ الْمَدِيحِ
 بِدَعْتِ نَحْوِ اسْتِثْنَاءُ كَيْفَ قَائِلُ بِتَقْسِيمِ عِبْتِ الْمَدِيحِ عِلْمُ فِقْهٍ بِمَنْصُوبِ
 مَخْصُوصِ الزَّيْلِ بِدَعْتِ يَدِ اسْتِثْنَاءُ عِلْمُ فِقْهٍ سَوَالِ هَفْتَادِ
 وَبِكَرِ عِلْمِ كَيْفَ عِلْمُ حَدِيثِ وَقَرَأَ بِدَعْتِ نَهْ اسْتِثْنَاءُ جَوَابِ ابْنِ
 سَوَالِ رَاسْمُونِ جَوَابِ اسْتِثْنَاءُ سَوَالِ شَصْتِ وَتَمَّ كُنْثَ عِلْمِ بِمَنْصُوبِ
 حَدِيثِ وَقَرَأَ اسْتِثْنَاءُ عِلْمِ أَوْ كَيْفَ نَحْوِ وَصَرَفَ اسْتِثْنَاءُ سَوَالِ هَفْتَادِ
 وَبِكَرِ عِلْمِ كَلَامِ بِدَعْتِ نَهْ اسْتِثْنَاءُ جَوَابِ عِلْمِ كَلَامِ كَيْفَ عِبَارَتِ
 الزَّيْلِ عِلْمِ تَوْحِيدِ وَرِسَالَتِ مَعَادٍ وَغَيْرِهِ بِبَيَانِ دَلِيلِ اسْتِثْنَاءُ
 اسْتِثْنَاءُ كِتَابِ وَصْنِ ابْنِ عِلْمِ كَلَامِ بِبَيَانِ عِبَارَتِ بِدَعْتِ نَهْ عِلْمِ كَلَامِ
 كَيْفَ مَتَاخِرِينَ بِمَتَلِجِ فِلْسَفِيَّاتِ بَيَانِ كَيْفَ يَسْتِثْنَاءُ ابْنِ ابْنِ عِلْمِ بِمَنْصُوبِ
 اسْتِثْنَاءُ جَوَابِ دَرْجِ مَلْعَلِي قَارِي كَيْفَ بِرَفْقَةِ الْكَلَامِ عِلْمِ اسْتِثْنَاءُ مَرْقُومِ اسْتِثْنَاءُ
 هَكَذَا عِبَارَتُهُ سَمَّ لَمَّا نَقَلْتِ الْفِلْسَفَةَ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ وَخَاصَّ

[illegible]

الطَّبَقَةُ الْإِسْلَامِيَّةُ حَاوَلُوا الرَّدَّ عَلَى الْفَلَسَفَةِ وَالْحُكَمَاءِ
 الطَّبِيعِيَّةِ فِيهَا خَالَفُوا فِيهَا الشَّرِيعَةَ الْحَقِيقَةَ فَخَلَطُوا الْعِلْمَ
 الْكَلَامَ كَثِيرًا مِنَ الْفَلَسَفَةِ فِي مَقَامِ الْمَرْءِ لِيَتَحَقَّقُوا مَقَاصِدَهَا
 فَيَتَمَكَّنُوا مِنْ إِطْلَاقِهَا وَرَدِّهَا وَهَلَكُمْ جَرًّا إِلَى أَنْ أَدْرَجُوا فِيهِ
 مُعْظَمَ الطَّبَقَاتِ وَالْإِلَهِيَّاتِ وَالرَّايِسِيَّاتِ حَتَّى كَادَ
 لَا يَبْقَى مِنْ عِزِّ الْفَلَسَفِيَّاتِ لَوْلَا اسْتِثْنَاؤُهُ عَنِ السَّهْجِيَّاتِ
 فَصَارَ بِهَذَا الْأَعْتِبَارِ مَنْ مَوَّاعِنَهُ الْعُلَمَاءُ بِالْكَفَالَةِ
 وَالسُّنَّةِ الَّتِي يَرْتَكِبُ فِيهِمَا فِي أَمْرِ الدِّينِ مِنَ التَّقْلِيدِ
 وَالتَّعْلِيلِ اسْتَنْتَى سَوَالُ هَفْتَادُودِ وَيَمُزُّ
 الْفَاطِ وَرَأَى وَحَدِيثَ كَمَا أُمِرَ حَدِيثُ وَرَأَى كَرْدَهُ أَنْزَلَ بَدْعَتْ حَسْبَهُ يَسِيرُهُ
جَوَابُ تَفْسِيرِ الْفَاطِ وَرَأَى وَحَدِيثَ كَمَا أُمِرَ حَدِيثُ وَرَأَى كَرْدَهُ أَنْزَلَ بَدْعَتْ حَسْبَهُ يَسِيرُهُ
 أَنْ بَدْعَتْ بِمَوْجِبِ حَدِيثٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 أَعْرَبُوا الْقُرْآنَ وَاتَّبِعُوا غَرَائِبَهُ وَغَرَائِبُهُ فَرَأَيْتُهُ وَحَدَّثَهُ
 تَكْمَلًا فِي الْمَشْكُوتِ وَقَالَ السَّيِّخُ عَبْدُ الْحَيِّ وَالسَّيِّدُ فِي شَرْحِهِ
 بَيَّنُّوا مَا فِي الْقُرْآنِ مِنْ غَرَائِبِ اللُّغَةِ وَبَدَائِعِ الْأَعْرَابِ
 وَأَظْهَرُوا أَمْعَانِيَهُ سَوَالُ هَفْتَادُودِ وَيَمُزُّ
 عَلَامَةُ مَثَلِ فَرْضِ وَوَأَجِبَ سُنَّتِ وَسُجِّجَ وَمَسَاحُ وَخَبَرَتْهُ أَرْزُومُ وَغَيْرُ ذَلِكَ مِنْ بَدْعَاتِ

الطَّبَقَةُ الْإِسْلَامِيَّةُ حَاوَلُوا الرَّدَّ عَلَى الْفَلَسَفَةِ وَالْحُكَمَاءِ
 الطَّبِيعِيَّةِ فِيهَا خَالَفُوا فِيهَا الشَّرِيعَةَ الْحَقِيقَةَ فَخَلَطُوا الْعِلْمَ
 الْكَلَامَ كَثِيرًا مِنَ الْفَلَسَفَةِ فِي مَقَامِ الْمَرْءِ لِيَتَحَقَّقُوا مَقَاصِدَهَا
 فَيَتَمَكَّنُوا مِنْ إِطْلَاقِهَا وَرَدِّهَا وَهَلَكُمْ جَرًّا إِلَى أَنْ أَدْرَجُوا فِيهِ
 مُعْظَمَ الطَّبَقَاتِ وَالْإِلَهِيَّاتِ وَالرَّايِسِيَّاتِ حَتَّى كَادَ
 لَا يَبْقَى مِنْ عِزِّ الْفَلَسَفِيَّاتِ لَوْلَا اسْتِثْنَاؤُهُ عَنِ السَّهْجِيَّاتِ
 فَصَارَ بِهَذَا الْأَعْتِبَارِ مَنْ مَوَّاعِنَهُ الْعُلَمَاءُ بِالْكَفَالَةِ
 وَالسُّنَّةِ الَّتِي يَرْتَكِبُ فِيهِمَا فِي أَمْرِ الدِّينِ مِنَ التَّقْلِيدِ
 وَالتَّعْلِيلِ اسْتَنْتَى سَوَالُ هَفْتَادُودِ وَيَمُزُّ
 الْفَاطِ وَرَأَى وَحَدِيثَ كَمَا أُمِرَ حَدِيثُ وَرَأَى كَرْدَهُ أَنْزَلَ بَدْعَتْ حَسْبَهُ يَسِيرُهُ
جَوَابُ تَفْسِيرِ الْفَاطِ وَرَأَى وَحَدِيثَ كَمَا أُمِرَ حَدِيثُ وَرَأَى كَرْدَهُ أَنْزَلَ بَدْعَتْ حَسْبَهُ يَسِيرُهُ
 أَنْ بَدْعَتْ بِمَوْجِبِ حَدِيثٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 أَعْرَبُوا الْقُرْآنَ وَاتَّبِعُوا غَرَائِبَهُ وَغَرَائِبُهُ فَرَأَيْتُهُ وَحَدَّثَهُ
 تَكْمَلًا فِي الْمَشْكُوتِ وَقَالَ السَّيِّخُ عَبْدُ الْحَيِّ وَالسَّيِّدُ فِي شَرْحِهِ
 بَيَّنُّوا مَا فِي الْقُرْآنِ مِنْ غَرَائِبِ اللُّغَةِ وَبَدَائِعِ الْأَعْرَابِ
 وَأَظْهَرُوا أَمْعَانِيَهُ سَوَالُ هَفْتَادُودِ وَيَمُزُّ
 عَلَامَةُ مَثَلِ فَرْضِ وَوَأَجِبَ سُنَّتِ وَسُجِّجَ وَمَسَاحُ وَخَبَرَتْهُ أَرْزُومُ وَغَيْرُ ذَلِكَ مِنْ بَدْعَاتِ

بنام از
مطلقات ثانیه
است یعنی
تورودن و
اشکالین
و علی کون
تا غرض بقدر
بایت
کنت قاری
در این فقه
که بر مشکوآت
که در این فقه
بهرست
از ذکر علی
نام شد
مضمون شرح
مشکوآت عالی
قاری ۱۲

یاسیه جواب تعریفات علماء مثل فرض و غیره ماخوذ از کتاب سنت
است مثلاً تعریف وزه از کلام الله و حدیث استنباط فرموده اند معنی صوم
در لغت مطلق اساک است و در شرع اساک عَنِ الْمُفْطَلَاتِ الثَّلَاثَةِ
مِنَ الصَّبْحِ إِلَى غُرُوبِ الشَّمْسِ مَعَ النَّبَةِ است و همچنین اشاره
به تعریفات الفاظ مصطلحه در شرع حضرت صلی الله علیه و سلم فرموده
چنانچه معنی اسلام و ایمان و احسان همین فرموده اند و از تتبع احادیث
معلوم می شود که معنی اصطلاحات شرعیه صریحاً یا کجاست و بعضی اشاره
غرض که تعریفات مصطلحه فقه بدعتیست که ماخوذ از کتاب سنت است پس
چیزیکه مجتهدین و علماء سابقین استنباط فرموده باشند او را بدعت نمی گویند
گفت معنی تعریفات مثل فرض و غیره و مثل خبر متواتره و غیره اجماع منعقد
گشته که در زمان سلف و حلف کسی انکار نکرده پس او را بدعت نباید شمرد
سوال هفتاد و چهارم ذکر خفی در شرع جائز است یا
نه گناه که ام گناه جواب ذکر خفی یعنی الله تعالی را بخیفیه ذکر کردن
جائز است و افضل عبادت است در شرع چه فضایل و ذکر خدا تعالی در
احادیث بسیارست خصوصاً ضائل ذکر خفی قَالَ الْقَارِي فِي شَرْحِهِ لِلْمَشْكُوتِ
الذِّكْرُ الْخَفِيُّ خَيْرٌ مِنَ الذِّكْرِ الْجَلِيِّ انتهى سوال هفتاد و پنجم
ذکر بجه در شرع جائز است یا گناه که ام گناه جواب ذکر بجه در

خَيْرُ الدِّكْرِ الْخَفِيُّ يَقْتَصِرُ فِيهِ عَلَى مَوْرِدِ الشَّرْعِ وَقَدْ وَرَدَ
فِي الْأَخْفَى كَذَلِكَ رِسَالَةٌ مُحَمَّدٍ عَائِدٍ الْأَسَدِيِّ الْأَضَارِ

و آنچه در بعضی احادیث ذکر جهت ثابت شده بغیر مواضع مقررین بر تعلیم است
چنانچه در شرح مشکوٰۃ ملا علی قاری تصریح کرده است مَنْ شَاءَ فَلْيَنْظُرْ

سوال ہفتاد و ششم مراقبہ در شرع چه حکم دارد و جایز یا کما

لذا مکنایه جواب مراقبه که عبارت از تفکر نمودن در صفات مانند

علم و قدرت و رحمت و احاطه است جایز و مستحسن چنانچه در کتاب تجرید

بالنعمه که از تصنیفات حضرت شاه ولی الله المحدث قدس الله

مشرقومست هكڏا عبادتہ تفكر في صفات الله تعالى

كَالْعِلْمِ وَالْقُدْرَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْإِحَاطَةِ هُوَ الْمَعْبَرُ عَنْهُ

هَلِ السُّلُوكُ بِالْمُرَاقَبَةِ وَالْأَصْلُ فِيهِ قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سَمِعْنَاكَ إِحْسَانًا أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَمَا نَزَّلَتْهُ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ

وَاللهُ يَرْكَ وَقَوْلُهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحْفِظْ

لله بحمدله بجاهك وصنعته من اطاق ذلك ان

فَقُلْ هُوَ مَعَكُمْ أَيَّامًا تُنْفَتِحُ وَقَوْلُهُ تَعَالَى وَمَا تَلُوتُ

فِي سَائِرِ وَمَا سَلَوْنَاهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا نَعْمُونَ مِنْ عَمَلٍ

لَا تَنَا عَلِيمٌ سَمْعًا | إِذْ لَقِيتُوهُ فِيهِ وَمَا نَعِيبٌ

[illegible]

ان یقینی فکر کرد و از دست او در دست
این را آفرست و او را بر سر آفرینش
ان این است و او را بر سر آفرینش
قول او قائل است و منی با منی
و منی خوالی هم آفرینی را از طرف خدا آورده
و منی کشید و کار می کشید و منی کشید
چون در منی آیند و در کار می کشید
نی شود

احاجت ثابت شده در کتب احادیث مذکور مرقوم است پس
 اذان دادن برای این امور مذکوره و معتقد سنت این شدن
 غیر جایز است و اعتقاد نمودن غیر سنت را سنت موجب
 بزه کاریست و الله اعلم **سوال هشتم و دوم**

مصلی که بران امام ایستاده نماز جنازه می کند چه حکم دارد
 جایز یا گناه کدام گناه **جواب** اگر مصلی را ائمه تجتهد و تکفیر
 می عیبها و کند یا اعتقاد نماید که بدون آن نماز جایز نمی شود یا می
 شود و لیکن بران ایستاده نماز کند اذن موجب یا دینی ثوابت یا سنت
 پیغمبر است صلی الله علیه و آله و سلم و اذان سبب خیر نماز نمودن جنازه که
 مأمور به تحصیل است باین جهت غیر جایز خواهد شد و اگر برای دفع نجاست
 مکان بساط انداخته نماز گذارند پس این جایز خواهد شد لیکن تمام به
 طیار کردن مصلی نباید ساخت زیرا که هر مباح که از کردن آن جهال اعتقاد
 سنت یا وجوب آن کنند آن مباح را کردن مکروه و **وَفِي الْعَالَمِ الْكَثِيرَةِ**
وَأَمَّا إِذَا اسْتَجَدَّ يَغْنِي سَبَبٌ فَلَيْسَ بِفَرْجَةٍ وَلَا مَكْرُوهٍ وَمَا
يُفْعَلُ عَقِبَ الصَّلَاةِ مَكْرُوهٌ لَا لِكَأَنَّهُ لِحَالٍ يَعْتَقِدُونَ هَذَا
سُنَّةٌ وَوَاجِبَةٌ وَكُلُّ مُبْلَغٍ يُؤَدِّي إِلَيْهِ مَكْرُوهٌ أَنْتَوُا
 لهذا در کتب فقهیه در کتاب این نماز ذکر کرده اند **سوال هشتم**

۹۹
 و اگر برای دفع نجاست
 مکان بساط انداخته نماز گذارند پس این جایز خواهد شد لیکن تمام به
 طیار کردن مصلی نباید ساخت زیرا که هر مباح که از کردن آن جهال اعتقاد
 سنت یا وجوب آن کنند آن مباح را کردن مکروه و
 وَاَمَّا إِذَا اسْتَجَدَّ يَغْنِي سَبَبٌ فَلَيْسَ بِفَرْجَةٍ وَلَا مَكْرُوهٍ وَمَا
 يُفْعَلُ عَقِبَ الصَّلَاةِ مَكْرُوهٌ لَا لِكَأَنَّهُ لِحَالٍ يَعْتَقِدُونَ هَذَا
 سُنَّةٌ وَوَاجِبَةٌ وَكُلُّ مُبْلَغٍ يُؤَدِّي إِلَيْهِ مَكْرُوهٌ أَنْتَوُا

سوم حافظان را که بر قرت نند چه حکم دارد و جایز یا کنه کدام کنه **جواب**
 حافظان را برای قرات قرآن نشاندن نزد قبر دین مسلک علماء اخلاف
 است مختار بهین است که جائز است بشرطیکه با و از بلند جمعه و فرائض
 فی الدن الخمار ولا یکنه لجلوس القاریت عند القبر هو
 الخمار انتهى و فی نصاب الاحتساب ان تختم القرآن
 سجدا بالجمعة و یسمی بالقاریتیه سبیه خاند
 مکره انتهى و فی خزانة الروایات و فی الشاهان اجرة
 القرآن مثل ان یستاجر سجلا لیکر القرآن علی راس القبر
 قبل هذه القراءة لا یستحبه الثواب لامیت ولا قار
 انتهى **سوال هشتم و چهارم** روزیم
 که حافظان را صاحب خانه و نمک یا کم زیاده میدهد یا طعام خوراند
 عوض قرات جائز یا کنه کدام کنه **سوال هشتم**
و پنجم مقرر کردن حافظی بر وی سه ختم قرآن یا چهار چه حکم دارد
 جائز یا کنه کدام کنه **جواب** هر دو سوال این است که اصل قاعده
 فقهاست که اجرت دادن و گرفتن بر طاعت جائز نیست در صورت
 مقرر کردن حافظی بر وی سه ختم قرآن صریح اجرت مقرر کردن است و در صورت
 عدم مقرر کردن و او را بعضی قرآن و ادون شبیه اجرت و از حدیث

در قرات و در وقت
 نیست نشاندن قاریت
 نزد قبر دین مسلک
 علماء اخلاف است
 مختار بهین است که
 جائز است بشرطیکه
 با و از بلند جمعه و
 فرائض فی الدن
 الخمار ولا یکنه
 لجلوس القاریت
 عند القبر هو الخمار
 انتهى و فی نصاب
 الاحتساب ان تختم
 القرآن سجدا بالجمعة
 و یسمی بالقاریتیه
 سبیه خاند مکره
 انتهى و فی خزانة
 الروایات و فی
 الشاهان اجرة
 القرآن مثل ان
 یستاجر سجلا لیکر
 القرآن علی راس
 القبر قبل هذه
 القراءة لا یستحبه
 الثواب لامیت ولا
 قار انتهى **سوال**
هشتم و چهارم
 روزیم که حافظان
 را صاحب خانه و
 نمک یا کم زیاده
 میدهد یا طعام
 خوراند عوض
 قرات جائز یا
 کنه کدام کنه
سوال هشتم و پنجم
 مقرر کردن حافظی
 بر وی سه ختم
 قرآن یا چهار چه
 حکم دارد جائز
 یا کنه کدام کنه
جواب هر دو سوال
 این است که اصل
 قاعده فقهاست که
 اجرت دادن و
 گرفتن بر طاعت
 جائز نیست در
 صورت مقرر کردن
 حافظی بر وی سه
 ختم قرآن صریح
 اجرت مقرر کردن
 است و در صورت
 عدم مقرر کردن
 و او را بعضی
 قرآن و ادون
 شبیه اجرت و از
 حدیث

صیح معلوم می شود که بقراءت قرآن چیزی نگیرد و سخن رد عام هست که مقبر
 کند یا کند فی شجر الوقایه والاصل عندنا انه لا يجوز الا
 على الطاعات وعلى المعاصي انتهى وفي المشكوة عن
 بریدة رضي الله عنه قال قال رسول الله صلى
 الله عليه وسلم من قرأ القرآن يتأكل به الناس جاء
 يوم القيمة ووجهه عظم ليس عليه عجم رواه البيهقي مؤ
 وعید که در حدیث شریف است معلوم می شود که اجرت کز رفتن بر قرآن و
 خورین عوض آن گناه کبیره است و الله اعلم **سوال هشتم**
و ششم تصور نمودن صورت شیخ در وقت ذکر چه حکم دارد و جایز
 یا گناه کدام گناه **جواب** تصور نمودن صورت شیخ را باین وضع
 که بسبب اطلاق و وسعت اوراق الطلوع می شود و صورت او را بر رخ سازد و
 این نپارد که ارواح شیخ در انوقت حاضر می شوند و میزند که درست
 نیست بلکه کفر است **کما قال الشيخ قحط الدين ابو سعيد ع**
ابن سكين في الحياني المحتفي في رسالة ناوله عن
البرازية وغيرها من كتب الفتاوى من قال
ارواح المشايخ حاضرة تعلم بكفر انتهى و در تفصیل حضرت مولانا
 غشاه عبد الغزیز صاحب قدس المدسسه در مقام تفسیر انواع شرک و غیره

[illegible]

باید نوشت که بیان
 ممکن بود و از طرف
 بنویسند و این چنین
 صلی الله علیه و آله
 از اصحاب و از تابعین
 تابعین و از تابعین و از تابعین
 و چون در آنکه در این
 زیاده از حد است
 یافت و در حد است
 بل که با کمال و در حد
 آن که در حد است
 بلکه در حد است
 چنانکه در حد است
 ۱۰۲

مشرکین نوشته اند نیز حال بر رخ ساختن معلوم شود و عبارت التفسیر
 هکذا چهارم بر ریستان گویند چون مرد بزرگی که بسبب کمال ریاضت
 و مجاهده مستجاب الدعوات و مقبول شفاعت عند الله شده بود
 ازین جهان می گذرد روح او را قوت عظیم و وسعتی بس فخم بهم رسد
 هر که صورت او را بر رخ سازد یا در مکان نشست بر خاست او و
 یا بر کور او سجود و تذلل تمام نماید روح او بسبب وسعت و اطلاق بران
 مطلع شود و در دنیا و آخرت در حق او شفاعت نماید انبی و اگر تصویر
 صورت شیخ بطور رابطه باشد پس معمول بعضی مشایخ است
 و الله اعلم بحقیقه الحال **سوال هشتم و هفتم**
 جواب نامه که بر کفن میت می نویسند چه حکم دارد جایز یا گناه کدام گناه
جواب از فوائد الفوائد معلوم می شود که نباید نوشت عیال
 هکذا یعنی سخن در دعاء اموات افتاده بنده عرض است
 کرد که اینکه بر تربت باقران و دعای می نویسند چگونه است
 فرمود که نمی باید نوشت و بر جامه کفن نیز انستهم و از
 کتاب در مختار جواز معلوم می شود چنانچه در جواب سوال آنده
 مرقوم خواست **سوال هشتم و هشتم**
 بسم الله نوشتن بر جبهه میت چه حکم دارد جایز یا گناه کدام گناه

از کتاب مختار معلوم می شود کتبت علی جمیع المیت اوعمامته
 او کفینه عهدنا ما به یرجی ان یعفر الله للمیت انتهى
 و ازین عبارت مختار معلوم می شود که روایتی در باب نوشتن بر چهره
 میت از فقهای یافته شده و در کتاب دریم الکیس فارسی مرقوم است و
 بنویسند بر پیشانی میت بغیر ادب المیت انتهى **سوال هشتاد و نهم**
وهم لام و موزن مقرر نمودن یا جرت چه حکم دارد جایز یا گناه کدام
 گناه **جواب** موافق اصل قاعده در روایت فقهای متقدمین
 غیر جایز است و بعضی علماء متأخرین تجویز نموده بجواز آن فتوی
 داده و فی الهدایة قال لا یجوز الاستیجاره علی
 الاذان والنج وکذا الامامة و تعلیه القرآن
 والفقه و الاصل ان کل طاعة یختص بها
 المسلم لا یجوز الاستیجاره علیه عندنا و قال
 الشافعی رح یصح فی کل ما لا یتعین
 علی الامحی لان الاستیجاره علی عمل
 معلوم غیر متعین علیه فیجوز و لنا قوله
 علیه الصلوة والسلام افتراء و القرآن و
 لا ناکلوا به و فی الخبر ما عهد رسول الله صلی الله علیه و سلم

۲
 در این کتاب در باب نوشتن بر چهره میت از فقهای یافته شده و در کتاب دریم الکیس فارسی مرقوم است و بنویسند بر پیشانی میت بغیر ادب المیت انتهى سوال هشتاد و نهم و هم لام و موزن مقرر نمودن یا جرت چه حکم دارد جایز یا گناه کدام گناه جواب موافق اصل قاعده در روایت فقهای متقدمین غیر جایز است و بعضی علماء متأخرین تجویز نموده بجواز آن فتوی داده و فی الهدایة قال لا یجوز الاستیجاره علی الاذان والنج وکذا الامامة و تعلیه القرآن والفقه و الاصل ان کل طاعة یختص بها المسلم لا یجوز الاستیجاره علیه عندنا و قال الشافعی رح یصح فی کل ما لا یتعین علی الامحی لان الاستیجاره علی عمل معلوم غیر متعین علیه فیجوز و لنا قوله علیه الصلوة والسلام افتراء و القرآن و لا ناکلوا به و فی الخبر ما عهد رسول الله صلی الله علیه و سلم

مکر اصرار و تآکید بر مندوب نمودن باین حیثیت که گاهی ترک کند پس نصیب
 شیطانست چنانچه ملا علی قاری و طیبی رسید در شرح مشکوٰۃ سخت این حدیث
 لَا يَجْعَلُ لِلشَّيْطَانِ شَيْئًا مِنْ صَلَواتِهِ يَنْهَى أَنْ حَقًّا
 عَلَيْهِ أَنْ لَا يَصْرِفَ إِلَّا عَنْ عَمَلِهِ مِيلًا يَسِيرًا
 مَنْ أَصْرَعَ عَلَى أَمْرٍ مَذْذُوبٍ وَجَعَلَهُ عَزَمًا وَلَمْ يَعْمَلْ
 بِالْخُصَّةِ فَقَدْ أَصَابَ مِنْهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْأَضْدَالِ
 فَكَيْفَ مَنْ أَصْرَعَ عَلَى بِدْعَةٍ وَمُنْكَرٍ أَنْتَى وَاللَّهُ عَظِيمٌ فَالِدُهُ
 در بیان حقیقت کبیره و صغیره است اما تعریف کبیره این است که کبیره بزرگتر است
 و عید بران باشد یا عذاب سخت در قرآن شریف یا در حدیث صحیح
 که معروف نزدیک محدثان باشد یا مکتب انرا در حدیث کافر گفته باشد
 یا بر مکتب آن در شرع حدیثی مقرر کرده باشد یا مفیده گناه یا بر این
 از گناه آن منصوصه باشد انرا کبیره گویند و گناه صغیره آنست هر
 چیزی که در شرع نبی از آن آمده باشد یا خلاف شروع شود یا طریقه
 مأموره که در دین مستتر شود گناه کمال فی قول الجحیل عِبَارَةُ
 هَكَذَا وَ الْحَقُّ أَنَّ الْكَبِيرَةَ كُلَّ ذَنْبٍ أَوْ عَدَّ عَلَيْهِ بِالتَّارِ وَ
 الْعَذَابِ الشَّدِيدِ فِي الْقُرْآنِ أَوِ السُّنَّةِ الصَّحِيحَةِ الْمَعْرُوفَةِ

۲
 در بیان حقیقت کبیره و صغیره است اما تعریف کبیره این است که کبیره بزرگتر است
 و عید بران باشد یا عذاب سخت در قرآن شریف یا در حدیث صحیح
 که معروف نزدیک محدثان باشد یا مکتب انرا در حدیث کافر گفته باشد
 یا بر مکتب آن در شرع حدیثی مقرر کرده باشد یا مفیده گناه یا بر این
 از گناه آن منصوصه باشد انرا کبیره گویند و گناه صغیره آنست هر
 چیزی که در شرع نبی از آن آمده باشد یا خلاف شروع شود یا طریقه
 مأموره که در دین مستتر شود گناه کمال فی قول الجحیل عِبَارَةُ
 هَكَذَا وَ الْحَقُّ أَنَّ الْكَبِيرَةَ كُلَّ ذَنْبٍ أَوْ عَدَّ عَلَيْهِ بِالتَّارِ وَ
 الْعَذَابِ الشَّدِيدِ فِي الْقُرْآنِ أَوِ السُّنَّةِ الصَّحِيحَةِ الْمَعْرُوفَةِ

مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ فَرَّقَ مَا بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْمُسْلِمِينَ
 الصَّلَاةُ فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ وَشَرَعَ عَلَى مُرْتَكِبِهِ حَدًّا
 الزَّيَّاعِ وَالشَّرْقَاءِ وَقَطَعَ الطَّرِيقَ وَشَرَبَ الْخَمْرَ أَوْ كَانَتْ
 مَسَاقِيَةً أَوْ أَكْثَرَ شَرَّ مِنْ هَذِهِ الْمَذْكُورَاتِ فَنَحْكُمُ
 بِدَاهِيَةِ الْعَقْلِ وَالصَّغِيرَةِ كُلِّ مَا نَهَى عَنْهُ الشَّرْعُ أَوْ
 خَالَفَ مَشْرُوعًا أَوْ رَفَعَ طَرِيقَةً مَأْمُورَةً فِي الدِّينِ إِنَّهُ
خاتمة در بیان سؤالات عشره ملححه سوال
اول مرید را بر جمیع اقوال و افعال بر خود اتباع لازم است یا نه
جواب مرید را اتباع بر جمیع اقوال و افعال بر خود لازم نیست +
 زیرا که مولوی عصمت الدین عظیم سهارنبوری در رساله خود را حضرت
 نصیر الدین چراغ دلهوی قدس سره نقل نموده عبارتاً که هکذا استمضا
 بَعْضُ الثَّقَاةِ نَاقِلًا عَنْ بَعْضِ الْمَلْفُوظَاتِ يَقُولُ
 إِنَّ الشَّيْخَ نَصِيرَ الدِّينِ الَّذِي هُوَ مِنْ أَكْبَرِ خُلَفَاءِ
 سُلْطَانِ الْمَشَائِخِ قَدْ تَرَى اللَّهَ سِرِّهَا كَانَ كَأَنَّهُ تَوَرَّعَ
 وَلَمْ تَسْمَعْ الْغَنَاءَ فَقِيلَ لَهُ إِنَّ شَيْخَكُمْ يَقُولُ
 فَقَالَ لَا يَجِبُ عَلَى الْمُرِيدِ أَنْ يَتَّبِعَ الشَّيْخَ فِي جَمِيعِ الْأَوَاقِلِ
 وَالْأَفْعَالِ وَقَالَ حُذِّمْنَا صِفَاوَدَّعْ مَا كَدَّرَ أَنْتَهَى

تذکره که در این رساله
 در بیان این که مرید را
 در جمیع اوقات و افعال
 بر خود اتباع لازم نیست
 و این را از کلام بزرگان
 دین و علم نقل کرده است
 و در این رساله مرید را
 در جمیع اوقات و افعال
 بر خود اتباع لازم نیست
 و این را از کلام بزرگان
 دین و علم نقل کرده است
 و در این رساله مرید را
 در جمیع اوقات و افعال
 بر خود اتباع لازم نیست
 و این را از کلام بزرگان
 دین و علم نقل کرده است
 و در این رساله مرید را
 در جمیع اوقات و افعال
 بر خود اتباع لازم نیست
 و این را از کلام بزرگان
 دین و علم نقل کرده است

فیس از لفظ خدا صفا و مع ما که معلوم شد که آنچه موافق شرع شریف باشد آنرا اخذ نموده اتباع نمایند و آنچه برخلاف شرع باشد آنرا ترک باید کرد

سوال و پیرمیدان معتقدان پیران و وزیرگان درین تانہ خلاف طریقہ

و رعايتاً منوّه بترکات ایشان مثل آب وضو المدين و جبهه خرقه نیک

بتعظیم و تکریم بسیار بر سر و چشم نهادن و بوسه دادن بهین معامله راجد و

ارادت می بندارند پس برین صورت این قدر معامله در تمام حب کمال اراد

کافیست **جواب** این قدر کافی نیست بلکه اصل محبت و ارادت با پیران

و بزیر کان این است که اتباع اقوال و افعال ایشان که موافق سنت است

پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم باشد کرده باشد و بچرد مالیدن آب وضو

ایشان و خرقہ جہان بان برابر سرخوشم نہادن اتباع و محبت تمام نمی شود

چنانچه از حدیث که مذکور می شود معلوم می گردد **عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي قُرَامٍ**

اِنَّ النَّوْصَةَ لِلّٰهِ عَلَيْهِ سَلَامٌ تَوْصَاؤُهُمْ لِحُكْمِ اَمْرِهِ تَمَسَّرَ

بِوَصْوَيْهِ فَقَالَ لَهُمُ النَّبِيُّ إِنَّ اللَّهَ عَلَيْهِ سَكْرَةٌ فَعَلِمَ أَنَّ هَذِهِ

وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ بِالْأَمْرِ مِنَ النَّاسِ وَالنَّبِيُّ أَحَقُّ بِالْأَمْرِ مِنَ النَّاسِ وَالْمَرْءُ أَحَقُّ بِالْأَمْرِ مِنَ الْمَرْءِ وَالْمَرْءُ أَحَقُّ بِالْأَمْرِ مِنَ الْمَرْءِ

سُبْحَانَكَ يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَنَامُ وَلَا يَسْهُو

عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ حَبِيبُ إِدْأَحَدٍ رَيْقُ إِمَامَةٍ

ادالہن یحییٰ بن جاورہ رواہ البیہقی لدانی المستوفی

[illegible]

اینکه گفته می‌شود که در گذشته بود و این
روایت کرد از اسمعیل بن ابی حمزه که او
نقل کرده است و این تفرقه داخل اصل کتب
است ۱۱

دُعِيَ إِلَى وَلِيَّتِهِ أَوْطَعَامٍ فَوَجَدَتْهُ لُعْبًا أَوْ عِيَاءً فَلَا بَأْسَ
 بِأَنْ يَقْعُدَ وَيَأْكُلَ وَقَالَ أَبُو حَنِيفَةَ رَحِمَتْهُ أَنْ تَكُنْتَ لِهَذَا مَرَّةً
 فَصَبَرْتُ وَهَذَا لِأَنَّ لِحَابَةَ الدَّعْوَةِ سُنَّةٌ وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 مَنْ لَمْ يَحِجِّ الدَّعْوَةَ فَقَدْ عَصَى أَبَا الْقَاسِمِ فَلَا تَزُكُّهَا أَقْرَبُ بِهِ
 الدَّعْوَةَ مِنْ غَيْرِ كَصَلَاةِ الْحَازَةِ وَاجِبَةِ الْإِقَامَةِ وَإِنْ خُصِرَ
 نَاحَةً فَإِنْ قَدَّرَ عَلَى الْمَنَعِ مَنَعَهُمْ وَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ يَصْبِرْ هَذَا إِذَا
 لَمْ يَكُنْ مُقْتَدًا فَإِنْ كَانَ مُقْتَدًا وَلَمْ يَقْدِرْ عَلَى مَنَعِهِمْ خُجِرَ
 وَلَا يَقْعُدُ لِأَنَّ فِي ذَلِكَ شَيْنَ الدِّينِ وَفُتِحَ بَابُ الْعَصِيَّةِ عَلَى
 الْمُسْلِمِينَ وَالْحَاكِمِ عَنْ أَبِي حَنِيفَةَ فِي الْكِتَابِ كَانَ قَبْلَ أَنْ
 يَصْبِرَ مُقْتَدًا وَلَوْ كَانَ ذَلِكَ عَلَى الْمَايَةِ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَقْعُدَ
 إِنْ لَمْ يَكُنْ مُقْتَدًا كَقَوْلِهِ تَعَالَى فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ
 الْقَوِّ الطَّالِمِينَ وَهَذَا كُلُّهُ بَعْدَ الْحُضُورِ وَلَوْ عُلِمَ قَبْلَ الْحُضُورِ لَا
 يَخْصُرُ سَوَاءً كَانَ مُقْتَدًا أَوْ لَمْ يَكُنْ لِأَنَّهُ لَمْ يَكُنْهُ حَتَّى الدَّعْوَةُ بِهَا
 مَا دَامَ عَلَيْهِ عَلَيْهِ لَأَنَّهُ قَدْ نَزَمَهُ وَذَلِكَ الْمَسْئَلَةُ عَلَى أَنَّ الْمَلَاهِي
 كُلَّهَا حَرَامٌ حَتَّى التَّغْيِي يُضْرِبُ الْقَصْبُ وَكَذَا قَوْلُ أَبِي حَنِيفَةَ
 ابْتَلَيْتُ لَأَنَّ الْأَبْتِلَاءَ بِالْمَحْرَمِ يَكُونُ انْتِهَى وَكَذَا فِي الدَّرِّ الْخَطَا
 وَغَيْرِهِ مِنْ كُتُبِ الْفِقْهِ وَقَالَ الشَّيْخُ فِي حَاشِيَةِ الْمَهْدِيَةِ

دَحِيَ إِلَى وَلِيْمَةٍ أَوْطَعَامٍ فَوَجَدْتُمُ لَعْنًا أَوْ عِيَاءً فَلَا بَأْسَ
 بَأَن يَفْعُدَ وَيَأْكُلَ وَقَالَ أَبُو حَنِيفَةَ رَحِمْتُ لِهَذَا مَرَّةً
 قَصَبْتُ وَهَذَا لَإِنْ لَجَابَةِ الدَّعْوَةِ سُنَّةٌ وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 مَنْ لَمْ يَحِجَّ لِلدَّعْوَةِ فَقَدْ عَصَى أَبَا الْقَاسِمِ فَلَا يَزُكُّهَا أَفَرَأَيْتُمْ بِهِ
 الْبِرَّةَ مِنْ غَيْرِهِ كَصَلَاةِ الْحَنَازَةِ وَلَجَبَةِ الْأَقَامَةِ وَإِنْ حَضَرَ
 نَاحَةٌ فَإِنْ قَدَّرَ عَلَى الْمَنْعِ مِنْهُمْ وَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ يَصْبِرُ وَهَذَا إِذَا
 لَمْ يَكُنْ مُقْتَدًا فَإِنْ كَانَ مُقْتَدًا وَلَمْ يَقْدِرْ عَلَى مَنْعِهِمْ فَجُرْ
 وَلَا يَفْعُدُ لِأَن فِي ذَلِكَ شَيْنَ الدِّينِ وَفَتْحُ بَابِ الْعَصِيَةِ عَلَى
 الْمُسْلِمِينَ وَالْحَاكِي عَنْ أَبِي حَنِيفَةَ فِي الْكِتَابِ كَانَ قَبْلَ أَنْ
 يَصِيرَ مُقْتَدًا وَلَوْ كَانَ ذَلِكَ عَلَى الْمَايَةِ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَفْعُدَ
 إِنْ لَمْ يَكُنْ مُقْتَدًا لِقَوْلِهِ تَعَالَى فَلَا تَفْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ
 الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَهَذَا كُلُّهُ بَعْدَ الْحُضُورِ وَلَوْ عُلِمَ قَبْلَ الْحُضُورِ لَا
 حُضْرَ سِوَاهُمْ كَانَ مُقْتَدًا وَلَمْ يَكُنْ لِأَنَّهُ لَمْ يَكُنْهُ حَتَّى الدَّعْوَةُ
 مَا دَامَ الْحُجْمُ عَلَيْهِ لِأَنَّهُ قَدْ زَمَهُ وَذَلِكَ الْمَسْئَلَةُ عَلَى أَنَّ الْمَلَاهِي
 كُلَّهَا حَرَامٌ حَتَّى التَّغْيِي يَصِرُ الْقَصْبُ وَلَكَ أَقُولُ أَبُو حَنِيفَةَ
 ابْتَلَيْتُ لَأَن الْأَبْتِلَاءَ بِالْحَرَمِ يَكُونُ إِنْتَهَى وَلَكَ فِي الدَّلِيلِ الْحَقَّ
 وَغَيْرِهِ مِنْ كِتَابِ الْفِقْهِ وَقَالَ الشَّيْخُ حَاشِيَةً الْهَدَايَةِ

لَا أَنْ إِجَابَتَهُ الدَّعْوَةُ أَمَّا يَكُنْ إِذَا كَانَتْ الدَّعْوَةُ عَلَى رَأْسِ
السَّنَةِ وَهَذَا إِذَا كَانُوا لَا يَتَكُونُ بِحُضُورِهِ وَإِنْ كَانُوا
يَتَكُونُ احْتِشَامًا لَهُ وَاجْتِمَاعًا لَأَنَّ حُضُورَهُ يَكُونُ مِنْ بَابِ
النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ انْتَهَى وَقَالَ الشَّيْخُ عَبْدُ الْقَادِرِ جِيلَانِي
فِي فَضْلِ آدَابِ الْأَكْلِ وَالشَّرْبِ فِي إِجَابَتِهِ الدَّعْوَةَ مِنْ
كِتَابِ غَنِيَّةِ الطَّالِبِينَ هَذَا إِذَا كَانَ خَالِيًا عَنِ الْمُنْكَرِ فَإِنْ
حَضَرَ مِنْكُمْ كَالطَّبْلِ وَالْمِزْمَارِ وَالْعُودِ وَالنَّايِّ وَالرَّابَابِ
وَالْمَعَارِفِ وَالطَّنَابِيدِ وَالسِّبِينَ وَالشَّبَابَةِ وَالْجُفَرَانِ
الَّذِي تَلْعَبُ بِهِ الذُّكُ لَا يَجْلِسُ هُنَاكَ لَا أَنْ
جَمِيعَ ذَلِكَ مُحَرَّمٌ انْتَهَى كَذَا فِي رِسَالَةِ مُلَّا عِصْمَتِ اللَّهِ
السَّهْمَانِ قُورِي وَقَالَ الْأَمَامُ الْغَزَالِي فِي كِتَابِ الْأَحْيَاءِ
الْعُلُومِ فِي بَيَانِ مُنْكَرَاتِ الضِّيَافَةِ مِنْهَا سَمَاعُ الْأَوْتَارِ
أَوْ سَمَاعِ الْقِيَسَاتِ وَمِنْهَا اجْتِمَاعُ النِّسَاءِ عَلَى السُّطْحِ تَنْظُرُ
إِلَى الرِّجَالِ شَابٌّ يُخَافُ الْفِتْنَةَ بَيْنَهُمْ فَكُلُّ ذَلِكَ
مَحْذُورٌ مِنْكُمْ يَحِبُّ تَغْيِيرُهُ وَمَنْ عَجَرَ عَنْ تَغْيِيرِ بَلْبِهِ
الْخُرُوجَ وَلَمْ يَحْزَنْهُ الْجُلُوسُ فَلَا رُخْصَةَ فِي
الْجُلُوسِ فِي مُشَاهَدَةِ الْمُنْكَرَاتِ انْتَهَى أَيْضًا رَوَاهُ

و این علم را بابت وقتیکه دعوت بر وجه شما افتاد
بجای فرستادن او و اگر باز نشنودن کند
تسلیم و بزرگی او حاضر شود و اگر نشنود
عالمیست و در این باب نمی توان که حاضر شدن
در محضر او وقت آنکه شما را در محضر
او نشانی باریاب اهل مشرب در این محضر
و نمی بماند که غایب است از این دعوت
شد و اگر از شما بماند پس از این
سازگی و دعوت و نشانی در این باب

[illegible]

معلوم شد که هر محفلی و مجلسی که در آن بدعات و منکرات الیه و غیره باشند
 در آن مجلس حاضر نباشد و حتی اجابت دعوت لازم نمیشود با وجودیکه تا کید
 احادیث دعوت و لیمه در حدیث شریف بسیار وارد شده پس قتی که بر
 قرارات اولیای ائمه قدس الله سرار هم و دیگر آن خصوص منکرات و ضرب
 آلات هم مثل معازف و قمرامیر باشد آن وقت برای
 زیارت تسبیح نباید رفت زیرا که در رفتن آن وقت ادای
 مستحب می شود و ارتکاب منهیات لازم می آید از ارتکاب منهیات
 احتراز واجب چنانکه ادائی مستحب و ارتکاب منهیات جمع شود آن وقت
 مستحب ترک باید نمود و ادائی مستحب هم غیر موقوف برین وقت نیست
 و اگر وقت هم ادائی شود پس کسی که در آن وقت درین مجلس شرکت
 خواهد داشت در وعید این حدیث که صاحب مدایه نقل کرده داخل خواهد شد
 مَنْ كُنَّ سَوَادَ قَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ
 بِالصَّوَابِ **سوال چهارم** محال پس شایان آن که در آن مجمع
 مردمان جوانان و غنیان می شوند نهو و لعب باشد یا **سوال**
پنجم نهو و لعب حرام و واجب المنع است یا **سوال**
ششم و قتی که مردمان حرام و واجب المنع را لازم بر خود
 نمرده معمران باشند و از آن باز نیایند بلکه حجت و سند بر آن خود گذشت

این است که در وقت
 محفل استماع
 از آن جوانان
 است و از آن
 و در این محفل
 حادثه و غیره

عبارت سار
 این چنین است
 در تحقیق و توفیق
 سلطان قطب
 الدین در بیان
 سلطان ملک
 در شهر
 دلی با جماع
 علمای آن
 زمان بر
 جهت فضا
 در قضا
 سرزایش
 این برادر
 منع کردن
 ایشان را
 در قضا
 که نه
 شود آن
 محضر اینجا
 عبارت او

۱۱۲

بگویند که با هم موافق عمل بر این خودی کنم پس این قول ایشان حجت
 باشد و از حرمت برآمده معذور باشند بانه **سوال هفتم** هرگاه
 قول ایشان حجت نباشد و معذور هم نشوند و شهرت در شهر را باین مرتبه
 شد که عوام و اکثر خواص از امر خود لازم و مثل واجب اند پس این
 بر قاضی و حاکم متبع شرع شریف هم مانع لازم باشد **سوال هشتم**
 هرگاه جمیع مردمان شهر از او امر و نواهی سکوت نمایند و زجر و اکاه نهان
 گناه می شود بانه **سوال نهم** شنیدن مزایم و معارف را موجب
 تقرب بابرگاه الهی و مستحسن شدن و منکر از اقیع و نهتن، کفرست بانه +
جواب این شش سوال در مختصر که در وقت سلطان قطب الدین
 بحضور حضرت سلطان المشایخ حضرت نظام الدین قدس سره و شهر
 باجماع علمای آن وقت واقع شده بود مرقوم و مسطور است حاجت جواب
 جدید نیست بعینه عبارت محضر از رساله مولوی عصمت الدین اعظم ساکن
 سمارنبور که از معتمدین علمای متاخرین است و تصانیف میگرداند نقل میشود
 عِبَارَةُ الرَّسَالَةِ هَكَذَا أَقْدَوْعَ مُحَضَّرِي عَمْدِ سُلْطَانِ
 قُطْبِ الدِّينِ بِحُضُورِ سُلْطَانِ الْمَشَايِخِ فِي بَلَدَةِ دِهْلِي
 بِاجْمَاعِ عُلَمَاءِ ذَلِكَ الْعَصْرِ عَلَى حُرْمَةِ السَّمْعِ وَالْقَصْرِ
 وَتَجَرِ أَهْلِهِمَا وَمَنْعِهِمْ وَيُنْقَلُ ذَلِكَ الْمُحَضَّرُ هُنَا بِعِبَارَتِهِ

مع بعض الالفاظ وقعت فيه بخریف الکاتبین وهو
 هذا **مخبر** من چه غیر اینست و درین بکر کتابین معضلا
 احکامت حاصل الله اما لهم و کثرت فی الخافین امثالهم
 در آنچه سماع و وثیان اهل روزگار که مستلست بر جمعیت پران و جوانان
 و قوالان با و ده کش و کج و کج و غیر آن این مجموعه لهو و لعب و عبث
 باشد یا نه **ج** علما بالاتفاق جواب دادند باشد باشد باشد و الله اعلم
مس و ما قولهم چون لهو و لعب باشد واجب المنع و الزجر و حرام
 باشد یا نه **ج** باتفاق علما جواب دادند باشد باشد باشد و الله اعلم
مس و ما قولهم چون حرام و واجب المنع و الزجر باشد جماعتی
 که از اسیرت و عادت خود سازند و بران اصرار نمایند و ممتنع نشوند و حجت
 کنند که در شهرهای معظم چنین می کنند و یا گویند که فلان و فلان مشایخ
 متقدم بودند کرده اند تا تیری کنیم مجرد قول ایشان حجت شود و فعل
 از حرمت بیرون آید و ایشان معذور باشند یا نه **ج** علما جواب دادند
 و گفتند فی فی و الله اعلم **مس** و ما قولهم چون مجرد قول
 ایشان حجت نشود و ایشان معذور نباشند و فعل از حرمت بیرون
 نیاید و فعل ایشان در شهرهای مسلمانان مشهور شود چنانچه صفار و کبار
 جمله شهر قبول و فعل ایشان راضی شوند و عوام خلق آنرا اسیرت

۹
 این کتاب در بیان احکام و عقوبات است
 و در بیان احکام و عقوبات است
 و در بیان احکام و عقوبات است
 و در بیان احکام و عقوبات است
 و در بیان احکام و عقوبات است
 و در بیان احکام و عقوبات است
 و در بیان احکام و عقوبات است
 و در بیان احکام و عقوبات است
 و در بیان احکام و عقوبات است
 و در بیان احکام و عقوبات است

سیرت خود گیرند بعده خیر کردن و مراقت کردن بر قاضی مسلمانان
و بر ارکان دولت و اعیان صد و لازم باشند و زجر این طائفه بر قاضی
و بر والی لازم باشد یا **ج** علما جواب دادند باشد باشد باشد باشد
مس و ما قولیم چون جمله اهل شهر امر معروف نکنند و منکر
کندارند و نهی منکر بجای نیاورند و از منع ایشان باز استند آثم شوند یا نه
ج علما جواب دادند شوند شوند شوند و اند **مس** و ما قولیم چون
سمع کردن با جمعیت بران و جوانان و قوالان و راقصان و امردان
و دستکزدان و ضیاعین اعضا واجب الاتعاز است چنانکه در صدر
فتوی یاد کرده شد لعب و لهو است و محرم است و واجب الاستماع است
با جماع مسلمانان بر ولایت و قضات و صد و و اکابر و غیر هم من المسلمین
بعد از قدرت بر منع و زجر بقدر وسع واجب باشد یا منع و زجر
بر وجه مشروع و بتسک امر معروف و نهی منکر آثم شوند هر که اینچنین
سمع را حلال دارد و بگوید این سمع طاعت است و موصل الی الترتیب و تفرغ
الی حضرت الله و سبب مکاشفات حقایق و دقایق عیسی و اصلیت
و رفع درجات عقلاء است و جماعتی در تصدیق میکنند و متابعت
می نمایند قولا و فعلا و قول و فعل و یا استحسان میکنند و ناب
دین منکرات را اجزا میکنند و استیفاء میکنند این جماعت بحال

و استن این چنین فعل و متابعت و تصدیق و استعجاب و اصرار کافر
 شوند یا نه بیان فرماید تا ثواب حاصل شود و شهادت تعالی ج علی
 جواب دادند شوند شوند شوند و اسم علم کتبه مولانا فخر الدین
 صلواتی کتبه محمد بن احمد قاضی الانام کبیر الدین و اسم علم کتبه ابوبکر
 بن علی بن عثمان قاضی امام جلال الدین و اسم علم کتبه عبد الغزیز بن محمد
 مولانا نجم الدین الدمشقی و اسم علم کتبه عبد الغزیز الرزاد قاضی امام
 جلال الدین و اسم علم کتبه محمد بن عبد الرحمن بن عبد الله خطیباً
 و اسم علم کتبه شرف یحیی و اسم علم کتبه علی بن محمد عطاردک
 الامین الدین المفتی و اسم علم کتبه محمد بن محمود الکاشانی قاضی
 بداون و اسم علم کتبه علی بن علی الفرشوری و اسم علم کتبه محمد
 بن احمد الحلوائی قاضی اوده و اسم علم کتبه ابوبکر بن یوسف بحسن
 السقراقی الامام سراج الدین اسجری و اسم علم کتبه عبد الرحمن
 بن احمد بن عبد الرحمن بن محمد امام ضیاء و الدین عبد الوهاب سفری
 و اسم علم کتبه محمود بن حسین اسعد البعلخی بزاز و اسم علم
 کتبه ابوطاهر بن ابی بکر الحسین الخطیب الامام غزالدین محتسب دلی
 و اسم علم کتبه احمد بن محمد یوسف ضیاء الدین و اسم علم
 کتبه ابوالمفاخر محمود البلیغی قاضی برهان الدین بزرگ و اسم علم

كتب عبد الرحمن بن محمد بخط قاضى سمرقند واسد اعلم والروايات
 التي كتبت على ذلك المحصر في تحريم السماع هذه في الذخيرة
 ان التبعي مع جميع انواعه حرام عند علماءنا بقوله
 تعالى ومن الناس من يشري لهواه الدنية والمرد منه
 الغناء يا ثقات اهل التفاسير في فتاوى النسخي استوع
 صوت الملاهي والغناء حرام لقوله عليه الصلوة
 والسلام استماع الملاهي معصية والجلوس عليها
 فسق والتكدر بها كفر وقال ابن مسعود رضي الله عنه
 الغناء يذنب الثفاق كما يذنب الماء النبات في الصبر
 الذي يذنب اختصوا بغيره ليسوا يستعملوا باللهو والرقص
 وادعوا لانفسهم المنزلة اقرؤا على الله كذباً بامرهم
 حية فليعز النبي صلى الله عليه وسلم من الدرك الا منه فالله
 عن ليس الشهريتين فليسوا على شيء الاسماء ما يرون فيلهم
 ان كانوا اعراب عن الطرقي المستقيم هل يفتون من البلاد
 لقطع فينتهم عن العامة فقال اماطة الاذي بلغ في
 الصيانة وامتل في الدنيا واما النجيب من الطيب اركي
 واول من الغنى في باب تعليم القران والعلم من كتاب الكرامة

[illegible]

9.

116

[illegible]

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ بَدَلِ دِينِهِ فَأَقْتُلُوهُ فَإِنْ قَتَلَهُ قَاتِلٌ
قَبْلَ عَرْضِ الْإِسْلَامِ عَلَيْهِ كَرِهٌ وَلَا شَيْءٌ عَلَيْهِ مِنْ مَحْتَارِ
التَّوَادُّ وَالْإِهْمَالِ مَحْكِي عَنْ إِمَامِ الْهُدَى أَبِي مَنْصُورٍ
الْمَازِنِيِّ رَحِمَهُ مَنْ قَالَ لِلْمُقَرَّبِ زَمَانًا لِحَسَنَتٍ عِنْدَ
قِسَائِهِ يَكْفُرُ بِهَا نَتْنٌ مِنْهُ أَمْرٌ أَنَّهُ وَاجِبٌ لِلَّهِ كُلُّ
حَسَنَاتِهِ إِنْ تَابَ لَا يَجِبُ الْقَتْلُ وَلَا الْإِصْرُ عَنْقَهُ وَالذَّلِيلُ
عَلَى هَذَا قَوْلُهُ مِنْ بَدَلِ دِينِهِ فَأَقْتُلُوهُ فَإِنْ قَتَلَهُ قَاتِلٌ قَبْلَ
عَرْضِ الْإِسْلَامِ كَرِهٌ ذَلِكَ وَلَا شَيْءٌ عَلَيْهِ وَيَبِى اخْتِذَ الْمُتَأَنِّفُونَ
وَعَلَيْهِ الْفَتْوَى مِنَ الْكَافِي قَالَ مَسْلُخَاتُ اسْتِمَاعِ الْقُرْآنِ
بِالْحَاكِ مَعْصِيَّةٌ وَالتَّسَالُيُ وَالسَّمْعُ ائْتِمَانٌ وَرِخْوَانٌ وَنَيْدٌ
قُرْآنٌ بِالْحَاكِ خَوَانٌ وَشَوْذُوكَانٌ وَشَوْذُوكَانٌ بَرَهٌ كَارِثُونَ وَرِخْوَانٌ
شَعْرٌ وَنِوَانٌ بِطَرَقِ سُرُودِ نَيْدٍ كِي دَرَسَتْ بِأَسَدٍ مِنَ السَّيْلِ لِحَاجَةٍ
لِيَسْتَحْيِيَ الدَّعَاءَ الْإِحْفَاءُ وَرَفَعَ الصَّوْتُ بِدَعَاةٍ وَرَفَعَ
الصَّوْتُ عِنْدَ سَمْعِ الْقُرْآنِ وَالْوَعْظُ مَكْرُوهٌ وَقَوْلُ
هَكَمَهُ رَحِمَ اللَّعْبُ وَالْغِنَاءُ دَلِيلٌ عَلَى أَنَّ الْحَرَّمَ
لَا يَخْتَصُّ بِالْمُزَامِيرِ لِأَنَّ الضَّرْبَ وَالْقُصْبَ وَالتَّعْيِ مَعَهُ
حَرَامٌ لِأَنَّ ذَلِكَ لَهُوَ وَاللَّهُ كُلُّهُ حَرَامٌ إِلَّا ثَلَاثَةً مَلَا عِبَةً

[illegible]

الرَّحُلُ مَعَ أَهْلِهِ وَتَأْوِيلُهُ بِفَرْسِهِ وَمَا ضَلَّهَ بِقَوْسِهِ وَهَذَا
 نَقْلٌ مِنْ قِتَاوَى الْعَتَابِيِّ حَقَائِقِ السَّلَاسِي مِنْ قِتَاوَى الصُّوفِيَّةِ
 فِي بَابِ ذِكْرِ اللَّهِ تَعَالَى قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 اسْتِمَاعُ الْمَلَائِكَةِ مَغْصِيَّةً وَالْجُلُوسُ عَلَيْهَا فِسْقٌ
 وَالتَّلَذُّذُ بِهَا كُفْرٌ سَرُّ وَدُكْفَرٌ وَتَنِيْدٌ وَنَسْتَنُجَانُ فِسْقٌ وَ
 لَذْتُ غُرْفَتِي بَانَ كُفْرًا سَرُّ وَلَذْتُ أَنْ بَاشَدَ كَغُرْفَتِي وَبَاشِي كُوبَدَ وَجَاهِي
 بِبَرْدِ بَانٍ بِهَرَسَمَتٍ وَفِي الْمُضْمِرَاتِ وَفِي الْمَنَافِعِ غَاوِلَاتُ
 النَّعْنَى حَرَامٌ فِي جَمِيعِ الْأَدْيَانِ وَقَالَ الزِّيَادِي إِذَا أَوْصَى
 بِمَا هُوَ مَغْصِيَّةٌ عِنْدَ وَعِنْدَ أَهْلِ الْكِتَابِ وَذِكْرُ مَنِيَّةِ
 الْوَجْهِ لِلْمُسْتَعِينِ وَالْمَغْنِيَّاتِ وَذِكْرُ فِي الْجَامِعِ الصَّغِيرِ
 لِقَاضِي خَانٍ فَإِنَّ الضَّرَبَ بِالْقَصْبِ وَالْمَغْنَى حَرَامٌ كَمَا هُوَ
 لَهُ وَلَعِبٌ وَفِي الْخُلَاصَةِ فِي الْفَصْلِ الثَّانِي فِي الْعِبَادَاتِ
 فِي كِتَابِ الْكِرَاهَةِ وَفِي الْمُنْتَقَى التَّجْمِيعُ بِالْقِرَاءَةِ
 يُكْرَهُ عِنْدَ أَبِي حَنِيفَةَ وَابْنِ يُونُسَ رَحِمَهُمَا
 اللَّهُ لَا حُجَانَ وَقَالَ أَكْثَرُهُمْ مَكْرُوهٌ وَلَا يَحِلُّ
 وَلَا يَحِبُّ الْاسْتِمَاعُ وَهَذَا الْمَعْنَى يَكْرَهُ هَذَا التَّجْمِيعُ
 فِي كَذَا أَنْ أَيْضًا وَذَكَرَ فِي الْكِبَرِيِّ فِي الْفَصْلِ الْمَسْبُوعِ فِي الْوَجْهِ

وَلَا يَحِلُّ لِمَنْ يَدْعُو إِلَى الْكُفْرِ أَنْ يَكُونَ كَمَا هُوَ
 خَوْفٌ وَارْتِيَابٌ وَتَوَقُّعٌ أَنْ يَكُونَ كَمَا هُوَ
 اسْتِمَاعُ الْمَلَائِكَةِ مَغْصِيَّةً وَالْجُلُوسُ عَلَيْهَا فِسْقٌ
 وَالتَّلَذُّذُ بِهَا كُفْرٌ سَرُّ وَدُكْفَرٌ وَتَنِيْدٌ وَنَسْتَنُجَانُ
 فِسْقٌ وَلَذْتُ غُرْفَتِي بَانَ كُفْرًا سَرُّ وَلَذْتُ أَنْ بَاشَدَ
 كَغُرْفَتِي وَبَاشِي كُوبَدَ وَجَاهِي بِبَرْدِ بَانٍ بِهَرَسَمَتٍ
 وَفِي الْمُنْتَقَى التَّجْمِيعُ بِالْقِرَاءَةِ يُكْرَهُ عِنْدَ أَبِي
 حَنِيفَةَ وَابْنِ يُونُسَ رَحِمَهُمَا اللَّهُ لَا حُجَانَ وَقَالَ
 أَكْثَرُهُمْ مَكْرُوهٌ وَلَا يَحِلُّ وَلَا يَحِبُّ الْاسْتِمَاعُ وَهَذَا
 الْمَعْنَى يَكْرَهُ هَذَا التَّجْمِيعُ فِي كَذَا أَنْ أَيْضًا وَذَكَرَ
 فِي الْكِبَرِيِّ فِي الْفَصْلِ الْمَسْبُوعِ فِي الْوَجْهِ

وَلَا يَحِلُّ لِمَنْ يَدْعُو إِلَى الْكُفْرِ أَنْ يَكُونَ كَمَا هُوَ
 خَوْفٌ وَارْتِيَابٌ وَتَوَقُّعٌ أَنْ يَكُونَ كَمَا هُوَ
 اسْتِمَاعُ الْمَلَائِكَةِ مَغْصِيَّةً وَالْجُلُوسُ عَلَيْهَا فِسْقٌ
 وَالتَّلَذُّذُ بِهَا كُفْرٌ سَرُّ وَدُكْفَرٌ وَتَنِيْدٌ وَنَسْتَنُجَانُ
 فِسْقٌ وَلَذْتُ غُرْفَتِي بَانَ كُفْرًا سَرُّ وَلَذْتُ أَنْ بَاشَدَ
 كَغُرْفَتِي وَبَاشِي كُوبَدَ وَجَاهِي بِبَرْدِ بَانٍ بِهَرَسَمَتٍ
 وَفِي الْمُنْتَقَى التَّجْمِيعُ بِالْقِرَاءَةِ يُكْرَهُ عِنْدَ أَبِي
 حَنِيفَةَ وَابْنِ يُونُسَ رَحِمَهُمَا اللَّهُ لَا حُجَانَ وَقَالَ
 أَكْثَرُهُمْ مَكْرُوهٌ وَلَا يَحِلُّ وَلَا يَحِبُّ الْاسْتِمَاعُ وَهَذَا
 الْمَعْنَى يَكْرَهُ هَذَا التَّجْمِيعُ فِي كَذَا أَنْ أَيْضًا وَذَكَرَ
 فِي الْكِبَرِيِّ فِي الْفَصْلِ الْمَسْبُوعِ فِي الْوَجْهِ

الفانعد المسيح حب الله وروى عن ابن عباس رضوا الله
 عنه وقف النبي صلى الله عليه وسلم على قرنين وهم
 المبيد الحرام وقد نصبوا الاكصنام وعلقوا عليها بيض
 النعام وجعلوا في اذانها الشنوف وهم يسبحون لها فقام
 النبي صلى الله عليه وسلم يامعشر القرنين والله لقد
 خالفتكم ملة ابيكم ابراهيم واسماعيل فقالت له قرنين
 انما نعبد هاجيا لله ليقربونا الى الله زفنى فقال الله تعالى قل
 يا محمد ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله فحببوا للمؤمنين
 الله تعالى اتباعهم امره وامثال طاعة واتباع مرضاته في جميع
 امر حركه ونهى وحبب الله للمؤمنين تناوؤة وثوابه لهم وعفوة
 وخلاصهم عن النار ونيل درجاتهم لما نزلت هذه قال عبد
 الله بن ابى المنافق لاصحابه ان محمد يجعل طاعة كطاعة الله ويا منا
 ان تحبواكم المح البصارى المسيح فانزل الله تعالى قل اطيعوا الله و
 الرسول فان تولوا الى اعز بول عن طاعته ما فان الله لا يهدي الكافرين
 فغلهم ولا يغفر لهم روى عن ابى هريرة رضي الله عن ان رسول الله
 صلى الله عليه وسلم قال كل امتى يدخل الجنة الا من اقبل
 ومن ابى قال ومن اطاعني دخل الجنة ومن عصاني فقد ابى

۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

[illegible][illegible]

وروى عن جابر بن عبد الله يقول جاءت الملائكة الى النبي
صلى الله عليه وسلم وهو نائم فقال بعضهم ان لعين
نائمة والقلب يقظان قالوا ان لصاحبكم هذا فاضربوا له
مثلا فقالوا مثله كمثل رجل بنى دارا وجعل فيها مادية و
بعت داعيا ففن اجاب الداعي دخل الدار واكل من مادية
ومن لم يحب الداعي لم يدخل الدار ولم ياكل من المادية فقالوا
او لو هاله يقظها فقال بعضهم انه نائم وقال بعضهم
ان العين نائمة والقلب يقظان فقالوا الدار الخفية والداعي
محمدا صلعم فمن اطاع محمدا فقد اطاع الله ومن عصى محمدا فقد
عصى الله ومحمدا فرقت بين الناس هذا كله منقول
من تفسير معالم التنزيل للبغوي ونزل حين قال اليهود عن
ابناء الله واحباؤه قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني
يحبكم الله سبحانه العبد لله اثار طاعته على غير ذلك
ومحبة الله للعبد ان يرضى عنه ويحمد فعله ومن
الحسن يزعم اقوام على عهد رسوله الله صلعم انهم يحبون الله فاد
ان يجعل لقولهم تصديقا من عمل فمراجعي محبة الله ونحالف
سنة رسولوه كذا في كتاب الله يكنز به وقيل محبة الله معرفة ودوام

[illegible]

وود و ام اشتغال للقلب به و بذاکر و دأمر الاشریه و
 قیل هی اتباع النبى صلعم فی اقواله و افعاله و لحواله
 الا ما حضوا به و قیل علامة المحبة ان یکون
 دایم التفکر کثیر الخلوة دایم الصمت
 لا ینظر اذا نظر و لا یسمع اذا نودی و لا یخزن
 اذا اصیب و لا یفرح اذا اصاب و لا یخشی احدا
 و لا یجوه هذا منقول من تفسیر المدارک

سوال علامات محبت پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم چیست جواب
علامت محبت پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم بسیار چیزهاست لیکن اصل و عمده علامت
محبت آن سید البشر آنست که اقتداء از آنحضرت صلی الله علیه وسلم نمودن و عمل به
سنت ایشان و اتباع اقوال و افعال ایشان ساختن و امتثال و
امر نمودن و اجتناب از نواهی و بدعات کردن و متادب بآداب آن
حضرت صلی الله علیه وآله وسلم شدن در حالت سختی و آسانی و خوشی
و کسرت و کمال اتباع و قیام آنحضرت صلی الله علیه وسلم این است
چنانچه در کردن اتباع می باید و در ترک کردن هم اتباع می باید کرد و حکما
قال الشيخ الجليل والمحدث النبيل عبد المحمّد الهلوی
رحمه الله فی ترجمه مشکوٰۃ و اتباع صحابه که در فعل واجب و ترک

[illegible]

محببت زره
شعور و فکری که
شعور و فکری که
شعور و فکری که
شعور و فکری که
شعور و فکری که
شعور و فکری که
شعور و فکری که

شود
 و من خوش شود
 و من کند کاما کند شود
 و من در سر کسی فون
 و من در دوزخ
 من فعل کند از پی
 ملاک
 خجسته گفت
 در یک
 در یک
 وقت که او را
 حادی قاسم

و از او شنید
چنین گفته اند
مخدومان علم سده ۱۲
گفت در بر سرت

فهرست کتاب مائة المسائل

مسئله ۳۵	مسئله ۱
مسئله ۳۵	مسئله ۱۰
مسئله ۳۵	مسئله ۱۱
مسئله ۳۵	مسئله ۱۱
مسئله ۳۵	مسئله ۱۲
مسئله ۳۵	مسئله ۱۳
مسئله ۳۵	مسئله ۱۳
مسئله ۳۵	مسئله ۱۴
مسئله ۳۵	مسئله ۱۵
مسئله ۳۵	مسئله ۱۶
مسئله ۳۵	مسئله ۱۷
مسئله ۳۵	مسئله ۱۸
مسئله ۳۵	مسئله ۱۹
مسئله ۳۵	مسئله ۲۰
مسئله ۳۵	مسئله ۲۱
مسئله ۳۵	مسئله ۲۲
مسئله ۳۵	مسئله ۲۳
مسئله ۳۵	مسئله ۲۴
مسئله ۳۵	مسئله ۲۵
مسئله ۳۵	مسئله ۲۶
مسئله ۳۵	مسئله ۲۷
مسئله ۳۵	مسئله ۲۸
مسئله ۳۵	مسئله ۲۹
مسئله ۳۵	مسئله ۳۰
مسئله ۳۵	مسئله ۳۱
مسئله ۳۵	مسئله ۳۲
مسئله ۳۵	مسئله ۳۳
مسئله ۳۵	مسئله ۳۴
مسئله ۳۵	مسئله ۳۵
مسئله ۳۵	مسئله ۳۶
مسئله ۳۵	مسئله ۳۷
مسئله ۳۵	مسئله ۳۸
مسئله ۳۵	مسئله ۳۹
مسئله ۳۵	مسئله ۴۰
مسئله ۳۵	مسئله ۴۱
مسئله ۳۵	مسئله ۴۲
مسئله ۳۵	مسئله ۴۳
مسئله ۳۵	مسئله ۴۴
مسئله ۳۵	مسئله ۴۵
مسئله ۳۵	مسئله ۴۶
مسئله ۳۵	مسئله ۴۷
مسئله ۳۵	مسئله ۴۸
مسئله ۳۵	مسئله ۴۹
مسئله ۳۵	مسئله ۵۰

۶۲ مسئله شامیان و خیمه کشی و کندن بر قبر

۶۲ مسئله بوسه گرفتن قبر الدین

۶۸ مسئله معافه کردن از قبر

۶۸ مسئله روشنی کردن قبر برای تعظیم

۶۹ مسئله اگر روشنی برای جماع مردم غیر کند

۷۰ مسئله چادر گل انداختن بر قبر

۷۲ مسئله صید داون نقد جن طعام خوانا

۷۲ مسئله وکیل حاضر خوانا را دعا کنند

۷۳ مسئله تعظیم شمع در شمع به قدر آمده

۷۴ مسئله مصافحه کردن با عالم یا پسر بعد نماز

۷۴ مسئله معافه کردن نمازین بعد عید

۷۴ مسئله تبارک الذی خواندن فاتحه داون

۷۵ مسئله برای فاتحه قهر طعام قسرم شیری بخورد

۷۵ مسئله مذکور که اگر حاجت من جدا برآورد

بر گاه طلاق این قدر نقد جن طعام بخورد

۸۱ مسئله اگر خدا حاجت برآورد این قدر طعام

فقر و اغنیاء را بخورانم

۸۳ مسئله خوردن طعام عزیمت و اولیا و علی و عروه

۸۴ مسئله مفهوم بدعت چه است

۸۵ مسئله اقسام بدعت چند اند

۸۶ مسئله بدعت حسنه در شرع جایز انگاشته

۸۶ مسئله ادنی بدعت سیئه چه است

۸۶ مسئله مرتکب بدعت سیئه کافر می شود یا نه

۸۷ مسئله احادیثیکه در آن عید مرتکب سیئه دانست

۸۸ مسئله مرتکب بدعت سیئه نماز فرض خود ادا کند یا نه

۸۸ مسئله بدعت نه محمده و اوقات یا غیره دالی القیمه

۸۸ مسئله بدعت سیئه محمده و یا غیره محمده

۸۸ مسئله نه از هر بدعت حسنه ای سیئه

۸۹ مسئله مقلد ایشان را بدعتی گویند یا نه

۹۳ مسئله بر تقدیر بدعتی گفتن نماز و نفل ایشان و این بدعت

۹۴ مسئله بر تقدیر بدعتی قبول نماز و نفل ایشان را تقلید میکند

۹۵ مسئله تسبیح که برای نماز می دارند بدعت حسنه است یا سیئه

۹۵ مسئله تسبیح بر وقت کبر و شروع امام در نماز خواندن

۹۵ مسئله مسح کردن بر وضو نماز یا غیره تسبیح یا بدعت حسنه

۹۶ مسئله خواندن علم صرف بخود بدعت حسنه است یا سیئه

۹۶ مسئله علم فقه بدعت حسنه است یا سیئه

۹۶ مسئله دیگر علوم که مد علم حدیث قرآن بدعت حسنه است یا نه

۹۳ مسئله علم کلام بدعت حسنه است یا سیئه

۹۳ مسئله تفسیر الفاظ قرآن حدیث که اگر در آن بدعت حسنه است یا سیئه

۹۳ مسئله تعریف علم دانش فرض واجب است و غیره و غیره

۸۱ مشهور و غیر بدعت است یا نیست

۹۰ مسئله ذکر خفی در شرع جایز است یا نه

۹۱ مسئله ذکر چهار رکن خارج است یا گناه

۹۲ مسئله مراقبه در شریعت چه حکم دارد

۹۳ مسئله مراقبه عند القبر چه حکم دارد

۹۴ مسئله اعلام روز جمعه بی السله و سینه بکفن چه حکم دارد

۹۵ مسئله اذان برای دفع دیاب چه حکم دارد

۹۶ مسئله اذان برای باران چه حکم دارند

۹۷ مسئله اذان انجاء حاجت چه حکم دارد

۹۸ مسئله بیل که بران نام نهاده باز جزاره می کند

۹۹ مسئله حافظان که بر قبر می نشاندند

۱۰۰ مسئله بر سر کرم حافظان را صحنه ده که می بیند یا طعمه می خورد

۱۰۱ مسئله مقرر کردن حافظی و پخته شدن نان یا کرم زیاد

۱۰۲ مسئله تصور نمودن صورت شیخ در وقت ذکر چه حکم دارد

۱۰۳ مسئله جواب نامه که بر کفن می کشند چه حکم دارد

۱۰۴ مسئله ایستادن و نشستن بر جبهه میت چه حکم دارد

۱۰۵ مسئله اقامه و نمودن معرعه و ناله باجرت چه حکم دارد

۱۰۶ مسئله تغذیه و نخوردن بر سر میت بغیر از طعام و شراب چه حکم دارد

۱۰۷ مسئله شربت و شربت شور و شربت قند و شربت ار و راج درین شب چه حکم دارد

۱۰۸ مسئله خاتمه دیدن سوالات عشره معلومه

۱۰۹ مسئله مرید را بر جمیع افعال چه رخصت است

لازم یا نه

۱۱۰ مسئله مریدان و معتقدان پیران و بزرگان

درین خانه خلاف طریق ایشان و عبادات و ریاضات

تبرکات ایشان را مثل انبیا و اولاد و غیره و خرقه

ایشان را بقبول و کرم بسیار بر سر و چشم نهادن و بوسه

دادن پیران محال را حوط را دست بردارند

۱۱۱ مسئله اجابت نمودن دعوت و لبیمه

جامه کمرات همچو مزایر و معارف دیگر که بوسه و لبیمه

باشند درست است یا نه

۱۱۲ مسئله مجالس شایگان و دل نفع مردمان

جوانان و غنیان می نمود و لهنو و لعب باشد چه

۱۱۳ مسئله لهنو و لعب در وقت نماز و ایستادن

۱۱۴ مسئله وقتیکه در آن وقت و ایستادن و ایستادن

در میان باشند و از آن باریان بگذرند بآن خود گویند

۱۱۵ مسئله هرگاه بفرقی ایشان حجت نباشد و معذور

نم نشود و شهر در شهر می نرسد که عوام و ملا و اعیان

۱۱۶ مسئله مردان پیران را در آن وقت و ایستادن و ایستادن

۱۱۷ مسئله شنیدن و ایستادن بر اجابت و ایستادن

۱۱۸ مسئله ملا و معتمدان و ایستادن

چیت نامہ اغلاط فائے امثلہ

صفحہ	۴	۳	۲	۱	صفحہ	۴	۳	۲	۱
۲	۹	نہ بیند	نہ بیند	۲۱	۲	ترھا	ترھا	۸۷	کنند
۴	۱۶	بودند کہ	بودند کہ	۲۷	۸	مصاب	مصائب	۸۸	قرض خود
۵	۴	ہوئیے	ہوئیے	۲۸	۳۰	ناریند	ناریند	۸۸	انواع
۷	۱	نعت	نعت	۸	۱۲	عرس تمام	عرس تمام	۸۸	اربعیت
۸	۶	نغیرند	نغیرند	۲۸	۱۳	می میروند	میروند	۸۹	علی ہر
۸	۱۵	فان	فان	۲۸	۱۴	باشند	باشند	۹۰	نزدیک
۹	۵	چوایند	چوایند	۲۸	۱۶	تغذیر	تغذیر	۹۲	ثابت
۱۰	۱۱	افضی	افضی	۲۸	۱۷	اتخذ	اتخذ	۹۷	نصفت
۱۰	۹	عبادت	عبادت	۳۰	۳۰	علیم قال	علیم قال	۹۷	بعد الاعلام
۱۱	۲	الکریم	الکریم	۳۷	۱۱	طوائف	طوائف	۹۸	استسقا
۱۱	۱۳	یہ غلب	یہ غلب	۳۹	۱۷	ظہیر	ظہیر	۱۰۰	جائز
۱۲	۷	مسی	یعنی	۴۰	۱۰	إلا علمہ	إلا علمہ	۱۰۲	شہادت
۱۲	۱۰	مشک	مشک	۴۵	۱۵	جمہور	جمہور	۱۰۷	بانوات
۱۲	۱۱	الغری	العربی	۴۰	۷	کل عرق	کل عرق	۱۰۷	وضو
۱۳	۱	وزیر	وزیر	۴۱	۱۱	او امین	او امین	۱۰۸	الوقدرت
۱۴	۱۴	جو	جو	۷۰	۱۰	براین	براین	۱۱۱	گرفت
۱۵	۵	ایان	ایان	۷۰	۳	رضت	رضت	۱۱۲	سیرت خود

